

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org

دره بیضاء

درپیرامون سخنان
امام رضا علیه السلام



کاظم وفایی همدانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دره بیضاء در پیرامون سخنان امام رضا علیه السلام

نویسنده:

کاظم وفائی مازندرانی

ناشر چاپی:

موسسه بنیاد خیریه الزهرا سلام الله علیها

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	دره بیضاء در پیرامون سخنان امام رضا علیه السلام
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	تفریظ به قلم آقای عمادزاده
۱۷	اشاره
۱۷	حدیث نبوی
۱۹	مقدمه مؤلف
۱۹	مدایح آن حضرت
۱۹	اشاره
۲۰	مدیحه صاحب بن عباد از برای امام هشتم
۲۰	قصیده‌ی دعبل در مدح امام هشتم
۲۰	مدیحه‌ی آبی نواس در حق حضرت رضا که در محضر مأمون گفته
۲۱	شعر سرابی
۲۱	مقدمه
۲۱	چهل حدیث نبوی
۲۱	حدیث
۲۱	طلب علم
۲۳	در عالم بین جهال
۲۴	دعای نبی اکرم برای خلفای خود
۲۵	در صلوٰه
۲۶	دعای بعد از نماز
۲۶	در سوره حمد
۲۷	در مناجات حضرت موسی

۲۷	در نصیحت پیغمبر
۲۸	در نیکی کردن
۲۸	در امانت
۲۸	در محافظت اوقات
۲۸	در قرآن
۲۹	در خواندن قرآن
۳۰	در روز جمعه
۳۰	در دعا
۳۱	در صلوات بر پیامبر و آل او
۳۱	در سبب و نسب پیامبر
۳۱	سفارش در حق ذریه پیغمبر
۳۱	در گناه
۳۱	در توبه
۳۲	در نعمت و توبه
۳۲	در توبه
۳۲	در انگشتر عقیق
۳۲	در انگشتر عقیق
۳۲	در باب پرهیزکاران
۳۳	در صدقه
۳۳	در صدقه
۳۳	در صدقه
۳۴	بر هم زننده لذات
۳۴	پنج چیز که پیامبر فرمود ترک نمی کند
۳۴	مروت

۳۴	در مشورت
۳۴	در حق مهمان
۳۵	در حسن خلق
۳۵	در دروغ
۳۵	در رضاع
۳۵	در روزه یوم الشک
۳۶	در اکرام اسم محمد
۳۶	در شب جمعه
۳۶	در بیان سخنان حضرت رضا و آنچه از پدران بزرگوارش می‌فرماید
۳۶	در بسم الله
۳۶	در نماز
۳۷	خواندن نماز در اول وقت
۳۷	علت نماز
۳۷	در نماز
۳۸	در نماز
۳۸	نزدیکترین حالت بنده به پروردگار
۳۸	در تعقیب نماز صبح
۳۸	در تلاوت قرآن
۳۸	سجده بعد از نماز
۳۹	جلوس محل نماز صبح
۳۹	تقسیم ارزاق بنی آدم بین الطلوعین
۳۹	نماز و زکوة
۳۹	در صبر
۴۰	هفت چیز استهزاء است

۴۰	در استغفار
۴۰	در استغفار
۴۰	در خلوص عبادت
۴۱	در دعاء
۴۱	در دعاء
۴۱	انجام کار خیر در خفا
۴۱	در بیان اینکه از دعا ملول نشوید
۴۱	در حسن ظن به خدا
۴۲	حفظ لسان
۴۲	در زیاد صلوات فرستادن
۴۲	در تفسیر آیه (و ذکر اسم ربّه فصلی)
۴۲	در یاد گرفتن علوم ائمه
۴۲	در نشستن در مجلس اهل بیت
۴۳	در تفسیر آیه (اولئک الذین هدی الله)...
۴۳	در صفت شیعه
۴۳	در قرآن
۴۳	در تفسیر به رای
۴۳	اسلام محض
۴۴	در خصلت های پیامبران
۴۴	در بوی خوش
۴۴	در سنن پیامبران
۴۴	در استعمال بوی خوش
۴۴	در عقیق
۴۴	در عقیق

۴۴	در انگشتر عقیق
۴۵	در انگشتر عقیق
۴۵	در نیت
۴۵	در نیت
۴۵	در صلوات
۴۵	معنای ایمان
۴۵	در خندیدن لغو
۴۶	در گناه
۴۶	در تفکر و اندیشه
۴۶	در دعا کردن برای مؤمنین
۴۶	در آنچه خدا دشمن می‌دارد
۴۷	در بیان اینکه چند نفر ملعون هستند
۴۷	در ترساندن مسلمان
۴۷	در علم
۴۷	در صدقه و انفاق
۴۷	در صدقه
۴۸	در صدقه
۴۸	در بیان اینکه ابراهیم خلیل هیچ سائلی را رد نکرد
۴۸	در صدقه
۵۰	قول عیسی بن مریم
۵۰	در سفارشات عیسی بن مریم به حواریون
۵۱	در رباء
۵۱	در سلام بر فقیر
۵۲	در همسایه مودی

۵۲	زنده بودن حضرت خضر
۵۲	صادق الوعد
۵۲	در عفو
۵۲	دوستی برای رضای خدا
۵۲	عرضه اعمال بندگان بر رسول خدا
۵۳	عرضه اعمال
۵۳	در نیکوکاران
۵۳	در قناعت
۵۳	در کسی که خود را به عبادت مشهور کند
۵۳	در بیماری
۵۴	در خمیازه و عطسه
۵۴	در دعا کردن
۵۴	در سخاوت
۵۵	شکر نعمت
۵۵	امر به معروف
۵۵	روشن کردن چراغ
۵۵	دعا برای یهود و نصارا
۵۵	انتظار فرج
۵۵	دوستی
۵۵	تشبیه خدا
۵۶	توحید
۵۶	در فضیلت حج و عمره
۵۶	در فضیلت آیه الكرسي
۵۶	در برکت

۵۶	بسم الله گنج در قرآن
۵۶	توکل
۵۷	رفع غم از مومن
۵۷	ضرر ریاست برای مسلمان
۵۷	آب جو
۵۷	آب جو
۵۷	شراب خوار
۵۷	شراب و کندر
۵۸	در شراب
۵۸	مسكرات
۵۸	در مذمت شراب
۵۹	عاق والدین
۵۹	مذمت شراب
۶۰	در جور و ستم
۶۰	در وسعت بر اهل و عیال
۶۰	در وسعت بر اهل و عیال
۶۱	در وسعت بر اهل و عیال
۶۱	در غذا
۶۱	در غذا
۶۱	در غذا
۶۱	در وضوء
۶۱	وضوء
۶۲	وضوء
۶۲	آب وضوء

۶۲	سخن گفتن در وقت تخلیه
۶۲	در غسل
۶۳	در فضیلت تجدید وضو
۶۳	در غسل جمعه
۶۳	غسل
۶۳	غسل جنابت
۶۳	در مسائل
۶۴	در زیارت اهل قبور
۶۴	در زیارت اهل قبور
۶۴	روغن بنفشه
۶۴	در اذان و اقامه
۶۴	صبر بر مصیبت
۶۵	در دعا
۶۵	روزه
۶۶	در مسائل
۶۶	در زیارت
۶۶	در زیارت
۶۶	زیارت امام حسین
۶۶	محل قبر فاطمه
۶۷	در نام محمد
۶۷	در تفسیر (و علامات و بالنجم هم یهتدون)
۶۷	ذریه رسول خدا
۶۷	فضیلت زیارت امام رضا
۶۷	فضیلت زیارت امام رضا

۶۷	فضیلت زیارت امام رضا
۶۷	فضیلت زیارت امام رضا
۶۸	در گوینده مدح آن حضرت
۶۸	زیارت امامان
۶۸	تولی و تبری
۶۸	در عقیقه
۶۸	نام نهادن عرب جاهلی
۶۹	در صله رحم
۶۹	بخل
۷۱	در صله رحم
۷۲	اعتدال در دوستی
۷۲	در اداء امانت
۷۲	گناهان کبیره
۷۲	گناهان کبیره
۷۵	در حساب
۷۶	جدال و مرء
۷۶	در خوردن انار
۷۶	زنا
۷۷	در خواب و اقسام آن
۷۸	مهمان
۷۸	مهمان
۷۸	جو
۷۸	هم سفره شدن با مهمان
۷۹	در رحمت

در ترک عقوق	۸۰
در مناجات حضرت موسی	۸۲
در سفره	۸۳
بلا در آخر الزمان	۸۳
در فوائد مویز	۸۳
ایمان آوردن فرعون	۸۳
در گلاب	۸۳
اثر شب زنده داری	۸۴
بی توجهی امام به جمعی از شیعیان	۸۴
صحیح بودن احادیث	۸۵
در روزه یوم الشک	۸۵
خوش صور تان	۸۵
صورت های تابان	۸۵
در نیشابور	۸۵
در مواقع	۸۶
در مواقع	۸۶
ازدواج با بد خلق	۸۶
در زوجه صالحه	۸۶
در خرج بر عیال	۸۷
مغبون	۸۷
سهو در نماز	۸۷
در نماز جماعت	۸۷
امام جماعت	۸۷
در قنوت	۸۷

۸۸	 خمس
۸۸	 حفظ مال
۸۸	 فروش سگ
۸۸	 کشتن مار
۸۸	 پس از نماز صبح
۸۸	 در جمعه آخر شعبان
۸۹	 در شفاء
۸۹	 در شفاء
۸۹	 در دعاء
۸۹	 در دعاء
۸۹	 در دعاء
۹۰	 در دعاء
۹۰	 در دعاء
۹۰	 در دعاء
۹۰	 قائلین به جبر
۹۰	 عبادۀ
۹۱	 تعقیب نماز صبح
۹۱	 در جهر قرائت
۹۱	 نماز در سفر
۹۱	 حمد و سوره در نماز
۹۱	 جهر بسم الله
۹۱	 جهر بسم الله
۹۲	 ترک امر به معروف و نهی از منکر
۹۲	 تفسیر (فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام)

صبر هنگام بلاء	۹۲
نماز در مسجد کوفه	۹۲
الصلوة الجماعه	۹۲
احتراز از روش دشمنان خدا	۹۲
هزار رکعت نماز در شبانه روز	۹۳
جهر بسم الله	۹۳
قنوت	۹۳
تاریخ گنبد مطهر حضرت رضا	۹۳
در مذمت دنیا	۹۴
پاورقی	۱۰۵

لیفطنهم و لیامرنهم لینبونهم و لیتعلمن جیرانهم قوم من جیرانهم و یتفطنون و یتفقهون لا عاجلنهم العقوبه فی الدنیا فقالوا یا رسول الله انظمن غیرنا فاعاد قوله علیهم و اعادوا قولهم انظمن غیرنا فقال ذلك ایضا فقالوا امهلنا سنه فاملهم سنه لیفقهونهم و لیعلمونهم و یفطنونهم ثم قراء رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هذه الایه لعن الذی کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود - الایه [۱]. [صفحه ۳] ترجمه حدیث بدین مضمون است. یک روز پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن خطبه فرمودند درود بر آن افراد و قبیله و ملتی که اقدام به امور خیر آموزش و پرورش بنمایند. چه می شود اگر اقدام دانا که دارای همسایه های نادان هستند به آنها علم و دانش بیاموزند و درس قرآن و فضیلت و احکام شریعت تعلیم دهند. آنها را موعظه کنند و نصیحت بنمایند. فرموده چرا آنها که می دانند به همسایگان خود که نمی دانند نمی آموزند و امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند چه سبب دارد نادان از دانایان - مردم بی سواد پیروی و رهائی از مردم دانای شهر نشین دانشمند علم و دین نمی آموزند و موعظه و اندرز نمی نویسند. فرموده به خدا سوگند اگر اقوام دانا به مردم بی دانش مردم متمدن دانشمند شهری به مردان نادان پیروی و روستائی دانش و بینش و فقه و حدیث و قرآن و شریعت بیاموزند برای آنها طلب عقوبت در دنیا می کنم فرموده باید اقوام دانا و متمدن به همسایگان نادان بدوی خود علم و دانش بیاموزند و آنها را به رشد عقلی و علمی برسانند. و فرموده باید اقوام دانا به همسایگان نادان بدوی آنچه می دانند تعلیم دهند و آنها را زیرک و فطن و باهوش سازند و گرنه طلب عقوبت می کنم. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم این بگفت و از منبر فرود آمد دسته ای عرض کردند یا رسول الله منظور شما از آن قومی که یاد فرمودید کدام عشیره اند: فرمود اشعریین که قومی فقیه و دانشمند هستند و همسایه های آنان مردم صحرائشین و بدوی و بی سواد هستند اعراب کنار چاههای آب بیابان صحرای عربستان باید بوسیله این مردم رشد عقلی و علمی پیدا کنند. فرمود به آنها ابلاغ کنید - به قبیله اشعریین خبر دادند آمدند حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همان حدیث را از اول تا به آخر برای آنها فرموده اشعریین عرض کردند یا رسول الله ما باید آنها را فطن و زیرک سازیم؟! [صفحه ۴] پیغمبر باز همان حدیث را برای بار سوم بر آنها خواند و فرمود آری شما باید با آموزش و پرورش به روستائیان آنها را فطن و زیرک سازید. عرض کردند پس یکسال به ما مهلت بده فرمود یکسال مهلت دارید. و تاکید فرمود هر باسوادی باید به شکرانه دانشی که خداوند به او افاضه فرموده است به طبقه بی سواد و نادان و عامی و صحرائشین و روستائی بیاموزند و آنها را به رشد عقلی و علمی فطن و زیرک سازند و این وظیفه عینی هر مسلمان است [۲]. کتاب حاضر از مشعلهای فروزانی است که دوست فاضل و ارجمندم جناب آقای حاجی سید کاظم وفائی حسینی که از فضایل سادات و سادات فضلا می باشد فرا راه علاقمندان قرار داده اند. مشمول بر ۲۲۹ کلمه از کلمات حضرت ثامن الجج است که چون ستاره درخشان از پرتو نیر اعظم شمس الشمس خراسان پرتو افکن است و اضافه بر کلمات قصار. چهل حدیث هم از حضرت امام رضا (ع) جمع آوری و نقل نموده اند این آثار رخشنده حیات کوتاه امام رضا (ع) است که چون کوه آتش فشان ساخته و سوخته و درخشیده و هر گاه اخگری رخشنده به جهان افکنده تا همه شیفته گان حق و حقیقت از تلالو آن بهره مند گردند. حقیقتی را که نمی توانم از آن ناگفته بگذرم این است که وجود مقدس شمس الشمس رضوی در مشرق ایران چنان پرتو افکن است که در هر سال میلیونها مردان با ایمان و خردمندان هوشیار از دورترین نقاط شد رحال نموده تا صورت باستانش نهند و از برکات افاضه اشراقیه ولایت مطلقه الهیه آن حضرت بهره مند گردند. این بزرگترین عطیه است که ذات اقدس حق تعالی جل شانہ نصیب ملت هوشیار ایران نمود همانطور که وجود مقدس پیغمبر را به مردم مدینه عنایت فرموده است. [صفحه ۵] طایفه بزرگوار شیعه امامیه و فرقه ناجیه اثنا عشریه تنها کشور تشیع جهان اسلام از این نعمت بهره مند می باشند. امید است از برکات افاضات و عنایات جلیله و الهامات خفیه آن بزرگوار که جگر گوشه رسول خدا در مشرق ایران است آنچنان برخوردار شویم که لایق منصب کتم خیر امه گردیم و رشد علمی و عقلی شیعه امامیه سرمشق فرق مختلف مسلمین قرار گیرد - آمین رب العالمین. تهران - حسین عمادزاده چهارم ماه رجب ۱۳۹۳ [صفحه ۶]

مگر آنکه خدا گناه وی را می آموزد. قال محمد بن علی الرضا (ع) ضَمِنْتُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسٍ عَارِفًا بِحَقِّهِ الْجَنَّةَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وسائل حضرت امام محمد تقی علیه السلام فرمود ضمانت می کنم بهشت را برای کسی که با معرفت زیارت کند در طوس قبر پدرم را صاحب بن عباد دو قصیده‌ی مفصل در مدح آن جناب سروده که شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا نقل کرده: یا سائرا وافدا الی طوس مشهد طهر و ارض تقدیس ای مسافر زیارت خاک طوس که مدفن پاک و زمین پاکیزه است [صفحه ۱۲] ابلاغ سلامی الرضا و حط علی اکرم رمس لخیل مرموس سلام مرا به آن حضرت برسان و فرود آی بر گرامی ترین خاک برای بهترین مدفون یا سیدی و ابن ساده ضحکت وجوه دهری بعقب تعبیس ای فرزند پیغمبری که خدا به او شکست پشت بزرگان جبار با جرات را یابن النبی الذی به قمح الله ظهور الجبابر الشوس ای آقای من و فرزند خواجه گانم خندان است چهره‌های روزگار من دنبال تیرگی و ابن الوصی الذی تقدم فی الفضل علی البزل القناعیس ای فرزند وصی که در فضیلت مقدم است بر صاحبان تجربه و مردان با مناعت انتم حبال الیقین اعلقها ما وصل العمر جبل تنفیس شمائید رشته‌های یقین که من به آنها آویخته ام چندان که عمر باشد ریسمان ان این عباد استجار بکم فما یخاف اللیوث فی الحبس همانا پسر عباد به شما پناه آورده پس نمی ترسد از شیرانی که در بیشه می باشند کونوا یا سادتی وسائله یفسح له الله فی الفرادیس ای خواجه گان من شما واسطه باشید تا خدا جای او را در گلزارهای بهشت وسیع فرماید بلغه الله ما یؤمله حتی یزور الامام فی طوس خدا او را به آرزوهایش برساند تا امام هشتم را در طوس زیارت کند نقل از کتاب هدیه العباد آقای حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی [صفحه ۱۳]

مدیحه صاحب بن عباد از برای امام هشتم

یا زائرا قد نهضا مبتدرا قد رکفا ای زیارت کننده‌ی امام هشتم که برخاسته شتابنده و دویده است و قد مضی کانه البرق اذا ما او مضیا از روی شوق می گذرد چون برق که می درخشد ابلاغ سلامی زاکیا بطوس مولای الرضا سلام پاکیزه از من برسان در طوس به خواجه ام حضرت رضا (ع) سبط النبی المصطفی و ابن الوصی المرتضی نبیره‌ی پیغمبر برگزیده و فرزند وصی پسندیده رام ابن عباد بها شفاعته لن تدحضا قصد کرد پسر عباد به واسطه‌ی آن مدح شفاعتی را که از بین نرود و ثابت باشد نقل از کتاب هدیه العباد آقای حاج شیخ عباسعلی ادیب

قصیده‌ی دعبل در مدح امام هشتم

نقل از کتاب قصص العرب احمد محمد جاد المولی قال دعبل: دخلت علی بن موسی الرضا علیه السلام [صفحه ۱۴] فقال لی: انشدنی شیئا مما احدثت فانشدته مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَمَنْزِلٌ وَخِي مُقْفَرُ الْعَرَصَاتِ لِآلِ رَسُولِ اللَّهِ بِالْخَيْفِ مِنْ مَنِيَّ وَبِالرَّكْنِ وَالتَّعْرِيفِ وَالْجَمَرَاتِ دِيَارُ عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَجَعْفَرٍ وَحَمْزَةَ وَالسَّجَادِ ذِي الثَّنَائَاتِ تا آخر اشعار دعبل دعبل گفت: سپس حضرت رضا علیه السلام گریست و بیهوش شد خادمی که در آنجا بود به من اشاره کرد ساکت شو، پس یک ساعت ساکت شدم، بعد فرمود اعد تکرار کن، پس تکرار کردم تا به آخر اشعار رسیدم بعد امر فرمود: از سکه‌هایی که به اسم آن حضرت بود ده هزار درهم به من دادند، سه مرتبه فرمود: احسنت، وقتی به عراق رفتم هر درهمی را به ده درهم فروختم. حذیفه نقل کرده: که دعبل یک لباس از حضرت رضا (ع) گرفت و پوشید و قصد داشت بعدا در کفنش قرار دهد اهل قم باخبر شدند و از وی خواستند آن را به سه هزار درهم بفروشند قبول نکرد بعدا راه را بر او گرفتند و به زور آن لباس را از وی گرفتند و مبلغی به او دادند [۳]. [صفحه ۱۵]

مدیحه‌ی ابی نواس در حق حضرت رضا که در محضر مأمون گفته

قِيلَ لِي أَنْتَ أَوْحَيْدُ النَّاسِ طُرّاً فِي عُلُومِ الْوَرَى وَشَعْرِ الْبَدِيهِ لَكَ مِنْ جَوْهَرِ الْكَلَامِ نِظَامٌ يُثْمِرُ الدَّرَّ فِي يَدَيْ مُجْتَنِيهِ فَعَلَى مَا تَرَكْتَ مَدَحَ

ابْنِ مُوسَى وَ الْخِصَالِ الَّتِي تَجَمَّعْنَ فِيهِ قُلْتُ لَا اسْتَطِيعُ مَدْحَ إِمَامٍ كَانَ جَبْرِيلُ خَادِمًا لِأَبِيهِ خَلَاصَهُ مَعْنَى: گفته شد به من تو یگانه‌ی دهر هستی در علوم ماوراء الطبیة و سرودن شعر بداهه برای تو است از گوهر سخنوری نظامی که در میوه می‌دهد در دو دست آنکه آن میوه را بچیند پس بچه جهت مدح پسر موسی بن جعفر را ترک کردی و خصالی که در آن امام همام هست نَسْرودی و بیان نکردی گفتم من توانائی آن را ندارم که مدح کنم امامی را که جبرئیل خدمت گذار پدرش بوده است. دیگری سروده: سلام علی آل طه و یسن سلام علی آل خیر النبیین سلام علی روضه‌ی حل فیها امام یباهی به الملک و الدین امام بحق شاه مطلق که آمد حریم درش قبله گاه سلاطین علی بن موسی الرضا کز خدایش رضا شد لقب چون رضا بودش آیین سروش اصفهانی سروده امام ثامن و ضامن علی بن موسی که هست حجت یزدان و شرع را ناموس [صفحه ۱۶] طریقه‌های سپهر و دقیقه‌های نجوم از او پیرس نه از اوستاد بطلمیوس جز او به مجلس مأمون که خوار کرد و خجل مقدمان نصاری و مؤیدان مجوس

شعر سرابی

مرحوم سید مصطفی سرابی سروده بهتر که مدحت شه امکان رضا کنم تا مر خدای خویشتن از خود رضا کنم مدح امام هشتم بر من فریضه بود گر فوت شد فریضه ازاین پس قضا کنم ای پادشاه عالم امکان من از کجا خواهم توان که چون شهی را ثنا کنم حافظ گفته قبر امام هشتم و سلطان دین رضا از جان بیوس و بر در آن بارگاه باش دست نمی‌رسد که بچینی گلی ز شاخ باری بیای گلبن ایشان گیاه باش [صفحه ۱۷]

مقدمه

اینک مطالب مندرجه‌ی در این کتاب عبارتست از: قسمت اول در بیان چهل حدیث نبوی که به روایت حضرت رضا علیه السلام نقل شده قسمت دوم سخنان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام که خود آن حضرت فرموده و یا از پدران بزرگوارش نقل کرده‌اند قسمت سوم تاریخ گنبد مطهر حضرت رضا علیه السلام نقل از کتاب هفتاد گفتار آقای سید مصطفی سرابی خراسانی قسمت چهارم ملحقات و اضافات منقول از کتب مختلفه در مذمت دنیا

چهل حدیث نبوی

حدیث

عن داود بن سلیمان عن الرضا علیه السلام عن ابائه عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً ینتفعون بها بعثه الله یوم القیامه فقیها عالماً. [۴]. هر که چهل حدیث حفظ کند و بر امت من بخواند که به آن بهره‌مند شوند و نفع ببرند خدا وی را در قیامت فقیه و عالم مبعوث و محشور می‌فرماید

طلب علم

عن الرضا آبائه عن علی علیه السلام قال سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم يَقُولُ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنْ مَظَانِّهِ وَ اقْتَبِسُوهُ مِنْ أَهْلِهِ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ لِلَّهِ حَسَنَةٌ، [صفحه ۱۸] وَ طَلَبُهُ عِبَادَةٌ وَ الْمِذَاكِرَةُ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ الْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ وَ تَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَذْلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ مَنَارُ سُبُلِ الْجَنَّةِ وَ الْمُؤْنِسُ فِي الْوَحْشَةِ وَ الصَّاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ وَ الْوَحِيدُ وَ الْمُحَدَّثُ فِي الْخَلْوَةِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى السَّرَاءِ وَ الضَّرَاءِ وَ السَّلَاحُ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ الزَّيْنُ عِنْدَ الْأَخِلَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ

بِهِ أَقْوَامًا، فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةً تُقْبَسُ آثَارُهُمْ وَيُهْتَدَى بِفَعَالِهِمْ وَيُنْتَهَى إِلَى رَأْيِهِمْ وَتَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خُلَّتِهِمْ وَبِمَا جَنَحَتْهَا تَمَسَّحُهُمْ وَفِي صَلَاتِهِمْ تُبَارِكُ عَلَيْهِمْ وَيَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلُّ رُطْبٍ وَيَابِسٍ حَتَّى حِثَّانَ الْبَحْرِ وَهَوَائُهُ وَسِبَاعُ الْبِرِّ وَأَنْعَامُهُ وَإِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ وَخَيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ يَبْلُغُ بِالْعَبِيدِ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ وَمَجَالِسَ الْأَبْرَارِ وَالدرجات العلی فی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَالذِّكْرُ فِيهِ يَعْدِلُ بِالصِّيَامِ وَمَدَارِسُهُ بِالْقِيَامِ وَبِهِ يُطَاعُ الرَّبُّ وَيُعْبَدُ وَبِهِ تُوصَلُ الْأَرْحَامُ وَيُعْرَفُ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَالْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهِمُهُ السُّعْدَاءُ وَيَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءُ فَطُوبَى لِمَنْ لَا يَحْرِمُهُ اللَّهُ مِنْهُ حَظَّهُ... [۱۳]. رسول خدا فرمود: تحصیل علم واجب است بر هر مرد و زن مسلمان، پس طلب کنید علم را از جاهائی که گمان می‌برید، و از اهلش آن را فرا گیرید زیرا یاد گرفتن علم برای رضای خدا حسنه و ثواب می‌باشد، و طلب علم عبادت است و مذاکره‌ی علم ثواب تسیح دارد و عمل بعلم با جهاد برابر است و یاد دادن علم به جاهل صدقه حساب می‌شود و بذل و بخشش آن به اهلش موجب تقرب به خدا می‌باشد، برای آنکه به واسطه‌ی علم حلال و حرام دانسته [صفحه ۱۹] می‌شود و چراغ راه بهشت است و مونس است در حال وحشت و ترس و مصاحب و رفیق است هنگام غربت و تنهائی و در زمان و مکان خلوت محدث است. (همدمی بهتر از کتاب مخواه که مصاحب بود که و بیگاه این چنین همدمی لطیف که دید که نرنجید و نه برنجانید) و دلیل و راهنما است هنگام خوشی و ناخوشی و ایام راحتی و سلاح است در مقابل دشمنان و باعث زینت و آرایش است نزد دوستان خدا به واسطه‌ی علم بلند می‌کند مردمانی را و آنان را، در کارهای خیر پیشوا قرار می‌دهند، تا دیگران از آثار علمی آنها اقتباس بنمایند، فرشتگان رغبت به دوستی آنها می‌کنند و با بالهای خود آنها را مس می‌کنند و در نماز آنها به آنها تبریک می‌گویند و از برای علماء استغفار می‌کنند هر تر و خشکی حتی ماهیان دریا و جانورانش و درندگان صحرا و چهار پایانش، همانا علم دل‌ها را از مرگ جهل و نادانی می‌رهاند و زنده می‌کند و چشم‌ها را از ظلمت رهانید و نور می‌بخشد و بدنهای ناتوان و ضعیف نیرو می‌بخشد و بنده را به منازل اخیار و مجالس ابرار می‌رساند و به درجات عالی در دنیا و آخرت ارتقاء می‌دهد، مذاکره‌ی علمی با روزه برابر است و درس و بحث علمی با شب زنده‌داری و نماز در شب معادل است بواسطه آن صله‌ی ارحام می‌شود و حلال و حرام شناخته می‌شود، علم پیشروی عمل و عمل تابع علم است، خدا علم را به مردم با سعادت و خوشبخت الهام می‌فرماید و اشقیاء را از آن محروم و بی‌نصیب می‌گرداند پس خوشا بحال کسانی که خدا آنان را از بهره و حظ علم و دانش محروم نکند. در روایت عبدالله ابن مسعود: مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حِدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا قِيلَ لَهُ: اَدْخُلْ مِنْ أَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتَ [صفحه ۲۰] بروایت ابی درداء: كنت له يوم القيامة شافعا و شهيدا: بروایت عبدالله بن عمر: كتب في زمره العلماء و حشر في زمره الشهداء. [۱۴]. علم طلب تا که انا الحق زنی کوس خداوندی مطلق زنی عقل و خرد با همه پر مایگی علم نباید کندش دایگی و قال موسی علیه السلام فی مناجاته: الهی مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَيْكَ؟ قال عالم يطلب علما. حضرت موسی در مناجاتش گفت بار الها چه کسی نزد تو محبوب تر است؟ فرمود عالمی که علم طلب می‌کند. أَقْلُ النَّاسِ قِيَمَةٌ: أَقْلُهُمْ عِلْمًا [۱۵]. یعنی کمترین مردم از حیث قیمت و ارزش کسانی هستند که علمشان از دیگران کمتر است ابوالفتح بستی گفته: یا ایها العالم المرضى سیرته ابشر فانت بغير الماء ریان و یا اخا الجهل لوا صبحت فی لجج فانت ما بینها لا شم ظمآن [۱۲]. یعنی ای دانشمند نیکو سیرت بشارت باد بر تو که تو بدون آب به واسطه‌ی علم و دانش سیراب هستی و ای صاحب جهل و نادانی اگر تو در میان لجه‌های دریا باشی پس تو در این حال هم بی‌شک تشنه خواهی ماند. [صفحه ۲۱] و نیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده إِذَا أَرَدَلَ اللَّهُ عَبْدًا حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمُ [۱۳]. یعنی هر گاه خدا بنده‌ای را پست و فرومایه قرار دهد از علم و دانش وی را بی‌نصیب و محروم می‌کند. ابوحمزه‌ی ثمالی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ [۱۴]. یعنی عالمی که از علمش نفع ببرد بهتر است از هفتاد هزار عابد. برای این است که عابد برای نجات خودش می‌کوشد و عالم نفعش عام است با چراغ علم و دانش همه‌ی مردم را از عقاب رهائی می‌بخشد معدی می‌گوید: صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه بشکست عهد صحبت اهل طریق را گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود تا اختیار کردی از آن این فریق را گفت آن گلیم خویش برون

می برد ز موج وین سعی می کند که بگیرد غریق را و عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم انه قال: سَاعَةٌ مِنْ عَالِمٍ يَتَكِي عَلَى فِرَاشِهِ يَنْظُرُ فِي عَمَلِهِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ سَبْعِينَ عَامًا. [۱۵]. یعنی یک ساعت که عالم بر فرامش خود تکیه دهد و در علم خود بنگرد و مشغول مطالعه شود بهتر است از هفتاد سال عبادت عابد. و نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمُهْدِ إِلَى اللَّحْدِ. ز گهواره تا گور دانش بجوی. و نیز فرمود: [صفحه ۲۲] اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ طَلَبِ عِلْمٍ كُنْتُمْ هَرَجًا وَتَجِدُونَ لَهُ جَزَاءً كَمَا تَجِدُونَ لِلْعَمَلِ. یعنی اگر مردم بدانند چه منافعی در طلب علم نهفته است البته آن را طلب خواهند نمود ولو اینکه به خونریزی و فرورفتن در لجه های دریا باشد. ۱- در قرآن کریم آیات متعدده در فضیلت علم و مزیت عالم می باشد، از جمله: قوله تعالى: هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّسْلِمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. آیا آنانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ و قوله تعالى: يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ یعنی خدا درجات کسانی را از شما که دارای ایمان و عمل هستند بلند می کند. و قوله تعالى: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. یعنی فقط کسانی از خدای می ترسند از بندگانش که عالم هستند قوله تعالى: قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا. یعنی ای پیغمبر بگو بارالها علم مرا زیاد کن و آیات دیگر که ذکر و تحریر آنها در این مختصر نمی گنجد. و نیز احادیث و اخبار زیاد در این زمینه دیده می شود، از جمله: [صفحه ۲۳] قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: فضل العالم علی العابد کفضلی علی ادناکم. یعنی برتری عالم بر عابد مانند برتری من است بر پست ترین فرد شما و نیز پیغمبر فرمود: مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ سَبِيلًا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنَحَتَهَا لَطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًى بِهِ وَإِنَّهُ لَيَسْتَعْفِرُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخُثُوفِ فِي الْبَحْرِ وَفَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَهُ الْبَدْرُ وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا وَلَكِنْ وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ. [۱۳]. یعنی: هر کس راهی را برود که در آن راه تحصیل علم کند خدا وی را براه بهشت می برد و همانا فرشتگان پر و بال خود را برای طالب علم می گسترانند برای خوشنودی به آن و برای طالب علم استغفار می کنند کسانی که در آسمانها و در زمین هستند حتی ماهی در دریا و فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت ماه شب چهارده است بر سایر ستارگان و همانا علماء وارث پیمبرانند و پیمبران دینار و درهم ارث نگذاشتند ولیکن علم ارث گذاشتند پس هر کس از آن فراگیرد حظ وافر و بهره ی شایانی را اخذ کرده است و قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ و فرمود: خیر دنیا و آخرت با علم تهیه می شود و شر دنیا و آخرت در جهل نهفته است و حضرت علی علیه السلام به کمیل فرمود: يَا كَمِيلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ و [صفحه ۲۴] صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ و نیز فرمود: يَا كَمِيلُ مَاتَ خِرَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ. [۱۴]. یعنی ای کمیل علم بهتر از مال است علم از تو نگهداری می کند و مال را تو باید نگهداری کنی مال به خرج کم می شود و علم بخرج کردن زیاد می شود و هر صاحب مال با تمام شدن و زوال مال از بین می رود و نیز فرمود: ای کمیل آنانکه مال اندوخته هلاک شدند حتی در زمان زندگی شان قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت نوشین روان نمرود که نام نیکو گذاشت و علماء و دانشمندان تا روزگار باقی است باقی هستند سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند اجساد آنها از بین می رود ولی امثال و اشباه و شخصیت آنها در دلها موجود می باشد و در حدیث نبوی آمده إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٌ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ. [۱۵]. چون فرزند آدم بمیرد علمش قطع می شود مگر سه نفر که پس از مرگشان باز در حکم زنده هستند ۱- کسی که صدقه ی جاریه از او باقی بماند ۲- کسی که آثار علمی از او بماند و مردم بهره مند شوند ۳- فرزند صالحی که بماند و برای او دعا کند [صفحه ۲۵]

عَنِ الْمُجَاشِعِيِّ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ لَيَسْتَعْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى حِيَتَانُ الْبَحْرِ وَهَوَاءُ الْأَرْضِ وَسَبَاحُ الْبَرِّ وَأَنْعَامُهُ فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ الْعَالَمِ بَيْنَ الْجَهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ، (الی ان قال) فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ [۱۶]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: عالم در میان مردم نادان مانند شخص زنده می باشد در بین اموات، تا اینکه فرمود. پس تحصیل علم و دانش کنید زیرا آن سبب و رشته‌ی علاقه‌ی بین شما و خدای عز و جل می باشد و اینکه طلب علم البته واجب است بر هر فرد مسلمان الناس موتی و اهل العلم احياء و الناس مَرْضَى و هم فيهم اطباء. ز دانش به اندر جهان هیچ نیست تن مرده و جان نادان یکیست، قال النبی ص: قَالَ الْخَوَارِثُونَ لِعِيسَى ع يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نَجَالِسُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ مَنْ يُدْكِرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتُهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَ يُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ [۱۷]. حواریون به حضرت مسیح گفتند یا روح الله، با چه کسانی ما مجالست کنیم فرمود: با کسی که دیدار او شما را به یاد خدا بیاندازد و گفتار او بر علم شما بیفزاید و علمش شما را به آخرت ترغیب نماید. قال النبی: مَنْ تَعَلَّمَ بَابًا مِنَ الْعِلْمِ عَمِلَ بِهِ أَوْ لَمْ يَعْمَلْ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ يُصِلَمَى أَلْفَ رَكْعَةٍ تَطَوُّعًا. [۱۸]. [صفحه ۲۶] پیغمبر اکرم فرمود هر که یاد بگیرد یک بابی از علم را چه عمل به آن بکند و یا نکند بهتر است از اینکه هزار رکعت نماز مستحب بخواند. یعنی این پاداش علم به تنهایی است گذشته از اجر عمل به آن که در جای خود محفوظ است. گفته اند پیرمردی در صف دانش آموزان نشسته بود درس یاد بگیرد و پیوسته سر خجلت به زیر افکنده بود روزی معلم رو کرد به او و گفت با این عمل می خواهی در اواخر عمرت بهتر از گذشته ات باشی پس باید خوشحال باشی نه آنکه از این کار خجل باشی گویند ارسطاطالیس بعد از هفتاد سال بربط زدن آموخت، شاگردانش گفتند، با محاسن سفید شرم نداری که تعلم بربط می کنی؟ گفت آن وقت شرم دارم که در میان جمعی نشسته باشم و ایشان بربط زنند و من ندانم. بیاموز تا زنده ای روز و شب چنین گفت دانا چو بگشود لب حکمای پارس گفته اند، بهترین همه ی چیزها دانش است و کسی که نفس او به حلیه ی علوم آراسته نیست، از دایره ی انسانیت بدور باشد و نتیجه ی آن جز جهل نباشد. شرف از دانش است در عالم هیچ نادان شرف نیآورده است نوشیروان عادل گفته است: سر همه ی نیکی ها دانش است و شرف و بزرگی از دانش باشد و نیکبخت آن کسی که یار او دانا بود منوچهر گفته: دانش چون چراغ روشن است، اگرچه بسیار چراغها از آن برافروزند هیچ نور آن کم نشود چینیان گفته اند: دانش آرایش دین و دنیا است و همه ی چیزها چون بسیار شود خوار و ارزان گردد مگر دانش که هر چند بیشتر شود عزیزتر گردد [صفحه ۲۷] بطلمیوس گفته: دانش سر همه ی رأی ها است و گفته اند: اگر دانش را فضل و شرف نبودی فرمان علماء بر خاص و عام اهل عالم چنین نافذ نبودی و نام علماء در عالم چنین بزرگوار نماندی و پادشاهان متابعت رأی و تدبیر اهل دانش نکردندی. کسی کو به دانش برد روزگار شود بر همه کارها کامکار جهان را به دانش توان یافتن به دانش بود رشتن و بافتن نگه کن که دانای پیشین چه گفت بدانکه که بگشاد راز نهفت که دشمن که دانا بود به ز دوست ابا دشمن و دوست دانش نکو است که دانا اگر دشمن جان بود از آن دوست بهتر که نادان بود [۱۹]. ناصر خسرو گوید: ترسیدن مردم ز مرگ دردی است کان را بجز از علم و دین دوا نیست نزدیک خرد گوهر بقا را از دانش به هیچ کیمیا نیست و نیز گوید: درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را بسوزند شاخ درختان بی بر سزا خود همین است مربی بری را

دعای نبی اکرم برای خلفای خود

عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي (ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ قَالَ الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي وَيَرْوُونَ عَنِّي أَحِبَّادِي وَ سَيِّئِي فَيَعْلَمُونَهَا النَّاسُ مِنْ بَعْدِي [۲۰]. رسول خدا

صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بارالها خلفاء مرا رحمت کن (سه دفعه گفت) گفتند: یا رسول الله خلفاء تو چه کسانی هستند؟ فرمود، کسانی که بعد از من می آیند و احادیث و سنت من را روایت می کنند سپس آنها را بعد از من به مردم یاد می دهند. ۱- قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: فوالله لان یهدی الله بک رجلا واحدا، خیر لک من حمر النعم. [۲۱]. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی فرمود: پس به خدا قسم اگر خدا به وسیله تو یک نفر را هدایت کند بهتر است برای تو از شترهای قرمز (که نفیس ترین و کمترین اموال عرب است). در حدیث دیگر آمده: لَمَّا نَ یَهْدِی اللّٰهُ عَلٰی یَدَیْکَ رَجُلًا خَیْرٌ لَّکَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ. [۲۲]. یعنی اگر خدا به دست تو مردی را هدایت کند بهتر است از هر چه آفتاب بر آن تابیده و غروب کرده تمام کره ی ارض و روی زمین.

در صلوة

عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله [صفحه ۲۹] و سلم: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِالْعَبْدِ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يُسْأَلُ عَنْهُ الصَّلَاةُ فَإِنْ جَاءَ بِهَا تَامَّةً وَ إِلَّا زُحَّ بِهٖ فِي النَّارِ. [۲۳]. رسول خدا فرمود: چون روز قیامت شود، بنده را می خوانند و اول چیزی که از او سوال می کنند نماز است، پس اگر نماز را تمام به جای آورده فبها المراد و گرنه او را در آتش افکنند. خداوند سبحان در قرآن کریم فرموده: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ یعنی نماز آدمی را از کارهای زشت باز می دارد. سید بحر العلوم در منظومه سروده گفته: تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ اقصر فهذا منتهی الثناء و نیز خدا فرموده: إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا. مرحوم سید عروه الوثقی فرمود: نماز بهترین اعمال دین و محبوبترین اعمال نزد خدا و آخر وصیت پیمبران است. رسول خدا فرمود: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ [۲۴]. یعنی هر کس یک نماز را عمدا ترک کند کافر شده است. و نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ان الصَّلَوَاتِ الْخَمْسُ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا اجْتَنَبَ مِنَ الْكَبَائِرِ [۲۵]. یعنی هر یک از نمازهایی یومیه کفاره ی گناهان بین دو نماز اند در صورتی که از گناهان کبیره اجتناب نماید. آیه کریمه ی قرآن هم به این معنی صراحت دارد قوله تعالی: إِنَّ تَجَنَّبَوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ [صفحه ۳۰] و در حدیث آمده: مثلها كمثل النهر الجاري فكما أن من اغتسل فيه في كل يوم خمس مرات لم يبق في بدنه شيئي من الدرن كذلك كلما صلى صلوة كفر ما بينهما من الذنوب. [۲۶]. یعنی مثل نماز یومیه همچون مثل نهر جاری است پس همان طور که اگر کسی روزی پنج دفعه در آن نهر شستشو نماید در بدنش چرکی باقی نمی ماند همان طور هر که بخواهد کفاره ی گناهان بین آن نماز و نماز قبل می باشد. و فی الصحيح قال مولانا الصادق علیه السلام: ما اعلم شيئا بعد المعرفة افضل من هذه الصلوة الا ترى الى العبد الصالح عيسى بن مريم ع قال و اوصاني بالصلوة و الزكوة ما دمت حيا. در روایت صحیح از صادق (ع) فرموده بعد از معرفت و شناختن خدا چیزی را بهتر و بالاتر از نماز نمی دانم آیا نمی نگری به بنده ی صالح خدا عیسی بن مریم که فرموده خدا به من سفارش نماز و زکوة را کرد که تا زنده ام انجام دهم و در حدیث دیگر از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود یک نماز واجب در پیشگاه خدا برابر است با هزار حج و هزار عمره ی مقبوله ی مبروره. و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ليس مني من استخف بصلوته. یعنی از امت من نیست کسی که نمازش را سبک شمارد. و نیز فرمود: لا ينال شفاعتي من استخف بصلاته. به شفاعت من نمی رسد کسی که نمازش را سبک شمارد و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لا تضيعوا صلاتكم، فان من ضيع صلاته حشر مع قارون [صفحه ۳۱] و هامان و كان حقا على الله ان يدخله النار مع المنافقين و ضايع نكنيد نمازتان را زیرا هر کس نمازش را ضایع کند با قارون و هامان محشور خواهد شد و بر خدا حق است که وی را با منافقین داخل آتش کند. و در حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد نشسته بودند و در آن وقت مردی داخل مسجد شد و نماز گذارد و رکوع و سجودش را تمام نکرد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نَقَرُ كَنْقَرِ الْغُرَابِ لَيْسَ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَاتُهُ- لَيُمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي. یعنی مانند کلاغ منقار به زمین زد، هرگاه بمیرد این شخص نمازش باین

صورت باشد و بغیر دین من مرده است. ابی بصیر گفت رفتم منزل ام حمیده برای اینکه به او تسلیت بگویم وفات حضرت صادق علیه السلام. پس گریه کرد و گریه کردم به واسطه‌ی گریه‌ی آن پس ای ابا محمد اگر می‌دیدید حضرت صادق را هنگام مرگش امر عجیبی را می‌دیدید چشمانش را گشود و فرمود تمام خویشاوندان مرا جمع کنید. گفت همه را جمع نموده و حتی یک نفر را ترک نکردیم. پس یک نگاهی به آنها کرد و فرمود شفاعت ما به کسی که نماز را سبک شمارد نخواهد رسید. [۲۷]. عایشه گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ما سخن می‌گفت و ما با او سخن می‌گفتیم چون وقت نماز می‌رسید فکانه ما را نمی‌شناخت و ما نیز او را نمی‌شناختیم، از حضرت امام حسن علیه السلام پرسیدند متعجبین و کسانی که شب‌ها را به نماز در درگاه خدای بی‌نیاز مشغولند به چه علت صورتشان نیکوتر و با طراوت تر از دیگران است فرمود: برای اینکه آنها با خدا خلوت کردند و خدا از نور خود به آنها پوشانیده و گفته‌اند: خدای سبحان وحی فرمود به داود پیغمبر، ای داود، [صفحه ۳۲] دروغ می‌گوید کسی که ادعای محبت من را می‌کند و تمام شب را می‌خوابد، آیا محب دوست ندارد با محبوب خود خلوت کند، حضرت حسن (ع) فرمود در میان این امت عابد تر از فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها کسی نبود، سحرگاه‌ها به نماز می‌ایستاد حتی اینکه قدمهایش متورم شد، مردی برسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت دعا کنید در بهشت با شما باشم فرمود زیاد سجده کن، ابن عباس گفت دو رکعت نماز با توجه و تفکر بهتر است از آنکه تمام شب را مشغول نماز باشد و لیکن دل جای دیگر باشد.

دعای بعد از نماز

عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ. [۲۸]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کس یک نماز واجب بخواند برای و در نزد خدا یک دعای مستجاب هست. مؤید حدیث فوق در خطبه‌ی پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جمعه آخر ماه شعبان دیده می‌شود: وَارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالْأَدْعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيُلَبِّيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ [۲۹]. دستها تان را به دعا بلند کنید دو اوقات نمازتان، زیرا هنگام نماز بهترین ساعات است، خدا هنگام نماز با نظر رحمت به بندگانش می‌نگرد و چون با او مناجات کنند جواب به آنها می‌دهد و چون او را ندا کنند لیبیک می‌فرماید، [صفحه ۳۳] و وقتی او را بخوانند و دعا کنند دعایشان را مستجاب می‌فرماید.

در سوره حمد

قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا رَكَ اللَّهُ لَكُمْ فِي طَعَامِكُمْ ثُمَّ يَقُولُونَ لِلشَّيْطَانِ اخْرُجْ يَا فَاسِقُ لَا سِلْطَانَ لَكَ عَلَيْهِمْ فَإِذَا فَرَعُوا وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ قَوْمٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَأَدُّوا شُكْرَ رَبِّهِمْ فَإِذَا لَمْ يُسَمِّ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِلشَّيْطَانِ ادْنُ يَا فَاسِقُ فَكُلْ مَعَهُمْ وَإِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ وَلَمْ يَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ قَوْمٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَنَسُوا رَبَّهُمْ عَنْ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرضا عن أمير المؤمنين ع قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، قال الله عز وجل قَسَمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي فَنَصَفْتُهَا لِي وَنَصَفْتُهَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ جَلَّ جَلَالُهُ: بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي وَحَقُّ عَلَى أَنْ أُتَمَّمَ لَهُ أُمُورُهُ وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: حَمْدُنِي عَبْدِي وَعَلِمَ أَنَّ النِّعَمَ الَّتِي لَهُ مِنْ عِنْدِي وَأَنَّ الْبَلَايَا الَّتِي إِن دُفِعَتْ عَنْهُ فَبَطُولِي، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَضْعِفُ لَهُ إِلَى نِعَمِ الدُّنْيَا نِعَمَ الْآخِرَةِ وَأَذْفَعُ عَنْهُ بَلَايَا الدُّنْيَا فَإِذَا قَالَ «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» قَالَ اللَّهُ عز وجل: شَهِدَ لِي عَبْدِي أَنِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَشْهَدُكُمْ لَأَوْفَرَنَّ مِنْ رَحْمَتِي حَظَّهُ وَلَأُجْزِلَنَّ مِنْ عَطَائِي نَصِيْبُهُ فَإِذَا قَالَ مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَشْهَدُكُمْ كَمَا اعْتَرَفَ أَنِّي أَنَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ لَأَسْهَلَنَّ يَوْمَ الْحِسَابِ حِسَابَهُ وَلَأَتَقَبَّلَنَّ حَسَنَاتِهِ وَلَأَتَجَاوِزَنَّ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا قَالَ إِيَّاكَ نَعْبُدُكَ قَالَ جَلَّ جَلَالُهُ صِدَقَ عَبْدِي إِيَّايَ يَعْبُدُ، أَشْهَدُكُمْ لَأُثَبِّتَهُ عَلَى عِبَادَتِهِ ثَوَابًا يَغِطُّهُ كُلُّ مَنْ

خَالَفَهُ فِي عِبَادَتِهِ لِي فَإِذَا قَالَ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَيَّ اسْتَعَانَ وَ التَّجَا أَشْهَدُكُمْ لَأَعِينَنَّهُ عَلَى أَمْرِهِ [صفحه ۳۴] وَ لَأَغِيثَنَّهُ فِي شِدَائِدِهِ وَ لَأُحْدِثَنَّ بِيَدِهِ يَوْمَ نَوَائِبِهِ فَإِذَا قَالَ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى هَذَا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ قَدْ اسْتَجَبْتُ لِعَبْدِي وَ أَعْطَيْتُهُ مَا أَمَّلَ وَ آمَنْتُهُ مِمَّا مِنْهُ وَ جَلَّ الْخَبَرُ - [۳۰]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: خدای عز و جل فرموده: سوره‌ی حمد را بین خود و بنده‌ام قسمت کردم پس نصف آن برای من و نصف دیگر برای بنده‌ی من است و جهت بنده‌ی من هست آنچه را سؤال کند پس چون بنده گفت بسم الله الرحمن الرحيم خداوند فرماید: بنده‌ی من بنام من شروع کرد و سزاوار است بر من که کارهای او را به پایان رسانیده و حالات او را بروی نافع قرار دهم، پس چون بنده گوید الحمد لله رب العالمين خداوند فرماید بنده‌ی من مرا ستایش نمود و دانست که نعمت‌هایی که به او عنایت شده از من است و گرفتاریهایی که از او دفع شده به واسطه‌ی تفضل من بوده گواه باشید ای فرشتگان که بر نعمت‌های دنیای او نعمتهای آخرت را می‌افزایم و گرفتاریهای آخرت او را دفع می‌نمایم همچنانکه گرفتاریهای دنیا را از او دفع نمودم، پس چون بگوید الرحمن الرحيم خدای عز و جل فرماید بنده‌ی من گواهی داد که من رحمن و رحيم هستم گواه باشید، البته بسیار گردانم از رحمت خود بهره‌ی او را و آنچه بر او عطا شده زیاد گردانم، پس چون بگوید مالک يوم الدين، خدای عز و جل فرماید گواه باشید همانطوری که بنده‌ی من اعتراف کرد من مالک روز جزا هستم البته آسان گردانم در روز حساب حساب او را و اعمال پسندیده‌ی او را قبول کنم و از گناهان او در گذرم پس چون بگوید ایاک نعبد و ایاک نستعین، بنده‌ی من مرا پرستش می‌کند گواه باشید بر عبادت او پاداش دهم و آنان که در عبادت من با او مخالفت می‌کنند غبطه می‌خورند. پس چون بگوید و ایاک نستعین، خدای عز و جل فرماید: بنده‌ی من از من کمک خواسته [صفحه ۳۵] و به من پناهنده شده، گواه باشید، البته او را بر کارهایش کمک دهم و در سختی‌ها بفریاد او رسم و روز رسیدن مصائب دست او گیرم (یعنی او را کمک داده و مصیبت را بر وی آسان کنم) پس هنگامی که اهدنا الصراط المستقیم گوید تا آخر سوره‌ی حمد، خداوند تعالی فرماید: این سخن برای بنده‌ی منست و برای بنده است آنچه خواسته، بتحقیق اجابت نمودم برای بنده‌ی خود و عطا فرمودم او را آنچه آرزو داشت و امان دادم او را آنچه می‌ترسید. باید دانست که برای سوره‌ی حمد در تفاسیر اسماء متعدد ذکر شده است از آن جمله سوره‌ی حمد، چون با کلمه‌ی الحمد آغاز شده و سوره‌ی فاتحه الکتاب چون کتاب خدا به این سوره افتتاح شده و سبع المثانی چون دارای هفت آیه است و در هر رکعت نماز دو مرتبه خوانده می‌شود و سوره الشفاء چون در حدیث است: (فاتحه الکتاب شفاء من کل داء) یعنی سوره‌ی حمد برای هر دردی شفاء است و کافیه چون به جای تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم کفایت می‌کند.

در مناجات حضرت موسی

روی علی بن موسی الرضا عن آیائه علیهم السلام عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّ مُوسَى ع لَمَّا نَاجَى رَبَّهُ - قَالَ يَا رَبِّ! أُبْعِدْ أَنْتَ مِنِّي فَأُنَادِيكَ أَمْ قَرِيبٌ فَأُنَاجِيكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ إِنِّي أَكُونُ فِي حَالٍ أُجْلِكَ أَنْ أَذْكُرَكَ فِيهَا فَقَالَ يَا مُوسَى اذْكُرْنِي فِي كُلِّ حَالٍ [۳۱]. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی موسی با خدای خود مناجات کرد و [صفحه ۳۶] گفت بار الها، آیا دور هستی تو از من پس ندا کنم تو را یا نزدیکی پس مناجات کنم، پس خدا به او وحی کرد و من همنشین کسی هستم که مرا یاد می‌کند، پس موسی عرض کرد پروردگار را همانا من در حالی می‌باشم که تو را تجلیل می‌کنم و بزرگ می‌شمارم از آنکه در آن حال تو را یاد کنم، پس فرمود ای موسی همیشه و در هر حال مرا یاد کن.

در نصیحت پیغمبر

عن مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ خَالِدٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آله و سلم فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي وَ أَقْلَهُ لَعَلِّي أَحْفَظُ فَقَالَ أَوْصِيكَ بِخَمْسٍ بِإِيَّاسٍ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَإِنَّهُ الْغِنَى الْحَاضِرُ وَإِيَّاكَ وَالطَّمَعُ فَإِنَّهُ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ وَ صَلِّ صَلَاةَ مُودَعٍ وَإِيَّاكَ وَ مَا تَعْتَدِرُ مِنْهُ وَ أَحِبَّ لِأَخِيكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ [۳۲]. مَعْمَرُ بْنُ خَلَادٍ از حضرت رضا از پدرش و از علی علیه السلام روایت کرده که خالد آمد خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت یا رسول الله مرا نصیحت کن مختصر و کم شاید آن را حفظ کنم پس رسول خدا فرمود تو را نصیحت می کنم به پنج چیز. ۱ - به یاس و نومیدي از آنچه در دست مردم است زیرا چشم پوشی از خلق و امیدواری به خدا ثروت نقد و حاضر است. ۲ - از طمع دوری کن زیرا آن فقر و بی نوائی است در حال حاضر ۳ - نماز بخوان مانند کسی که با نماز وداع می کند و امید ندارد برای نماز بعدی زنده بماند. [صفحه ۳۷] ۴ - پرهیز و اجتناب کن از عمل یا قولی که بعد از آن معذرت خواهی کنی. ۵ - دوست بدار برای برادر دینی خودت آنچه برای خودت دوست داری

در نیکی کردن

عن الرضا عن آبائه عن علي عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: اصطنع المعروف الى اهله و الى غير اهله فان. كان اهله فهو اهله و ان لم يكن اهله فانت اهله. [۳۳]. رسول اکرم فرمودند: با همه کس نیکی کن، خواه اهل نیکی باشد و یا نباشد، پس اگر اهلش بود، سزاوار نیکی کردن است و اگر اهلش نبود پس تو اهل هستی برای خوبی کردن. در کلیله و دمنه آمده: با بدان بد باش با نیکان نکو جای گل گل باش جای خار خار جمع بین این شعر با حدیث فوق به این است که مورد فرق می کند چنانچه سعدی نیز گفته. ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان

در امانت

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَاتُّوا وَ تَهَادَوْا وَ أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَ اجْتَنَبُوا الْحَرَامَ وَ قَرُّوا الضَّيْفَ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ [صفحه ۳۸] فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ابْتُلُوا بِالْقَحِطِ وَ السَّيْنِ [۳۴]. از حضرت رضا و پدرانش روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پیوسته امت من در خیر و خوبی هستند مادامی که با یکدیگر محبت می کنند و به یکدیگر هدیه می دهند و امانت را به صاحبش رد می کنند و از حرام دوری می نمایند، و از مهمان پذیرایی می کنند و نماز را بپا می دارند و زکوة می دهند، پس وقتی که این امور را انجام ندهند مبتلا می شوند به قحط سالی و تنگدستی و گرسنگی

در محافظت اوقات

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَمِيَئَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَادْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ [۳۵]. حضرت رضا از پدرانش از رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود مادامی که محافظت کند بر اوقات نماز یومیه یعنی هر کدام را در وقت مخصوص خود بخواند پس اگر ضایع کرد آنها را یعنی در وقت نخواند (مثل اینکه نماز ظهر را نزدیک غروب آفتاب بخواند) شیطان بر او جرات پیدا کند پس او را در گناهان بزرگ داخل می کند.

در قرآن

أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، بَرَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم وَ قَالَ: [صفحه ۳۹] اجْعَلُوا لِي يَوْمَكُمْ نَصِيحًا مِنَ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ الْقُرْآنُ يُسَرُّ عَلَى أَهْلِهِ وَ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ كَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ إِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ الْقُرْآنُ ضُيِّقَ عَلَى

أَهْلِهِ وَقَلَّ خَيْرُهُ وَكَانَ سِكَانُهُ فِي نُقْصَانٍ.. [۳۶]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: قرار بدهید برای خانه‌ها تان سهمی از قرآن زیرا هر گاه قرآن در خانه قرائت شود، کار بر اهل آن خانه آسان شود و خیر آن خانه بسیار شود و سالکین آن خانه زیاد شوند و اگر در خانه قرآن خوانده نشود اهل آن خانه‌ی در مضیقه‌ی زندگی قرار می‌گیرند و خیر آن خانه کم می‌شود و ساکنین آن خانه رو به نقصان می‌روند. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ بِهَيْئَتِهِ عِبَادَتِ خَلْقِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. و قال صلی الله علیه و آله و سلم: أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْيَحَابُ اللَّيْلِ. فرمود نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشراف امت من حاملین قرآن و شب زنده داران هستند. رجاء بن حیات گفت روزی با پدرم رفتیم نزد معاذ بن جبل، معاذ از پدرم پرسید این پسر کیست؟ پدرم گفت این پسر من رجاء است، معاذ گفت آیا به او قرآن یاد دادی؟ گفت نه معاذ گفت: قرآن به او تعلیم کن زیرا من از رسول خدا شنیدم فرمود: هیچ مردی قرآن به فرزندش یاد نمی‌دهد مگر آنکه در روز قیامت تاج شاهی بر سر پدر و مادر او نهاده می‌شود و پوشیده می‌شوند به دو حله و لباسی آراسته به زیور که احدی مانند آنها ندیده، سپس دستش را گذاشت بر شانه‌ی پدرم و گفت پسر جان اکنون که برای تو ممکن است دو حله‌ی بهشتی به پدر و مادرت ببوشانی، پس بکن این کار را. مکحول گفت ابوذر آمد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد یا رسول الله من می‌ترسم قرآن را یاد بگیرم و به آن عمل نکنم فرمود: خدا عذاب نمی‌کند دلی را [صفحه ۴۰] که در آن قرآن جای کند. و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود برای حامل قرآن سزاوار و شایسته نیست که کسی را از خودش ثروتمندتر ببیند اگرچه آنکس مالک تمام روی زمین باشد. حضرت امیرالمؤمنین از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود هر کس قرآن بخواند تا به آن پشت گرم شود و آن را حفظ کند خدا وی را داخل بهشت کند و او را شفیع می‌کند در باره‌ی ده نفر از اهل خانه‌اش هر چند مستوجب آتش باشند. و حضرت علی علیه السلام فرمود: هر کس داخل در دین اسلام شود از روی میل و رغبت و قرائت قرآن نماید ظاهراً برای او است هر سال دویست دینار از بیت المال مسلمین و اگر در دنیا به او داده نشد در روز قیامت هنگامی که در شدت احتیاج باشد تمام و کمال به او داده می‌شود. [۳۷].

در خواندن قرآن

عن الرضا علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا. [۳۸]. حضرت رضا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: زینت بدهید قرآن را به آوازها تان. و حذیفه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: قرآن را به لحن و آهنگ عرب بخوانند و به آهنگ مردم فاسق و پیروان تورات و انجیل نخوانند. انس بن مالک از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود برای هر چیزی زینتی است و زینت قرآن صوت زیبا است. [۳۹]. [صفحه ۴۱] سعدی در گلستان گوید: ناخوش آوازی ببانگ بلند قرآن همی خواند، صاحب‌دلی بر او گذشت و گفت تو را مشاھر (ماهیار و شهریه) چند است؟ گفت هیچ، گفت پس زحمت خود چرا می‌دهی؟ گفت از بهر خدا می‌خوانم، گفت از بهر خدا بخوان. گر تو قرآن بدین نمط خوانی بیری رونق از مسلمانی امیرالمؤمنین علیه السلام در صفات متقین فرموده: اما در شب صف آرائی می‌کنند قدمها شان را برای نماز و تلاوت می‌کنند جزء های قرآن را با ترتیل و قرآن را با صوت محزون می‌خوانند و دواي دردها شان را از قرآن می‌طلبند و چون به آیه‌ی تشویق و ترغیب در رحمت و رضوان خدا می‌رسند مانند گل شکفته می‌شوند و طمع می‌کنند و چون به آیه‌ی عذاب رسند به آن توجه می‌نمایند و تصور می‌کنند صدای زفیر و شهبیق جهنم در بیخ گوش آنها است. و نیز حضرت علی علیه السلام فرموده: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَيِّعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ أَحْسَنُوْا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ : یعنی وی یاد بگیرد قرآن را زیرا قرآن بهترین گفتار است و با نظر تفقه و فهم به آن بنگرید زیرا قرآن دل‌ها را مانند بهار خرم و سبز می‌کند و به نورانیت قرآن در خواست

شفای امراض خود را کنید زیرا قرآن سینه‌ها را شفاء بخش است و نیکو تلاوت کنید آن را زیرا آن سودمندترین قصص است. [۴۰].

در روز جمعه

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّ یَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ يُضَاعَفُ [صفحه ۴۲] اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ وَيَسْتَجِيبُ فِيهِ الدَّعَوَاتِ وَيَكْشِفُ فِيهِ الْكُرْبَاتِ وَيَقْضَى فِيهِ الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ وَهُوَ يَوْمُ الْمَزِيدِ لِلَّهِ فِيهِ عِتْقَاءٌ وَطَلْقَاءٌ مِنَ النَّارِ مَا دَعَا بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهُ وَحُرْمَتَهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَهُ مِنْ عِتْقَائِهِ وَطَلْقَائِهِ مِنَ النَّارِ فَإِنْ مَاتَ فِي يَوْمِهِ وَلَيْلَتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَبُعِثَ آمِناً وَمَا اسْتَخَفَّ أَحَدٌ بِحُرْمَتِهِ وَضَيَّعَ حَقَّهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُضِلِّيَهُ نَارَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ. [۴۱]. به روایت حضرت رضا علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روز جمعه سید ایام است در آن روز خداوند حسنات را مضاعف می‌فرماید و سیئات را محو می‌نماید و درجات را بالا می‌برد و دعاها را مستجاب می‌گرداند در آن روز غم و غصه‌ها برطرف می‌شود و حوائج بزرگ بر آورده می‌شود، روز جمعه روزی است که برای خدا از آنچه ذکر شده هست، در آن روز گنهکاران بسیار را از آتش جهنم آزاد می‌فرماید، هیچ کسی از مردم با معرفت به حق و حرمت آن روز دعا نکرد مگر آن که بر خدای عز و جل حق است که وی را از جمله‌ی آزاد شدگان از آتش قرا دهد. پس هر که در روز یا شب جمعه مرد شهید مرده است و در قیامت زنده می‌شود در حال امن و امان و هیچ کس احترام آن روز را سبک نشمرد و حق آن را ضایع نکرد مگر آنکه بر خدا حق است که او را داخل آتش جهنم کند مگر آنکه توبه کند.

در دعا

عن الرضا عن آبائه عن علی علیه السلام قال قال رسول الله ص [صفحه ۴۳] يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ بِالْدُّعَاءِ فَإِنَّ مَعَهُ الْإِجَابَةَ وَبِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَعَهُ الْمَزِيدَ وَأَنْتَ هَاكَ عَنْ أَنْ تَخْفِرَ عَهْدًا وَتُعِينَ عَلَيْهِ وَأَنْتَ هَاكَ عَنِ الْمَكْرِ فَإِنَّهُ لَا يَحِقُّ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ وَأَنْتَ هَاكَ عَنِ الْبُغْيِ فَإِنَّهُ مَنْ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرْهُ اللَّهُ. [۴۲]. به روایت حضرت رضا از امیرالمؤمنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی وصیت می‌کنم تو را به دعا زیرا با او است اجابت (قوله تعالی ادعونی استجب لکم) و به شکر و سپاس زیرا با اوست زیاد شدن نعمت (قوله تعالی و لئن شکرتم لا زیدنکم) و نهی می‌کنم تو را از آنکه پیمانی را نادیده انگاشته و یا برای کمک کنی و نهی می‌کنم تو را از ظلم و ستم زیرا هر کس مظلوم و ستم‌دیده واقع شد البته خدا او را یاری خواهد فرمود. شاعر عرب گفته: ندم البغاه ولات ساعه مندم و البغی مرتع مبتغیه وخیم سعدی گفته: دوران بقا چون باد صحرا بگذشت تلخی و خوشی و زشت و زیبا بگذشت پنداشت ستمگر که ستم بر ما کرد بر گردن او بماند و بر ما بگذشت و نیز گفته: نماند ستمکار بد روزگار بماند بر او لعنت پایدار آتش سوزان نکند با سپند آنچه کند دود دل دردمند خدا ستمکاران را لعنت کرده در قرآن کریم فرموده: الا لعنه الله على الظالمين، و نیز فرموده: إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا یعنی ما برای ستمکاران آتش تهیه کرده‌ایم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: [صفحه ۴۴] مَنْ مَشَى مَعَ ظَالِمٍ لِيُعِينَهُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ یعنی هر کس راه برود با ظالم برای آنکه به او کمک کند و می‌داند که او ظالم است از اسلام خارج می‌شود. و نیز خداوند تعالی فرموده: وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ یعنی گمان مکن که خدا غافل است از عمل ستمکاران بعضی از مفسرین گفته‌اند آیه‌ی شریفه تسلیت برای مظلوم و وعید است برای ظالم. حضرت علی علیه السلام فرموده ظلم بر سه قسم است ظلم لا یغفر ظلمی که آمرزیده نمی‌شود و ظلم لا یترک و ظلمی که ظالم را رها نمی‌کنند. و ظلم مغفور و ظلمی که آمرزیده می‌شود. امام ظلمی که آمرزیده نمی‌شود شرک به خدا است چنانچه در سوره‌ی لقمان می‌فرماید: وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ وَ در آیه دیگر فرموده: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ ا

ظلمی که ظالم را رها نمی کنند ظلم بعضی بندگان به بعضی دیگر است زیرا تا مظلوم از ظالم نگذرد و یا احقاق حق وی نشود ظالم را رها نمی کنند و اما ظلمی که آمرزیده می شود ظلم بنده به نفس خودش است. و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمودند: يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ یعنی روزی که به عدالت با ظالم رفتار می شود در محشر سخت تر است از روزی که ظالم به ظلم با مظلوم رفتار کرد. [صفحه ۴۵]

در صلوات بر پیامبر و آل او

عن الرضا عن آبائه عن علي ع قال قال النبي ص: من كان كلامه الصلوة على و الى دخل الجنة. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هر کس آخرین سخنش صلوات بر من و آل من باشد داخل بهشت خواهد شد. [۴۳].

در سبب و نسب پیامبر

عن الرضا عن النبي صلى الله عليه و آله و سلم قال: كُلُّ نَسَبٍ وَ صِهْرٍ مُنْقَطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَسَبِي وَ سَبَبِي حضرت رضا از پدران خود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: در قیامت هر خویشاوندی از نسبی و سببی قطع می شود به جز سبب و نسب من. [۴۴]. در شرح المعه حدیثی روایت شده که فرمود: مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

سفارش در حق ذریه پیغمبر

دعبل عن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن ابيه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ [صفحه ۴۶] الْمُكْرِمُ لِتُدْرِيَّتِي مِنْ بَعْدِي وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجُهُمْ وَ السَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ إِلَيْهِ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ [۴۵]. رسول خدا فرمود: چهار گروهند که من در قیامت برای آنها شفاعت می کنم. ۱ - کسی که بعد از من نسبت به ذریه ی من اکرام و احترام به جای آرد. ۲ - کسی که حوائج و نیازمندی آنها را برآورده کند. ۳ - کسی که هنگام اضطرار و بیچارگی ذریه ی من در انجام کارهای ایشان کوشا باشد. ۴ - آن که به زبان و دلش آنها را دوست داشته باشد.

در گناه

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم إِنَّ اللَّهَ غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ أَخَذَتْ دِينًا أَوْ اغْتَصَبَ أَجِيرًا أَوْ رَجُلًا بَاعَ حُرًّا. [۴۶]. حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدا آمرزنده ی هر گناهی است بجز سه گناه: ۱ - گناه کسی که دینی احداث کرده (زیرا موجب ضلالت و گمراهی مردم شده). ۲ - گناه کسی که اجرت کسی را که اجیر کرده ندهد. ۳ - شخصی که آزادی را فروخته است. [صفحه ۴۷] (مرحوم شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل در ذیل حدیث مزبور نوشته اند اینکه فرموده اند گناه این سه دسته آمرزیده نمی شود در صورت اصرار بر معصیت و عدم توبه است و گرنه چنانچه اصرار بر معصیت نکرد و توبه کرد آمرزیده می شود.)

در توبه

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى كَمَثَلِ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عِنْدَ اللَّهِ لَأَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ وَ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ. [۴۷]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود مثل مؤمن نزد خدای تعالی همچون مثل فرشته مقرب است و اینکه مؤمن در نزد خدا البته از آن بزرگتر است و نیست چیزی

محبوبتر به سوی خدا از مرد و زن توبه کننده.

در نعمت و توبه

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اغْتَرِفُوا بِنِعَمِ اللَّهِ رَبِّكُمْ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ [۴۸]. یعنی اقرار کنید به نعمت‌های خدا که پرودگار شما است و توبه کنید به سوی خدا از تمام گناهانتان، زیرا خدا دوست دارد سپاس گزاران از بندگان خودش را. [صفحه ۴۸]

در توبه

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَمْ ذَنْبَ لَهُ. یعنی توبه کننده‌ای از گناه مانند کسی است که گناه نکرده است. باید دانست که توبه کننده از گناه واجب است و خداوند سبحان در قرآن کریم امر به توبه فرموده است قوله تعالى: وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ و وعده فرموده است که توبه را قبول می‌کند. وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَبَابُ رَجَاءٍ وَامِید را باز کرده و فرموده: لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً

در انگشتر عقیق

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: تَخْتَمُوا بِالْعَقِيقِ فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُ أَحَدَكُمْ غَمٌّ مَا دَامَ ذَلِكَ عَلَيْهِ [۴۹]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: انگشتر عقیق در دست کنید زیرا به هیچ یک از شما غم و اندوهی نخواهد رسید هنگامی که عقیق بر دست او است. [صفحه ۴۹]

در انگشتر عقیق

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: تَخْتَمُوا بِالْعَقِيقِ فَإِنَّهُ أَوَّلُ جَبَلٍ أَقَرَّ لِلَّهِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَلِىِ الْبُتُوَّةِ وَلَكَ يَا عَلِيُّ بِالْوَصِيَّةِ وَلِشَيْعَتِكَ بِالْجَنَّةِ. [۵۰]. حضرت رضا از پدران خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: انگشتر عقیق بر دست کنید زیرا عقیق اولین کوهی است که اقرار کرد به وحدانیت خدا و به نبوت من و به وصایت تو یا علی و به اینکه برای شیعه‌ی تو بهشت می‌باشد.

در باب پرهیزکاران

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا حَسْبَ إِلَّا بِالتَّوَّاعِصِ وَلَا كَرَمَ إِلَّا بِالتَّقْوَى وَلَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ. [۵۱]. فرمود: نیست حسبی مگر به تواضع و نیست بزرگواری مگر به تقوی و هیچ عملی محقق نمی‌شود مگر با نیت. خداوند عز و جل در قرآن کریم امر به تواضع فرموده: قوله تعالى: وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ عَنِ خَفِضْ جَنَاحَ وَ كوچکی کن برای مؤمنین و نیز فرموده: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَاداً وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ [صفحه ۵۰] یعنی این خانه‌ی آخرت است قرار می‌دهیم آن را برای کسانی که در روی زمین بلند پروازی نکنند و فساد نکنند و عاقبت کار به نفع پرهیزکاران است. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم افضل العبادۃ التواضع بهتر و بالاترین عبادت تواضع است. و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ [حَبَّةٍ] مِنْ كِبَرٍ [۵۲] یعنی داخل بهشت نمی‌شود هر کس که

به قدر مثقال ذره‌ی یا حبه‌ای کبر در قلبش باشد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود: فرزند آدم چه جای آن دارد که فخر کند در آغاز امر نطفه بوده و در پایان مرداری خواهد بود روزی خودش را نمی‌تواند بدهد و جلوی مرگش را نمی‌تواند بگیرد. مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ حَبِيفَةٌ لَا يَزُوقُ نَفْسَهُ وَلَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ [۵۳]. احنف بن قیس گفت: عجب دارم از کسی که از دو مجرای بول آمده چگونه تکبر می‌کند؟ شخصی برخورد کرد با کسی که تکبر و تبختر زیاد راه می‌رفت گفت اگر تبختر و تکبر را ترک کنی و مثل سایر مردم راه بروی بهتر است آن کس جواب داد آیا مرا نمی‌شناسی گفت خوب می‌شناسم در اول نطفه بودی و در آخر کار مرداری خواهی شد و اکنون حامل عذره می‌باشی پس آن جوان سر خجلت به زیر افکند و رفت. حضرت علی علیه‌السلام در صفات متقین فرموده: وَ مَشِيئُهُمُ التَّوَّاضُعُ یعنی یکی از صفات پرهیزکاران آنست که متواضع‌اند. تواضع ز گردن فرازان نکوست گدا گر تواضع کند خوی اوست و در حدیث است: مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَوَاضَعَ رَفَعَهُ اللَّهُ. یعنی هر کس تکبر کند خدای او را پست می‌کند و پایین می‌آورد و هر کس تواضع کند خداوند [صفحه ۵۱] او را بلندپایه می‌گرداند. سعدی گوید: آنکه پای از سر نخوت نهاده‌ی بر خاک عاقبت خاک شد و خلق بر او می‌گذرند خداوند سبحان فرموده: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ و نیز فرموده: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ یعنی پایان کار به نفع پرهیزکاران است. حضرت علی (ع) فرمود: فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحِزْزُ وَالْجَنَّةُ وَ فِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ یعنی تقوی در امروزه‌ی دنیا حرز و سپری است که انسان را از کارهای زشت نگه می‌دارد و در فردای قیامت راهی است که به بهشت منتهی می‌شود. در حدیث است: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ و حدیث دیگر فرموده: لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى و در حدیث دیگر فرموده: نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ .

در صدقه

عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص: خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَ ذَخَائِرُهُ الصَّدَقَةُ [۵۴]. [صفحه ۵۲] فرمود: بهترین مال شخص و اندوخته‌های او صدقه دادن است.

در صدقه

عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: التَّوْحِيدُ نِصْفُ الدِّينِ وَ اسْتِئْزِلُوا الرِّزْقَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِالصَّدَقَةِ: [۵۵]. یعنی توحید و اعتقاد به یگانگی خدا نصف دین است و روزی را به وسیله صدقه دادن به سوی خود جلب نموده و فرود آرید [۵۶].

در صدقه

عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فِي الْمَالِ حَقُّ سَوَى الزَّكَاةِ؟ قَالَ نَعَمْ بَرُّ الرَّجَمِ إِذَا أَذْبَرَتْ وَ صِلَةُ الْجَارِ الْمُسْلِمِ فَمَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانًا وَ جَارُهُ الْمُسْلِمُ جَائِعٌ ثُمَّ قَالَ مَا زَالَ جَبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَّثُهُ. حضرت رضا از پدران خود روایت کرده که به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفتند یا نبی الله آیا در مال به جز زکوة حقی واجبست که باید ادا شود؟ فرمود: بلی احسان به خویشاوند هنگامی که او پشت کرده و قطع مراوده نموده است و با همسایه‌ی مسلمان پیوستن و مراوده داشتن پس به من ایمان نیاورده کسی که شب بخوابد و صبح کند در صورتی که همسایه‌ی مسلمانش گرسنه باشد، سپس فرمود: پیوسته جبرئیل در حق همسایه سفارش می‌کرد تا آن که من تصور کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد. [صفحه ۵۳] در حدیث نبوی است: صَلِّ مَنْ قَطَعَكَ . یعنی پیوند کن با کسی که از تو بریده و نیز پیغمبر اکرم فرمود: أَوْصَانِي رَبِّي بِتَشَعٍ - اوصیکم بها ان أَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي ... الی اخر الحدیث: یعنی پروردگار من نه چیز به من توصیه فرمود و به من به شما سفارش می‌کنم یکی از آنها این است که صله‌ی ارحام کنم با خویشاوندی که از من قطع رابطه کرده است. در نهج البلاغه و وصیتنامه‌ی حضرت امیرالمؤمنین

علیه السلام است: وَ اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيزَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّتُهُ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يُوصِي فِي حَقِّهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورَثُهُمْ يَعْنِي خُدا رَا، خُدا رَا در نظر داشته باشید درباره‌ی رعایت حق همسایه‌ها تان زیرا پیوسته رسول خدا در حق آنان سفارش می‌فرمود تا آنکه ما گمان کردیم برای همسایگان ارث قرار می‌دهد.

بر هم زنده لذات

عن الرضا عن آبائه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ هَادِمِ اللَّذَاتِ [۵۷]. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بیشتر اوقات به یاد برهم زنده و خراب کننده‌ی لذات باشید.

پنج چیز که پیامبر فرمود ترک نمی‌کند

عن علی بن موسی الرضا عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: [صفحه ۵۴] خمس لا ادعهن حتى اللهمات: الْأَكْلُ عَلَى الْحَضَةِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبُ الْحِمَارِ مُؤَكَّفًا وَ حَلْبُ الْعَنْزِ بِيَدِي وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّشَلُّيمُ عَلَى الصَّيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پنج چیز را تا موقع مرگ ترک نمی‌کنم. ۱- غذا خوردن با بندگان در روی زمین. ۲- سوار شدن من بر خر دو پستی. ۳- دوشیدن بز با دست خودم. ۴- پوشیدن لباس پشم ۵- و سلام کردن بر کودکان برای آنکه بعد از من سنت شود.

مروت

عَنِ الرِّضَاعِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ سِتَّةٌ مِنَ الْمَرْوَةِ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحَضَرِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي السَّفَرِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضَرِ فَلَمَّا وَدَّ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى - وَ عِمَارَةُ مَسَاجِدِ اللَّهِ - وَ اتَّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ فَزِدُّ الزَّادِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمِزَاجِ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي [۵۸]. حضرت رضا از پدرانش روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شش چیز علامت مروت است، سه چیز در حضر و سه چیز در سفر و اما آن سه چیز که در حضر است عبارتست از خواندن قرآن کریم: و عمارت مساجد خدا و دوستانی برای رضای خدا بدست آوردن. و اما آن سه چیز که در سفر است عبارتست از بذل زاد و توشه یعنی از آذوقه و خوراکی که با خود به سفر آورده به همراهان بدهد و با خلق نیکو باشد که [صفحه ۵۵] مصاحبین و هم سفرها ناراحت نشوند، و مزاج کردن با رفقا به طوری که مشروع باشد و در معصیت واقع نشوند.

در مشورت

عن أبي الحسن الرضا عن آبائه عن علي ع قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لَا تُشَاوِرَنَّ جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ وَ لَا تُشَاوِرَنَّ بَخِيلًا فَإِنَّهُ يَقْصِرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ وَ لَا تُشَاوِرَنَّ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ شَرَّهَا [۵۹]. حضرت رضا از پدران خود از علی علیه السلام روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود با سه کس مشورت مکن. ۱- شخص جبان و ترسو زیرا به واسطه‌ی کم جرئتی و ترسو بودن راه را بر تو تنگ می‌کند و نمی‌گذارد اقدام نمائی. ۲- شخص بخیل زیرا بواسطه صفت نکوهیده و نا پسندیده بخل کوتاهی می‌کند از آن که تو را کمک یا راهنمایی نماید. ۳- شخص حریص زیرا در راهنمایی از اعتدال خارج می‌شود و بر حرص و آز تو می‌افزاید و ممکن است به مصلحت تو نباشد.

در حق مهمان

عن الرضا عن آبائه ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: مَنْ حَقَّ الضَّيْفُ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ - فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمَتِكَ إِلَى الْبَابِ [۶۰]. [صفحه ۵۶] رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: از جمله‌ی حق میهمان آن است که هنگام رفتن وی تا درب خانه با او بروی و مشایعتش نمائی.

در حسن خلق

عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ فِي الْجَنَّةِ لَا مَحَالَةَ وَإِيَّاكُمْ وَسُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ فِي النَّارِ لَا مَحَالَةَ [۶۱]. بر شما واجب است که دارای حسن خلق باشید، زیرا خلق نیکو در بهشت خواهد بود ناچار و دوری کنید از خلق بد زیرا خلق بد در آتش خواهد بود (به اضافه نتیجه‌ی حسن خلق آن است که زندگی در دنیا هم برای آن مطبوع و مانند بهشت خواهد شد و خلق بد زندگانی را تلخ و جهنم خواهد کرد)

در دروغ

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا أَبِي الْحَسَنِ قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا؟ قَالَ نَعَمْ. قِيلَ وَيَكُونُ بَخِيلًا؟ قَالَ نَعَمْ. قِيلَ وَيَكُونُ كَذَابًا؟ قَالَ لَا. [۶۲]. از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم پرسیدند: آیا مؤمن ترسو می‌باشد [صفحه ۵۷] فرمود: بلی، گفتند آیا مؤمن بخیل می‌باشد فرمود: بلی، گفتند آیا مؤمن دروغگو می‌باشد؟ فرمود نه قال امیرالمؤمنین لابنه الحسن عليهما السلام: يَا بَنِي إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْأَخْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضِرُّكَ وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ أَخْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ - يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبُعِيدَ وَيَبْعُدُ عَنْكَ الْقَرِيبَ حضرت علی (ع) فرمود به امام حسن با چهار نفر رفاقت مکن. ۱ - احمق زیرا به واسطه رفاقتش دلش می‌خواهد به تو نفع رساند و به واسطه حمقش ضرر می‌رساند. ۲ - بخیل زیرا در وقتی که تو شدت نیاز و احتیاج را به او داری به واسطه صفت بخل برای تو از خود حرکتی نشان نمی‌دهد. ۳ - فاجر زیرا تو را به اندک چیزی می‌فروشد. ۴ - دروغگو زیرا او مانند زمین شوره‌زار است دور را با دروغ در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد. زنهار مگو سخن بجز راست هرچند تو را در آن ضررها است گفتار دروغ را اثر نیست چیزی ز دروغ زشت‌تر نیست تا پیشه‌ی تست راستگویی هرگز نبری سیاه روئی از خجلت شرمش ار شود فاش یاد آر و دگر دروغ متراش

در رضع

فِي اسْبَاغِ الْوُضُوءِ عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: [صفحه ۵۸] لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ وَلَا الْعَمَشَاءَ، فَإِنَّ اللَّبْنَ يَعْدِي [۶۳]. یعنی زن احمق و زن عمشاء را برای شیردادن طفل اختیار نکنید، زیرا شیر در طفل سرایت نموده و اثر می‌گذارد و در نتیجه احمق و عمشاء می‌شود [۶۴].

در روزه يوم الشك

عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَامَ يَوْمَ الشَّكِّ فِرَارًا بِدِينِهِ فَكَأَنَّمَا صَامَ أَلْفَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الْأَخِرَةِ [۶۵]. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: هر کس يوم الشك را روزه بدارد به منظور این که مدیون نماند، چنان باشد در اجر که هزار روز از روزهای آخرت را روزه گرفته. يوم الشك روزی است که نمی‌دانیم آخر ماه شعبان یا اول ماه رمضان است و این در صورتی است که بر حسب تقویم ماه شعبان ۲۹ روز می‌باشد. روز آخرت شاید

برابر هزار روز از روزهای دنیا باشد چنانکه در قرآن کریم آیهی مبارکه دلالت دارد: وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

در اکرام اسم محمد

فضل بن الحسن الطبرسی فی صحیفه الرضا، عن آبائه عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: اذا سمیتم الولد محمدا، فاکرموه، [صفحه ۵۹] وَأَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجْلِسِ وَلَا تَقْبَحُوا لَهُ وَجْهًا [۶۶]. حضرت رضا از پدران خود از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: هر گاه فرزند را به اسم محمد نام گذاشتید او را اکرام کنید و در مجلس که وارد می شود به او جای دهید و چهره‌ی خود را به او عبوس نکنید.

در شب جمعه

و رَوَى عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَا ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي الْحَدِيثِ الَّذِي يَرْوِيهِ النَّاسُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْلَمَ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَرِّفِينَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَاللَّهُ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْلَمَ ذَلِكَ إِنَّمَا قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلِّ لَيْلَةٍ فِي الثُّلُثِ الْآخِرِ وَلَيْلَةِ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَيَأْمُرُهُ فَيُنَادِي هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ يَا طَالِبَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ وَيَا طَالِبَ الشَّرِّ أَفْصِرْ فَلَا يَزَالُ يُنَادِي بِهِذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ عَادَ إِلَى مَحَلِّهِ مِنْ مَلَكُوتِ السَّمَاءِ حَيْثُ ثَبَتِي بِذَلِكَ أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْلَمَ [۶۷].

عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از ابراهیم بن ابی محمود روایت کرده که گفت به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم یابن رسول الله چه می فرمائی در حدیثی که [صفحه ۶۰] مردم از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند که فرمود: خدای تبارک و تعالی هر شب جمعه فرود می آید به آسمان دنیا، فرمود خدا لعنت کند کسانی را که کلمات را از جای خود تغییر می دهند به خدا قسم رسول خدا این طور نفرموده، بلکه فرموده: خدای تعالی هر شب در ثلث آخر و شب جمعه در اول شب فرشته‌ای را به آسمان دنیا می فرستد و به او امر می کند که ندا کند، آیا سؤال کننده‌ای هست به او عطا کنم؟ آیا توبه کننده‌ای هست توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا استغفار کننده‌ای هست او را بیامرزم؟ ای طالب خیر بیا، ای طالب بدی کوتاه کن (بس کن) پس پیوسته ندا می کند به این جملات تا صبح طلوع شود، چون صبح شد، برمی گردد به محل خود، از ملکوت آسمان. [صفحه ۶۱]

در بیان سخنان حضرت رضا و آنچه از پدران بزرگوارش می فرماید

در بسم الله

روی عن علی بن موسی الرضا علیه السلام انه قال: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْعَظَمِ مِنْ سَيِّوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا [۶۸]. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم» نزدیکتر است باسم اعظم خدا از سیاهی چشم به سفیدی آن ابن عباس از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: هر گاه معلم به کودک بگوید بگو بسم الله الرحمن الرحيم پس کودک بگوید بسم الله الرحمن الرحيم خداوند نامه‌ی آزادی از آتش را برای کودک و پدر و مادرش و معلم می نویسد. ابن مسعود گفت هر کس بخواهد از نوزده زبانه (شعله‌ی) آتش جهنم خدای نجاتش دهد باید بگوید بسم الله الرحمن الرحيم زیرا آن نوزده حرف است و هر [صفحه ۶۲] حرفی سپر می شود برای یک زبانه [۶۹].

در نماز

عن الرضا عليه السلام في الحديث طويل قال: و الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ أَفْضَلُ نَمَازٍ فِي أَوَّلِ وَقْتِ أَفْضَلُ اسْت [۷۰]. سئِلَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ الصَّلَاةُ لِمَوَاقِيتِهَا. از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم پرسیدند کدام یک از اعمال بهتر و بالاتر است فرمودند: نماز در وقت خود [۷۱]. و قال صلى الله عليه و آله و سلم من حافظ على الخمس و باكمال طهور و مواقيتها، كانت له نورا و برهانا يوم القيامة و من ضيعها حشر مع فرعون و هامان [۷۲]. حضرت رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند: کسی که محافظت کند بر نماز پنجگانه‌ی یومیه به این که با طهارت کامل انجام دهد و هر یک را در وقت مختص خود به جای آورد می‌باشد برای او در قیامت نور و دلیل و هر کس ضایع کند. آن را با فرعون و هامان محشور خواهد شد. و قال صلى الله عليه و آله و سلم: احب الاعمال الى الله الصلوة لوقتها ثم بر الوالدین. دوست‌ترین اعمال به سوی خدا خواندن نماز است در وقتش و بعد از آن خوبی کردن به پدر و مادر. [صفحه ۶۳] و قال صلى الله عليه و آله و سلم، يا على، ثَلَاثَةٌ لَا تُؤَخِّرُ الصَّلَاةَ إِذَا أَتَتْ وَ الْجَنَازَةُ إِذَا حَضَرَتْ وَ الْأَيُّمُ إِذَا وَجَدَتْ لَهَا كُفُوءًا يَا عَلِيُّ سَهْ حَيْزٍ رَا تَأْخِيرَ نِينْدَا وَ نَمَازِ چُونِ وَقْتِ آنِ رَسِيدِ وَ جَنَازَهْ وَقْتِ حَاضِرِ شَدِ وَ دَخْتَرِ عَزَبِ هَرِ گَاهِ شَوهرِ پيدا شد برايش.

خواندن نماز در اول وقت

عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ الرَّضَاعُ يَا فُلَانُ إِذَا دَخَلَ الْوَقْتُ عَلَيْكَ فَصَلِّهِمَا فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَكُونُ. [۷۳]. یعنی چون وقت نماز شد فوری نماز بگذار زیرا تو نمی‌دانی بعد چه پیش می‌آید. قال ابو عبد الله عليه السلام كان ابي يقول: إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ. [۷۴]. حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم می‌فرمود: وقتی قصد کردی کار خیری را انجام دهی پس شتاب کن زیرا تو نمی‌دانی بعدا چه خواهد شد.

علت نماز

مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الرضا عليه السلام: فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: أَنَّ عِلَّةَ الصَّلَاةِ أَنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلْعُ الْأَنْدَادِ [صفحه ۶۴] وَ قِيَامٌ بَيْنَ يَدَيْ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ بِالذُّلِّ وَ الْمَسِيكَةِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْتِرَافِ وَ الطَّلَبِ لِلْإِقَالَةِ مِنْ سَالِفِ الذُّنُوبِ وَ وَضْعِ الْوُجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ إِعْظَامًا لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَ أَنْ يَكُونَ ذَاكِرًا غَيْرَ نَاسٍ وَ لَا بَطِرٍ وَ يَكُونُ خَاشِعًا مُتَذَلِّلًا رَاغِبًا طَالِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِيجَابِ وَ الْمُدَاوَمَةِ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لِنَلَا يَنْسِيَ الْعِبْدُ سَيِّدَهُ وَ مُدَبِّرَهُ وَ خَالِقَهُ فَيَبْطِرَ وَ يَطْغَى وَ يَكُونَ ذَلِكُ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ قِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ زَاجِرًا لَهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ مَانِعًا لَهُ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَسَادِ [۷۵]. محمد بن سنان از حضرت رضا علیه السلام مسائلی پرسید و حضرت در جواب او نوشت: علت نماز آن است که نماز اقرار به پروردگاری خدای عز و جل و بی‌مانند بودن او و ایستادن است جلوی خدای بزرگ جل جلاله با حالت ذلت و مسکنت و سؤال و خضوع و اعتراف و درخواست گذشت و عفو از گناهان گذشته و صورت نهادن بر زمین همه روز برای بزرگداشت و تعظیم نسبت به خدای عز و جل و این که به یاد خدا بوده و او را فراموش نکند و حال سرکشی برای وی دست ندهد با حال خشوع باشد و اظهار ذلت نماید و راغب و طالب زیادتى در امور دین و دنیا باشد مضافاً به اینکه در خواندن نماز ایجاب و الزام بر خود و مداومت به ذکر خدای عز و جل در شب و روز است تا این که بنده فراموش نکند آقا و مدبر امور و خالق خود را که موجب سرکشی و طغیان وی گردد و به یاد خدا بودن و در مقابل او ایستادن موجب می‌شود بنده از گناهان دور شود و باز داشته شود و منع می‌کند او را از انواع فساد و تباهی. [صفحه ۶۵]

در نماز

البنزطی عن ابی الحسن الرضا علیه السلام: قال: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُقِيمِ بِمَكَّةَ، الطَّوَّافُ لَهُ أَفْضَلُ أَوْ الصَّلَاةُ؟ قال: الصَّلَاةُ [۷۶]. بنزطی گفت از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم از کسی که در مکه اقامت دارد، آیا برای او طواف افضل است یا نماز؟ فرمود: نماز در حدیث نبوی پنجم از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد که اول چیزی که در قیامت از بنده سؤال می شود نماز است. در مجموعه ی ورام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: هر کس دو رکعت نماز در خلوت بخواند که او را جز خدا و فرشتگان احدی نبیند باعث آزادی وی از جهنم می شود.

در نماز

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام انه قال: الصَّلَاةُ قَرَبَانُ كُلِّ تَقَى [۷۷]. یعنی: نماز باعث تقرب هر شخص پرهیزکار است به درگاه خدا.

نزدیکترین حالت بنده به پروردگار

عن الوشا قال سمعت الرضا علیه السلام يقول: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ سَاجِدٌ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ [صفحه ۶۶] عَزَّ وَ جَلَّ - وَ أَشْجُدُّ وَ أَقْتَرِبُ [۷۸]. از وشا روایت شده که گفت از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: نزدیکترین موقع بنده به خدای عز و جل وقتی است که در سجده باشد برای آن که در قرآن کریم فرموده: وَ أَشْجُدُّ وَ أَقْتَرِبُ سجده کن و نزدیک شو در امالی صدوق از حضرت صادق (ع) روایت شده که شخصی آمد خدمت رسول خدا عرض کرد یا رسول الله گناهام زیاد شده و عملم ضعیف گشته فرمود: زیاد سجده کن زیرا سجده گناهان را از بین می برد چنانکه باد برگ درخت را از بین می برد. در جامع الصغیر سیوطی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود بدان که تو سجده ای نمی کنی برای خدا مگر آنکه خدا به آن یک درجه برای تو بالا می برد.

در تعقیب نماز صبح

معمر بن خلاد عن الرضا علیه السلام: قال: سمعته يقول: يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَضْبَحَ أَنْ يَقْرَأَ بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً. معمر بن خلاد گفت از حضرت رضا علیه السلام شنیدم فرمود: شایسته و سزاوار است برای مرد چون صبح کند پس از تعقیب پنجاه آیه [۷۹] از قرآن را بخواند. [صفحه ۶۷] در تفسیر مجمع البیان روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بهترین عبادت قرائت قرآن است.

در تلاوت قرآن

عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ عَنِ الرُّضَا ع أَنَّهُ كَانَ يُكْثِرُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ. [۸۰]. رجاء بن ابی الضحاک روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام در فراش خود در شب بسیار قرآن تلاوت می کرد و چون به آیه ی می رسید که در آن آیه بهشت یا جهنم ذکر شده گریه می کرد و از خدا مسئلت می کرد بهشت را و از آتش جهنم به خدا پناه می برد.

سجده بعد از نماز

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ أَدَاءِ فَرَضِهِ وَأَذْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يَقُولَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَنِي بِهِ مِنْ خِدْمَتِهِ وَأَدَاءِ فَرَضِهِ وَ الشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِدِهِ السَّجْدَةُ. [۸۱]. فرمود: سجده کردن بعد از نماز واجب سپاسگزاری خدای عز و جل است [صفحه ۶۸] در برابر توفیقی که نصیب بنده شد از انجام دادن نماز واجب و کمترین چیزی که کفایت می کند در سجده شکر این است که سه دفعه گفته شود (شکرا لله) گفتم معنای شکرا لله چیست؟ فرمود: می گوید این سجده از من سپاسگزاری برای خدا است.

جلوس محل نماز صبح

عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ قَالَ: كَانَ الرُّضَاعُ إِذَا أَصْبَحَ صَلَّيَ الْغَدَاةَ فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيُحَمِّدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَيُهَلِّلُهُ وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ الْحَدِيثُ. [۸۲]. رجاء بن ابی الضحاک گفت: حضرت رضا علیه السلام چون صبح می شد، نماز صبح را می خواند و پس از سلام نماز در جای نماز خود می نشست و تسبیح و تمجید و تکبیر و تهلیل می گفت و صلوات بر پیغمبر می فرستاد تا آفتاب طلوع کند.

تقسیم ارزاق بنی آدم بین الطلوعین

قال الرضا علیه السلام: في قول الله عز وجل: «فَالْمُقْسَمَاتِ أَمْرًا» الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ أَرْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَمَنْ نَامَ فِيمَا بَيْنَهُمَا نَامَ عَنْ رِزْقِهِ. [۸۳]. حضرت رضا علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه «فَالْمُقْسَمَاتِ أَمْرًا» [صفحه ۶۹] فرمود: ملائکه تقسیم می کنند ارزاق بنی آدم را مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس هر کس بین الطلوعین خواب باشد از روزی خود خواب مانده. شاید مثل معروف فارسی: هر که خوابست روزی اش در آب است مبنایش این حدیث باشد. چه خوب گفته است شاعر: می باش به عمر خود سحر خیز از خواب سحر گهان بپرهیز کاندن نفس سحر نشاطیست کان را با روح ارتباطی است و گفته اند، باکر تسعد، سحر خیز باش تا کامروا باشی.

نماز و زکوة

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّيَ وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصَلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. [۸۴]. خدای عز و جل امر فرمود به سه چیز مقرون به سه چیز دیگر امر فرمود به نماز و زکوة. اقيموا الصلوة و اتوا الزکوة پس هر کس نماز بخواند و زکوة ندهد نمازش قبول نیست و امر فرمود به سپاسگزاری از خودش و پدر و مادر. [صفحه ۷۰] پس هر کس سپاس حق پدر و مادر را نگه ندارد سپاس حق خدا را نیز به جای نیاورده. و امر فرمود به تقوی و پرهیزگاری و ترس خدا و صلهی رحم به جای آوردن پس هر کس صلهی رحم نکند ترس خدای را بر دل ندارد.

در صبر

عن الرضا علیه السلام قال: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ كَثَمَانٌ سِرُّهُ وَمُدَارَاةُ النَّاسِ وَالصَّبْرُ فِي الْبُؤْسَاءِ وَالضَّرَاءِ [۸۵]. فرمودند، مؤمن نمی باشد مگر آن که در وی سه خصلت باشد (الی آخر حدیث که در آنجا ذکر کرده) ۱ - آن که سر نگهدار باشد. ۲ - با مردم مدارا کند. ۳ - هنگام گرفتاری و سختی ها صابر و شکیبا باشد. حضرت علی علیه السلام فرمود: الصبر

شجاعه و نیز فرمود: لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَ أَنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ [۸۶]. شخص صابر بدون پیروزی نخواهد بود هر چند طول بکشد. صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید و نیز فرمود: عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا خَيْرَ فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ بِرِ شَمَا بَاد بِه شَكِيَانِي زِيْرَا صَبْرٍ وَ شَكِيَانِي نَسْبَت بِه اِيْمَانٍ مِثْلٍ سِرَ اسْتِ بَرَايِ بَدَنٍ وَ نِيَسْتِ خِيْرٍ دَرِ جَسَدِ بِي سِرٍ وَ نَه دَرِ اِيْمَانِ بَدُونِ صَبْرِ. [صفحه ۷۱]

هفت چیز استهزاء است

قال الامام الرضا عليه السلام: قَالَ الْإِمَامُ الرُّضَا ع سَبْعَةُ أَشْيَاءَ بَغَيْرِ أَشْيَاءٍ مِنَ الْإِسْتِهْزَاءِ: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَلَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى الشَّدَائِدِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَمَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَلَمْ يَتْرُكْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَمَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ وَلَمْ يَسْتَعِدَّ لَهُ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَمَنْ ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى وَلَمْ يَشْتَقْ إِلَى لِقَائِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ [۸۷]. فرمودند هفت چیز بدون هفت چیز از قبیل مسخره و استهزاء است هر کس به زبان استغفار کند لیکن دلش پشیمان نباشد خودش را مسخره کرده است و هر کس از خدا درخواست توفیق کند لیکن جدیت و کوشش نکند خود را مسخره کرده و هر کس از خدا تقاضای بهشت کند و بر سختی‌ها صبر ننماید خود را مسخره کرده و هر کس به خدا از آتش پناه ببرد و شهوات دنیائی را ترک نکند خودش را مسخره کرده و هر کس یاد مرگ کند و خودش را آماده ننماید خود را مسخره کرده و هر کس ذکر خدا بگوید لیکن مشتاق لقای خدا نباشد خود را مسخره کرده [۸۸].

در استغفار

عن علی بن موسی الرضا عن آبائه عن امیرالمؤمنین علیهم السلام انه قال: [صفحه ۷۲] تَعَطَّرُوا بِالْإِسْتِغْفَارِ لَا تَفْضَحْكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ. [۸۹]. معطر کنید خود را به وسیله‌ی استغفار و طلب آمرزش کنید از خدا تا بوی گناهان شما را مفتضح و رسوا نکند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ [۹۰]. یعنی برای هر دردی دوائی است و دواء گناهان استغفار است. داروی بدی و خطا است توبه آن کیست که او را بدو خطا نیست و نیز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أَكْثَرُوا مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُعَلِّمْكُمْ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَّا وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ [۹۱]. یعنی زیاد استغفار کنید زیرا خدای عز و جل به شما استغفار را تعلیم نفرمود مگر برای این که می‌خواهد شما را بیامرزد. و قال ص: ثَلَاثَةٌ أَصَوَاتٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَوْتُ الدَّيِّكِ وَ صَوْتُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَ صَوْتُ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ یعنی خدا سه آواز را دوست دارد صدای خروس صدای قرائت قرآن و صدای کسانی که در سحرها استغفار می‌کنند. [۹۲].

در استغفار

عن ياسر الخادم عن الرضا عليه السلام قال: مَثَلُ الْإِسْتِغْفَارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تُحَرِّكُ فَيَتَنَازَرُ وَ الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ [صفحه ۷۳] وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَغْفِرِ بِرَبِّهِ [۹۳]. فرمودند مثل استغفار چون برگ درختی است که در حال حرکت باشد و بریزد و کسی که از گناه استغفار کند بزبان و در عمل مرتکب آن گناه باشد مانند کسی است که پرودگار خود را استهزاء کرده است [۹۴]. از شعبی روایت شده که گفت از حضرت علی علیه السلام شنیدم فرمود: الْعَجَبُ مِمَّنْ يَقْنَطُ وَ مَعَهُ الْمِحَاءُ. فَقِيلَ: وَ مَا الْمِحَاءُ قَالَ: الْإِسْتِغْفَارُ. فرمود: عجب از کسی است که نومید می‌شود و حال آن که با او محو کننده هست، گفتند محو کننده چیست! فرمود استغفار.

در خلوص عبادت

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام ان امیرالمؤمنین علیه السلام کان یقول: طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالِدُّعَاءَ وَلَمْ يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ وَلَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ وَلَمْ يَخْزُنْ صَدْرُهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرَهُ [۹۵]. از حضرت رضا (ع) روایت شده که امیرالمؤمنین ع می فرمود: خوشا به حال کسی که خالص برای خدا بندگی و دعا بنماید و آن چه چشمانش می بیند دلش را از یاد خدا باز ندارد. و ذکر خدا را فراموش نکند به واسطه آن چه در ظاهر گوش هایش می شنود و سینه اش محزون و دلش غمین نشود به واسطه نعمت هائی که به دیگران [صفحه ۷۴] داده شده است.

در دعاء

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الرِّضَاعِ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِسَلَامِ الْأَنْبِيَاءِ فَقِيلَ وَمَا سَلَامُ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ الدُّعَاءُ. [۹۶]. بر شما لازم است که مسلح شوید به سلاح پیغمبران، گفتند سلاح پیغمبران چیست؟ فرمود دعا کردن. در قرآن کریم امر به دعا کردن شده: اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ در جامع الصغیر سیوطی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود دعا کن بسیار زیرا دعا رد می کند قضا و بلای مبرم و مسلم را.

در دعاء

عن ابی الحسن الرضا (ع) قال: دعوة العبد سرا دعوة واحدة تعدل سبعين دعوة علانية [۹۷]. فرمودند. یک دعا که بنده در خفاء و سر بکند معادل هفتاد دعای علنی و آشکار است یعنی اثر یک دعا مخفی و در خلوت برابر اثر هفتاد دفعه دعا کردن علنی است

انجام کار خیر در خفا

عن العباس مولى الرضا علیه السلام قال سمعته يقول: الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ تَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً وَالْمُذِيْعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ [۹۸]. [صفحه ۷۵] عباس غلام حضرت رضا روایت کرده که از آن حضرت شنیدم فرمود: کسی که کار نیک و عمل خیری را انجام داده بطور خفاء که کسی از آن باخبر نشده برابری می کند با هفتاد حسنه (برای آن که ریا در آن حاصل نشده و خالص برای خدا انجام شده). و آن که گناهی مرتکب شده آن را به دیگران اعلام کند و شیوع پیدا کند این چنین کسی مخدول و سر شکسته و خوار و رسوا خواهد شد. و آن کسی که گناهی را که کرده از دیگران پوشیده بدارد آمرزیده خواهد شد.

در بیان اینکه از دعا ملول نشوید

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام فی حدیث قال: لَا تَمَلْ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مِنَ اللَّهِ بِمَكَانٍ وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَطَلَبِ الْحَلَالِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ وَإِيَّاكَ وَمُكَاشَفَةِ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَصْلٍ مَنْ قَطَعَنَا وَنُحِسُّ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْنَا فَتَرَى وَاللَّهِ فِي ذَلِكَ الْعَاقِبَةَ الْحَسَنَةَ. [۹۹]. در حدیثی از حضرت رضا روایت شده که فرمود: از دعا کردن ملول و خسته مشو زیرا دعا نزد خدا منزلتی دارد و بر تو باد به صبر و شکیبائی و طلب کردن مال حلال و صلهی رحم و پیوستن با خویشاوندان و پرهیز و دوری کن از این که در مقام کشف کار مردم برآیی و در کار دیگران کنجکاو کنی پس همانا ما اهل بیت صلهی رحم به جای می آوریم با خویشاوندی که با ما قطع مراوده کرده است و محبت می کنیم با کسی که به ما بدی کرده است پس بخدا قسم در آن کار فرجام نیک و حسن عاقبت را می بینیم. [صفحه ۷۶]

در حسن ظن به خدا

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِذَا خَيْرًا فَخَيْرًا وَ

إِنْ شَرًّا فَشَرًّا [۱۰۰]. یعنی به خدا حسن ظن داشته باش زیرا خدای تعالی فرموده: من نزد گمان بنده‌ام به من می‌باشم اگر حسن ظن داشت نیک می‌بیند و هر گاه گمان بد داشته باشد بد می‌بیند.

حفظ لسان

معمر بن خلاد عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: قال ابو عبدالله ع: نجاه المؤمن فی حفظ لسانه حضرت رضا علیه السلام از حضرت صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: نجات مؤمن در نگه داشتن زبانش است. در حدیث آمده: (من صمت نجی) هر که ساکت شد نجات یافت و در حدیث آمده: (أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ) بیشتر گناهان فرزند آدم در زبان اوست شاعر عرب گفته: ما ان ندمت علی سکوتی مره ولقد ندمت علی الکلام مرارا و نیز گفته: [صفحه ۷۷] احفظ لسانک ایها الانسان لا یلد غنک انه ثعبان شاعر فارسی گفته است: بس سر که فتاده‌ی زبان است با یک نقطه زبان زیان است سعدی گفته: صراف سخن باش سخن بیش مگو چیزی که نپرسند تو از پیش مگو

در زیاد صلوات فرستادن

قال الرضا فی حدیث مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكَفِّرُ بِهِ ذُنُوبُهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَذَا [۱۰۱]. فرمود: هر کس نتواند عملی انجام دهد که کفاره‌ی گناهانش شود پس باید زیاد صلوات بفرستد بر محمد و آل او زیرا صلوات گناهان را منهدم و نابود می‌کند.

در تفسیر آیه (و ذکر اسم ربه فصلی)

عَبْدُ اللَّهِ الدَّهْقَانِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ فَقَالَ لِي: «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلِّ» فَقُلْتُ كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ قَامَ فَصَلَّى فَقَالَ لِي لَقَدْ كَلَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذَا شَطَطًا فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَكَيْفَ هُوَ فَقَالَ كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ [صفحه ۷۸] صَلَّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. [۱۰۲]. عبدالله الدهقان گفت داخل شدم بر حضرت رضا علیه السلام پس به من فرمود معنای آیه‌ی و ذکر اسم ربه فصلی چیست؟ گفتم هر وقت اسم پرودگارش را ببرد برخیزد و نماز بگذارد پس فرمود در این صورت خدای عز و جل تکلیف شاق و دشوار کرده است. گفتم فدایت شوم پس چه معنی دارد؟ فرمود هر وقت اسم پرودگارش را ببرد یا بیاد آرد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.

در یاد گرفتن علوم ائمه

عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الرُّضَاعَ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ [۱۰۳]. فرمود: خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده کند گفتم چگونه امر شمار را زنده کند؟ فرمود علوم ما را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد.

در نشستن در مجلس اهل بیت

عن الرضا علیه السلام: من جلس مجلسا يحيى فيه امرنا، لم يمِت قلبه، يوم تموت فيه القلوب. فرمود هر که بنشیند در مجلسی که در آن امر ما زنده شود دل او نمی‌میرد روزی که در آن روز دلها می‌میرد [۱۰۴]. [صفحه ۷۹]

در تفسیر آیه (اولئك الذين هدى الله)...

العیاشی فی تفسیره عن عباس بن هلال عن الرضا ع فی حدیث ان الصادق علیه السلام قال: انا من الذی قال الله: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ» سل عما شئت [۱۰۵]. در تفسیر عیاشی از حضرت صادق روایت کرده که فرمود: من از جمله ی کسانی هستم که خدا در آیه ی فوق فرموده: اینانند کسانی که خدا هدایتشان فرموده پس از راهنمایی ایشان پیروی کن. سؤال کن از هر چه می خواهی.

در صفت شیعه

عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: شَيِّعَتُنَا الْمُتَمِلُّونَ لِأَمْرِنَا الْآخِذُونَ بِقَوْلِنَا الْمُخَالِفُونَ لِأَعْيَادِنَا فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا [۱۰۶]. فرمود، شیعه ی ما کسانی اند که تسلیم فرمان ما یند و گرفتار ما را می گیرند و عمل می نمایند و با دشمنان ما مخالفند پس هر کس این چنین نباشد، از ما نیست.

در قرآن

عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ رَدَّ مُتَشَابِهَ الْقُرْآنِ إِلَى مُحْكَمِهِ فَقَدْ هَدَى إِلَى صِرَاطٍ [صفحه ۸۰] مُسْتَقِيمٍ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي أَخْبَارِنَا مُتَشَابِهًا كَمُتَشَابِهِ الْقُرْآنِ وَمُحْكَمًا كَمُحْكَمِ الْقُرْآنِ فَرُدُّوا مُتَشَابِهَهَا إِلَى مُحْكَمِهَا وَلَمَّا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهَا دُونَ مُحْكَمِهَا فَتَضَلُّوا [۱۰۷]. فرمود: هر کس رد کند متشابه قرآن را به محکمش به صراط مستقیم هدایت شده (چون آنان که اهلیت دارند می توانند معانی متشابهات قرآن را در محکمت پیدا کنند). سپس فرمودند: در اخبار ما نیز مانند قرآن محکم و متشابه وجود دارد پس معانی اخبار متشابه را از محکم آن دریابید و درک کنید و بدون مراجعه به محکمت از اخبار متشابه پیروی نکنید پس گمراه شوید.

در تفسیر به رای

ریان بن الصلت عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال: قال الله عز وجل: ما آمن بي من فسر برایه کلامی [۱۰۸]. حضرت رضا از پدرانش نقل می کند که فرموده اند: خداوند عز وجل فرموده: ایمان به من نیاورده آنکه کلام من را به رأی خود تفسیر کرده.

اسلام محض

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: أَنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ [صفحه ۸۱] إِلَى أَنْ قَالَ وَالتَّصْدِيقُ بِكِتَابِهِ الصَّادِقِ إِلَى أَنْ قَالَ وَإِنَّهُ حَقٌّ كُلُّهُ مِنْ فَاتِحَتِهِ إِلَى خَاتِمَتِهِ ثُمَّ مِنْ مُحْكَمِهِ وَ مُتَشَابِهِهِ وَ خَاصِّهِ وَ عَامِّهِ وَ وَعِيدِهِ وَ وَعِيدِهِ وَ نَاسِخِهِ وَ مَنْسُوخِهِ وَ قِصَصِهِ وَ أَخْبَارِهِ وَ أَنَّ الدَّلِيلَ بَعْدَهُ وَ الْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ النَّاطِقَ عَنِ الْقُرْآنِ - وَ الْعَالِمَ بِأَحْكَامِهِ أَخُوهُ وَ خَلِيفَتُهُ وَ وَصِيُّهُ وَ وَلِيُّهُ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ - وَ ذَكَرَ الْمَائِمَةَ ع ثُمَّ قَالَ (وَإِنَّ مِنْ خَلَفِهِمْ ضَالًّا مُضِلًّا) تَارِكًا لِلْحَقِّ وَ الْهُدَى وَ أَنَّهُمْ الْمُعْبَرُونَ عَنِ الْقُرْآنِ - وَ النَّاطِقُونَ عَنِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِالْبَيَانِ. [۱۰۹]. فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه السلام در نوشته ی آن حضرت به مأمون نقل می کند که فرمود: اسلام محض و خالص شهادت دادن به یگانگی خدا است. تا این که فرمود: و آن کتاب حق است از آغاز تا انجام ایمان داریم به محکم و متشابه آن، به خاص و عام آن به وعد و وعید آن به ناسخ و منسوخ آن به قصص و اخبار آن و این که بعد از قرآن دلیل و حجت بر مؤمنین و آن کسی که از قرآن حرف می زند و به احکام آن عالم است برادر و خلیفه و وصی و ولی او علی بن ابیطالب است و بعد سایر امامان را ذکر کرد. سپس فرمود: هر که با آنان

مخالفت کند گمراه و گمراه کننده است و تارک حق و هدایت است و این که آنان از قرآن تعبیر می فرمایند و از طرف رسول نطق و بیان می کنند. [صفحه ۸۲]

در خصلت های پیامبران

عن الرضا عليه السلام قال: في الديك الأبيض خمس خصال الأنبياء ع معرفته بأوقات الصلاه والغيرة والسخاء والشجاعة وكثرة الطرقة. [۱۱۰]. فرمود: پنج خصلت از خصال پیامبران در خروس سفید وجود دارد معرفت به اوقات نماز، غیرت، سخاوت، شجاعت، همخوابی با حلال خود.

در بوی خوش

عن أبي الحسن الرضا عليه السلام: الطيب من اخلاق الانبياء [۱۱۱]. استعمال بوی خوش از اخلاق پیامبران است.

در سنن پیامبران

عن معمر بن خلاد قال سئمت علي بن موسى الرضا ع يقول ثلاث من سنن المرسلين العطر وأخذ الشعر وكثرة الطرقة. [۱۱۲]. فرمود: سه چیز از سنن پیامبران مرسل است. استعمال عطر و کوتاه کردن مو، و نزدیک شدن و هم خوابی با حلال خود. [صفحه ۸۳]

در استعمال بوی خوش

عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: لا ينبغي للرجل أن يدع الطيب في كل يوم فإن لم يقدر عليه فيوم ولا يوم لا فإن لم يقدر ففي كل جمعة ولا يدع ذلك [۱۱۳]. فرمود سزاوار نیست که مرد استعمال بوی خوش را در هر روز ترک کند پس اگر نتوانست پس یک روز در میان اگر نتوانست پس در هر روز جمعه و ترک نکند آنرا

در عقیق

عن الرضا ع قال كان أبو عبد الله ع يقول تختموا بالياقوت فإنها تنفي الفقر. [۱۱۴]. از حضرت رضا منقول است که حضرت صادق (ع) می فرمود انگشتر یاقوت به دست کنید زیرا آن فقر را از بین می برد.

در عقیق

عن البرنظي عن الرضا ع قال: العقيق ينفي الفقر ولبس العقيق ينفي النفاق. [۱۱۵]. فرمود: عقیق فقر و نفاق را از بین می برد. [صفحه ۸۴]

در انگشتر عقیق

عن الرضا ع من أصبح وفي يده خاتم فضة عقيق متختماً به في يده اليمنى - وأصبح من قبل أن يراه أخذ - فقلب فضة إلى باطن كفه - وقرأ أنا أنزلناه إلى آخرها - ثم يقول آمنت بالله وحده لا شريك له وآمنت بسر آل محمد وعلانيتهم وقاه الله في ذلك اليوم شر ما ينزل من السماء وما يعرج فيها وما يلج في الأرض وما يخرج منها وكان في حوز الله وحوز رسول الله صلى الله عليه وآله و

سَلَّمَ حَتَّى يُمَسِّيَ. هر که صبح کند و در دستش انگشتی باشد که نگین آن عقیق است و به انگشت دست راست کرده باشد و پیش از آن که کسی او را ببیند نگینش را برگرداند و بطرف باطن کف دستش و سوره‌ی مبارکه‌ی انا انزلنا را تا آخر بخواند و بعد این دعا را بخواند. آمَنْتُ بِاللَّهِ وَخِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَائِهِمْ خدا او را محافظت می‌کند و نگه می‌دارد در آن روز از شر آن چه از آسمان فرود می‌آید به زمین و آنچه به آسمان بالا می‌رود در آن روز و آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از زمین بیرون می‌آید و می‌باشد در حمایت و حرز خدا و رسول خدا تا شام شود [۱۱۶].

در انگشت عقیق

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَاعَ عَنْ [صفحه ۸۵] نَقْشِ خَاتَمِهِ وَخَاتَمِ أَبِيهِ قَالَ: نَقْشُ خَاتَمِي: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَنَقْشُ خَاتَمِ أَبِي حَسْبِيَ اللَّهُ وَهُوَ الَّذِي كُنْتُ أُخْتِمُ بِهِ. [۱۱۷]. یونس بن عبدالرحمن گفت از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم از نقش انگشترش و انگشت پدرش فرمود: نقش انگشت من، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و نقش انگشت پدرم، حَسْبِيَ اللَّهُ و من آن را نقش انگشترم کردم.

در نیت

قال علی بن موسی الرضا علیه السلام. لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ [۱۱۸]. فرمود: هیچ عملی محقق نمی‌شود مگر با نیت.

در نیت

عن الرضا علیه السلام انه قال: لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ وَلَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ وَلَا نِيَّةَ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ. [۱۱۹]. هیچ قولی درست نیست مگر آنگاه که با عمل همراه باشد. هنرمند بودن بگفتار نیست [صفحه ۸۶] دو صد گفته چون نیم کردار نیست و هیچ عملی تحقق نیابد مگر آنگاه که با نیت همراه باشد و هیچ نیت درست نیست مگر وقتی که با سنت پیغمبرش صلی الله علیه و آله و سلم موافق باشد.

در صلوات

عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ عَنْ الرِّضَاعِ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ كَانَ يَبْدَأُ فِي دُعَائِهِ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ يُكْثِرُ مِنْ ذَلِكَ فِي الصَّلَاةِ وَ غَيْرِهَا. رجاء بن ابی الضحاک روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام در ابتدای دعای خود به صلوات شروع می‌فرمود اکثر اوقات چه در نماز و غیر نماز. در جلد اول وسائل در آداب دعا از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: هر دعائی محبوب است از آسمان یعنی بالا نمی‌رود تا آن که صلوات بر پیغمبر اکرم و آل او فرستاده شود:

معنای ایمان

عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَاعَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ عَنِ الْإِيمَانِ عَقْدُ الْقَلْبِ وَ لَفْظُ الْلِسَانِ وَ عَمَلُ الْجَوَارِحِ لَا يَكُونُ الْإِيمَانُ إِلَّا هَكَذَا. [۱۲۰]. اباصلت هروی گفت از حضرت رضا سؤال کردن معنای ایمان را فرمود: ایمان عبارت است از اعتقاد به قلب و اقرار به زبان و عمل به اعضاء و جوارح [صفحه ۸۷]

در خندیدن لغو

عن الرضا عن ابيه موسى بن جعفر عليهما السلام قال: قال الصادق عليه السلام كَمْ مِمَّنْ كَثُرَ ضَحِكُهُ لَاعِبًا يَكْثُرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بُكَاءُهُ وَ كَمْ مِمَّنْ كَثُرَ بُكَاءُهُ عَلَى ذَنْبِهِ خَائِفًا يَكْثُرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْجَنَّةِ سُورُورُهُ وَ ضَحِكُهُ حضرت رضا از پدرش موسی بن جعفر روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود: چه بسیار کسانی هستند که خنده‌ی لغو و بی‌جهت در دنیا می‌کنند زیاد و در نتیجه در قیامت بسیار گریه خواهند کرد. و چه بسیار کسانی هستند که در دنیا از خوف خدا گریانند بر گناه خود و در قیامت در بهشت خندان و شادی آنان بسیار است. قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا وَ هُوَ ضَاحِكٌ دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكُ [۱۲۱]. یعنی هر کس مرتکب گناهی شود و در آن حال خندان باشد داخل جهنم خواهد شد در حال گریان. و در کلام علی علیه السلام آمده: حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْمَآخِرَةِ وَ مَرَارَةُ الْمَآخِرَةِ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا شیرینی دنیا تلخی آخرت را در دنبال دارد و تلخی دنیا شیرینی آخرت را در پی خواهد داشت. [صفحه ۸۸]

در گناه

قال العباس بن هلال الشامي مولى لابن الحسن قال سَمِعْتُ الرِّضَاعَ يَقُولُ: كُلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أُخِدَتْ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ. [۱۲۲]. حضرت رضا (ع) فرمود: هر وقت بندگان گناهانی را احداث کنند و مرتکب شوند که سابقه نداشته و مردم نمی‌دانستند خداوند برای آنان گرفتاری و بلاهائی احداث فرماید که ندیده و نشنیده بودند. نگارنده گوید مانند استخرهای شنای زن و مرد و میهمانی‌های پسران و دختران با هم بنام پارتی و مسافرت‌های کنار دریا و بی‌شرمی‌های دیگر که متأسفانه مرسوم و متداول شده و در نتیجه هم گرفتاری‌های کمرشکن و طاقت فرسا و بدبختی‌های بزرگ که در تمام شؤون زندگانی به ما رو کرده پناه می‌بریم به خدای متعال.

در تفکر و اندیشه

مُعَمَّرُ بْنُ خَلَّادٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَاعَ يَقُولُ: لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي [صفحه ۸۹] أَمْرٍ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. [۱۲۳]. فرمود: عبادت و بندگی خدای متعال به زیادی نماز و روزه نیست بلکه عبادت تفکر و اندیشه کردن در امر خدای عز و جل می‌باشد. در قرآن کریم و احادیث نبوی و فرمایش ائمه معصومین علیه السلام نظیر کلام فوق زیاد دیده می‌شود. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تفکر ساعة خیر من عبادة ستين سنة يك ساعت فکر کردن بهتر از شصت سال عبادت است.

در دعا کردن برای مؤمنین

عن ابي الحسن الرضا عليه السلام، قال: ما من مؤمن يدعو للمؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات الاحياء منهم و الاموات، الا كتب الله له بكل مؤمن و المؤمنة حسنة، منذ بعث الله آدم الى ان تقوم الساعة. هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که دعا کند برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان از زنده و مرده‌ی آنها مگر آن که خدای تعالی می‌نویسد برای او بعدد هر مؤمن و مؤمنه‌ای حسنه از آغاز بعثت آدم تا قیام قیامت.

در آنچه خدا دشمن می‌دارد

قال الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَ الْقَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ [صفحه ۹۰] وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ. فرمود: خدا دشمن می‌دارد قیل و قال و تلف کردن مال و بسیاری سؤال را.

در بیان اینکه چند نفر ملعون هستند

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام، قال: الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ وَ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ اتَّهَمَ أَخَاهُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَشَّ أَخَاهُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يَنْصَحْ أَخِيهِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ اعْتَابَ أَخَاهُ. فرمود: مؤمن برادر است برای مؤمن و برای پدر و مادرش ملعون است ملعون است کسی که به برادرش تهمت بزند. ملعون است ملعون است کسی که برادرش را بفریبد. ملعون است ملعون است کسی که به برادرش در موقع لزوم و حاجت نصیحت نکند. ملعون است ملعون است کسی که محبوب از برادرش شود. یعنی هنگامی که برای حاجتی به او مراجعه نماید و او خودش را مخفی کند و راه ندهد. ملعون است ملعون است کسی که غیبت برادرش را نماید [۱۲۴]. [صفحه ۹۱]

در ترساندن مسلمان

علی بن موسی الرضا عن آبائه عن علی (ع) قال: لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يُرَوِّعَ مُسْلِمًا [۱۲۵]. جایز نیست برای مسلمان که مسلمانی را بترساند.

در علم

دَاوُدُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنِ ع قَالَ الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ وَ حَسْبُكَ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ تَخْشَى اللَّهَ وَ حَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تُعْجَبَ بِعِلْمِكَ فرمودند: پادشاهان بر مردم حکومت می کنند و علم بر پادشاهان حاکم است و کافی است تو را از علم که از خدای بترسی و کفایت می کند تو را از جهل و نادانی که به سبب علمت دارای صفت ناپسند عجب و خود ستائی شوی. قال الله تعالى: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ حضرت امیر علیه السلام فرموده: أَوْحَشُ الْوَحْشَةِ الْعُجْبُ و نیز فرموده: رَبُّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ

در صدقه و انفاق

عن الرضا علیه السلام انه قال في حديث تصدق بالشيء و إن قل فإن كل شيء يراد به الله و إن قل [صفحه ۹۲] بَعْدَ أَنْ تَصَدَّقَ النَّيُّ فِيهِ عَظِيمٌ [۱۲۶]. ان الله تعالى يقول: فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ فرمود: صدقه بده به چیزی هر چند کم باشد زیرا هر چیزی که خدا اراده شود به آن اگر چه کم باشد بعد از آنکه نیت در آن راست و درست باشد بزرگ است خدای تعالی می فرماید: هر که مثقال ذره ای کار نیک انجام دهد ثمره اش را خواهد دید و هر کس مثقال ذره ای کار بد کند نتیجه اش را مشاهده خواهد کرد. نظیر عبارت فوق در نهج البلاغه است. لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحِزْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ یعنی از دادن چیز کم و اندک خجالت نکش زیرا محروم کردن و ندادن از آن کمتر است. دست ار کرم بعد ز ننگ ما یکی مشوی برگی در آب کشتی صد مور می شود. ۱ - قال الله تعالى: وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ : سوره ی سبا آیه ی ۳۹. هر چه در راه خدا انفاق کنید خدای عوض می دهد برای آن و خداوند بهترین رازقین است. بزرگی بایدت بخشندگی کن که دانه تا نیفشانی نروید سعدی [صفحه ۹۳]

در صدقه

عن صفوان عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: دَخَلَ عَلَيْهِ مَوْلَى لَهُ فَقَالَ لَهُ هَيْلٌ أَنْفَقْتَ الْيَوْمَ شَيْئًا قَالَ لِمَا وَ اللَّهُ فَقَالَ: فَمِنْ أَيْنَ

يُخْلِفُ اللَّهُ عَلَيْنَا أَنْفِقْ وَلَوْ دَرْهَمًا وَاحِدًا [۱۲۷]. صفوان از حضرت رضا (ع) روایت کرده که روزی غلام آن حضرت بر وی داخل شد، حضرت فرمود: آیا امروز چیزی انفاق کردی؟ غلام گفت نه به خدا قسم حضرت فرمود پس از کجا خدا به ما عوض می دهد انفاق کن اگرچه یک درهم باشد.

در صدقه

عن ابی عبد الله ع قال: مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ حِينَ يُضَيِّجُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمَ [۱۲۸]. حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس هنگام صبح صدقه بدهد خدا از وی نحوست آن روز را می برد. قال ابو عبدالله ع: إِنَّ صَدَقَةَ النَّهَارِ تَمِيتُ الْخَطِيئَةَ كَمَا مِيتَ الْمَاءُ الْمِلْحَ وَإِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ حضرت صادق فرمود: صدقه دادن در روز گناه را از بین می برد و مستهلک می کند چنانکه آب نمک را مستهلک می نماید و صدقه دادن در شب آتش خشم پروردگار را خاموش می کند. [صفحه ۹۴] عن ابی جعفر ع قال: عبدالله عابد ثمانین سنه، ثم اشرف على امرأة فوقعت في نفسه، فنزل اليها: فراوردها عن نفسها فتابعته، فلما قضى منها حاجته، طرده ملك الموت واعتقل لسانه، فمر سائل فاشار اليه آن حذر رغيفا كان في كسائه فاحبط الله عمله ثمانين سنه تملك الزنيه و غفر له بذلك الرغيف. [۱۲۹]. حضرت باقر ع فرمود: عابدی هشتاد سال عبادت کرد سپس زنی را دید و جلب توجهش را کرد و به او مراده کرد و بالاخره زنا کرد و بعد از این واقعه ملك الموت شب بر او نازل شد و زبانش را بست که نتواند حرف بزند پس سائلی نزد وی آمد و گذر کرد و این شخص گرده نانی در عبای خود داشت اشاره کرد به سائل که آن نان را بردار و ببر خدا به سبب ارتکاب زنا عبادت هشتاد سال او را حبط کرد و از بین برد و به واسطه این گرده نان که به سائل داد او را آمرزید. قال رسول الله ص: أفضل الأعمال أن تشبع كبدًا جائعًا [۱۳۰]. بهترین صدقه آنست که کبد گرسنه ای را سیر کنی عن ابی عبدالله ع: إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَخْلِفُ بِالْبَرَكَةِ [۱۳۱]. صدقه دادن موجب اداء دین و در عوض موجب برکت می شود. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا شَكَى إِلَيْهِ أَنَّنِي فِي عَشْرَةِ نَفَرٍ مِنَ الْعِيَالِ كُلُّهُمْ مَرِيضٌ، فَقَالَ لَهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: [صفحه ۹۵] دَاوَاهُمْ بِالصَّدَقَةِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعُ إِجَابَةً مِنَ الصَّدَقَةِ وَلَا أَجْدَى مَنَفَعَةً لِلْمَرِيضِ مِنَ الصَّدَقَةِ. [۱۳۲]. از حضرت موسی بن جعفر ع روایت شده که مردی شکایت کرد به آن حضرت که من دارای ده نفر عائله هستم همه مریضند پس حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: مداوا کن آنها را به صدقه دادن هیچ چیز سریع تر از صدقه دادن اجابت نمی شود و هیچ چیز از صدقه دادن سودمند تر نیست. عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال: إِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ تَمْحُو الذَّنْبَ الْعَظِيمَ وَ تَهْوُنُ الْحِسَابَ وَ صَدَقَةُ النَّهَارِ تُثَمِّرُ الْمَالَ وَ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ [۱۳۳]. حضرت صادق (ع) فرمود: صدقه دادن در شب خشم خدا را خاموش می کند و گناه بزرگ را محو می کند و حساب را آسان می گرداند و صدقه دادن در روز مال را زیاد می کند و بر عمر می افزاید.

در بیان اینکه ابراهیم خلیل هیچ سائلی را رد نکرد

عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال: إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِأَنَّهُ لَمْ يَرُدَّ أَحَدًا وَ لَمْ يَسْأَلْ أَحَدًا قَطُّ غَيْرَ اللَّهِ تَعَالَى فرمود خداوند ابراهیم را خلیل خود کرد برای آن که او هیچگاه سائلی را محروم و رد نکرد و به جز خدا از احدی حاجتی نخواست [۱۳۴].

در صدقه

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِ قَالَ [صفحه ۹۶] ظَهَرَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ قَحْطٌ شَدِيدٌ سِتْنِينَ مُتَوَاتِرَةً وَ كَانَ عِنْدَ امْرَأَةٍ لُقْمَةٌ مِنْ خُبْزٍ فَوَضَعَتْهَا فِي فَمِهَا لِتَأْكُلَهُ فَتَادَى السَّائِلُ يَا أُمِّيَّةَ اللَّهِ الْجُوعُ فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ أَتَصَدَّقُ فِي مِثْلِ هَذَا الزَّمَانِ فَأَخْرَجَتْهَا مِنْ فِيهَا وَ دَفَعَتْهُ إِلَى السَّائِلِ وَ كَانَ لَهَا وَلَدٌ صَغِيرٌ يَحْتَطِبُ فِي الصَّخْرَاءِ فَجَاءَهُ الذُّبُّ فَحَمَلَهُ فَوَقَعَتِ الصَّيْحَةُ فَعِيدَتِ الْأُمُّ فِي أَثَرِ الذُّبِّ فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَبْرَائِيلَ ع فَأَخْرَجَ

الْغَلَامَ مِنْ فَمِ الذُّبِّ فَدَفَعَهُ إِلَى أُمِّهِ وَقَالَ لَهَا جَبْرِئِيلُ يَا أُمِّيَةُ اللَّهُ أَرْضَيْتِ لُقْمَةً بِلُقْمَةٍ [۱۳۵]. حضرت رضاع فرمود: در بنی اسرائیل چندین سال متوالی قحطی شدیدی پیش آمد و یک زن لقمه‌ی نانی داشت آن را در دهان گذاشت که بخورد در این اثناء سائلی صدا کرد ای زن گرسنگی مرا از پا در آورد زن با خود گفت در این موقع مناسب است صدقه بدهم آن لقمه را از دهانش بیرون آورد و به آن سائل داد و آن زن پسر کوچکی داشت که در صحرا هیزم جمع می‌کرد در آن موقع گرگی آمد و او را برد، پسر بچه ناله‌ای کرد و مادر دنبال گرگ دوید پس خدای سبحان جبرئیل را فرستاد و پسر بچه را از دهان گرگ بیرون آورد و به مادرش داد سپس جبرئیل به آن مادر گفت ای زن (کنیز خدا) آیا راضی شدی به این لقمه در برابر آن لقمه که به سائل دادی؟ احادیث معتبره در دادن صدقه بسیار است از جمله‌ی آنها. قال النبی ص: [صفحه ۹۷] [خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَ ذَخَائِرُهُ الصَّدَقَةُ] [۱۳۶]. بهترین مال مرد و اندوخته‌های وی صدقه است. و قال صلی الله علیه و آله و سلم (دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ) [۱۳۷]. بیمارانتان را مداوا کنید با صدقه دادن. و قال صلی الله علیه و آله و سلم: (الصَّدَقَةُ تَدْفَعُ مِيتَةَ السَّوْءِ). صدقه دادن مرگ بد را دفع می‌کند و جلوگیری می‌کند. و قال صلی الله علیه و آله و سلم: تَصَدَّقُوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً فَتَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ [۱۳۸]. صدقه بدهید زیرا صدقه دادن مال را زیاد می‌کند. بزرگی خواهی از بخشندگی کن که دانه تا نیفشانی نرود و قال صلی الله علیه و آله و سلم: (اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ) (روزِی را به وسیله صدقه دادن طلب کنید و فرود آورید. و قال صلی الله علیه و آله و سلم: (بَاكِرُوا بِالصَّدَقَةِ فَمَنْ بَاكَرَ بِهَا لَمْ يَتَخَطَّاهُ الْبَلَاءُ) [۱۳۹]. صبح زود صدقه بدهید هر کس صبح کند با صدقه دادن بلا بر او وارد نشود قال علی علیه السلام: (الصَّدَقَةُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ). صدقه دادن سپر آتش جهنم است. [صفحه ۹۸] و فرمود: اذا املقتم فتاجروا الله بالصَّدَقَةِ [۱۴۰]. هر گاه در مضیقه‌ی فقر واقع شدید به وسیله صدقه دادن با خدا معامله کنید. و فرمود: الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجٍ صَدَقَةَ دَاوِی مُؤَثِّرٌ وَ پیروزی بخش است. و فرمود: سُوِّسُوا إِيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ اذْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالْإِعْدَاءِ [۱۴۱]. نگه دارید و محافظت کنید ایمانتان را با صدقه دادن و نگه‌داری کنید از مال‌ها تان به زکوة دادن و دفع کنید موجهای بلا را از خود به دعا کردن. عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ كَذَلِكَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ فِي السَّرِّ أَفْضَلُ مِنْهَا فِي الْعَلَانِيَةِ [۱۴۲]. عمار ساباطی گفت امام صادق (ع) بمن فرمود: ای عمار صدقه دادن در خفاء به خدا قسم بهتر است از صدقه دادن آشکارا و همین طور به خدا سوگند عبادت مخفی بهتر است از عبادت علنی. عن ابی عبدالله (ع) قال: صَدَقَةُ الْعَلَانِيَةِ تَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ صَدَقَةُ السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ [صفحه ۹۹] حضرت صادق (ع) فرمود: صدقه دادن آشکارا دفع می‌کند هفتاد بلا را و صدقه دادن در خفاء خاموش می‌کند خشم خدا را. محمد بن علی بن الحسین ع قال: لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُحْتَاجٌ [۱۴۳]. یعنی صدقه دادن به دیگری درست نیست در صورتی که یکی از ارحام صدقه دهنده محتاج است. عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سَيَّلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم أَى الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم عَلَى ذِي الرَّحِمِ الْكَاشِحِ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند کدام صدقه افضل است؟ فرمود: صدقه بر خویشاوندی که کینه‌ی شخص صدقه دهنده را در دل داشته باشد. قال ابو عبدالله علیه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ هِيَ تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ الْعَبْدِ [۱۴۴]. اقول قال الله تعالى: أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ حضرت صادق (ع) فرمود: نیست چیزی سنگین‌تر بر شیطان از صدقه دادن به مؤمن و آن صدقه به دست پرودگار می‌رسد پیش از آن که در دست بنده واقع شود. [صفحه ۱۰۰] در دو روایت فوق آیه‌ی مبارکه (أَلَمْ يَعْلَمُوا ...) می‌باشد. قال ابو جعفر فی حدیث. لَوْ يَعْلَمُ الْمُعْطَى مَا فِي الْعَطِيَّةِ مَا رَدَّ أَحَدٌ أَحَدًا [۱۴۵]. حضرت باقر فرمود: اگر بداند دهنده‌ی صدقه چه فایده‌ی هائی در صدقه دادن می‌باشد جواب رد نمی‌دهد هیچ کس به سائل. عن علی علیه السلام: فِي الرَّجُلِ يَخْرُجُ بِالصَّدَقَةِ لِيُعْطِيَهَا السَّائِلَ فَيَجِدُهُ قَدْ ذَهَبَ قَالَ ع فَلْيُعْطِهَا غَيْرَهُ وَ لَا يَرُدَّهَا فِي مَالِهِ [۱۴۶]. از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است. درباره‌ی مردی که از خانه یا محل کارش خارج می‌شود که پولی یا چیزی دیگری را به سائل بدهد پس می‌بیند آن سائل رفته است فرمود: آن را به سائل دیگری بدهد و در مال خودش وارد نکند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا تَقَعُ صَدَقَةُ الْمُؤْمِنِ فِي يَدِ السَّائِلِ حَتَّى تَقَعَ فِي يَدِ اللَّهِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ [۱۴۷]. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: صدقه‌ی مؤمن در دست سائل واقع نمی‌شود تا این که اول به دست خدا واقع می‌شود بعد آیه مزبور را تلاوت فرمودند. احمد بن فهد فی عده الداعی قال: كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ع يَقْبَلُ يَدَهُ عِنْدَ الصَّدَقَةِ وَفَقِيلَ لَهُ [فِي ذَلِكَ فَقَالَ ع إِنَّهَا تَقَعُ فِي يَدِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي [صفحه ۱۰۱] يَدِ السَّائِلِ. [۱۴۸]. ابن فهد در کتاب عده‌ی الداعی روایت کرده که حضرت زین العابدین علیه السلام هنگامی که صدقه می‌داد دست خودش را می‌بوسید، پس از حضرت علت را پرسیدند فرمود صدقه در دست خدا واقع می‌شود پیش از آن که بدست سائل برسد. احمد بن فهد عده الداعی: عن الصادق عليه السلام قال: من سئل من غير فقر، فكانما يأكل الخمر حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس از مردم چیزی بخواهد و سؤال کند و فقیر و محتاج نباشد مثل آنست که شراب بخورد (یعنی حرام است) و قال عليه السلام مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَحَسَّ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْفَقْرِ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ [۱۴۹]. حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس بدون احتیاج سؤال و گدائی کند خدا بروی او هفتاد در فقر را می‌گشاید که هیچ چیز آن را سد نمی‌کند. قال ابو عبد الله عليه السلام: ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرَكِّبُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ الدُّيُوثُ مِنَ الرِّجْلِ وَالْفَاحِشُ الْمُتَفَحِّشُ وَالَّذِي يَسْأَلُ النَّاسَ بظَهْرٍ غَنِيٍّ. [۱۵۰]. حضرت صادق (ع) فرمود: سه نفر مورد لطف و عنایت و نظر پروردگار در قیامت واقع نمی‌شوند و خدا [صفحه ۱۰۲] آنان را تزکیه نمی‌فرماید و برای آنهاست عذاب دردناک مرد دیوث و شخص فحاش و کسی که با داشتن مال گدائی کند. قال علی (ع) وَجْهُكَ مِاءٌ جَامِدٌ يَقَطُّرُهُ السُّؤَالُ فَانْظُرْ عِنْدَ مَنْ تُقَطِّرُهُ. یعنی روی تو آب منجمد است سؤال کردن آن را مانند قطره می‌ریزد پس بنگر که نزد چه کسی آن را قطره قطره می‌ریزی. دست طمع به سوی کسان می‌کنی دراز پل بسته‌ای که بگذری از ابروی خویش قال النبی ص: شَهَادَةُ الَّذِي يَسْأَلُ فِي كَفِّهِ تُرَدُّ. [۱۵۱]. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شهادت سائل بکف مردود است. قال ابو عبد الله ع: لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا عَلَيْهِ مِنَ الْوِزْرِ مَا سَأَلَ أَحَدًا أَحَدًا وَلَوْ يَعْلَمُ الْمَسْئُولُ مَا عَلَيْهِ إِذَا مَنَعَ مَا مَنَعَ أَحَدًا أَحَدًا. [۱۵۲]. حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر بداند سائل (گدائی کننده) که چه وزر و وبالی به واسطه گدائی کردن بر او رو می‌کند هیچ کس گدائی نمی‌کند. و اگر بداند مسئول (آنکه از او چیزی خواسته‌اند) که جواب رد دادن به سائل چه ضررهائی دارد احدی جواب رد به کس نمی‌دهد

قول عیسی بن مریم

معمر بن خلاد قال كان ابو الحسن الرضا عليه السلام اذا اكل [صفحه ۱۰۳] أَتَى بِصِخْفَةٍ فَتَوَضَّعَ بِقُرْبِ مَائِدَتِهِ فَيَعْمِدُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَى بِهِ فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ شَيْئًا فَيَضَعُ فِي تِلْكَ الصَّخْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ ثُمَّ يَتْلُو هَذِهِ آيَةَ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ - ثُمَّ قَالَ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ يَقْدِرُ عَلَى عِتْقِ رَقَبَةٍ فَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ. معمر بن خلاد گفت حضرت رضا علیه السلام وقتی غذا میل می‌فرمود قدحی می‌آوردند نزد سفره‌ی ایشان می‌گذاشتند پس به بهترین غذاهائی که آورده بودند می‌نگریست و از هر کدام مقداری برمی‌داشت و در آن قدح می‌ریخت سپس دستور می‌دادند به فقراء بدهند بعد این آیه را تلاوت می‌کرد: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» بعد فرمود خدا دانسته است که همه‌ی مردم نمی‌توانند بنده آزاد کنند پس برای آنان راهی به سوی بهشت قرار داده است.

در سفارشات عیسی بن مریم به حواریون

عن الرضا عليه السلام قال: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُكُمْ كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ. از حضرت رضا (ع) روایت شده که عیسی بن مریم به حواریین فرمود ای

بنی اسرائیل محزون نشوید برای آنچه از مال دنیا از دست شما رفته در صورتی که دین شما سالم است. چنانکه اهل دنیا هر گاه دنیا شان سالم و مرتب باشد برای آنچه از دینشان فوت شده و از دستشان رفته اندوه نمی خورند. [صفحه ۱۰۴]

در ریاء

قال الرضا عليه السلام: (صديق كل امرء عقله و عدوه جهله) [۱۵۳]. دوست هر مردی عقل او است و دشمنش جهل او است محمد بن عرفه قال: قال الرضا عليه السلام: ويحك يا بن عرفه، اعملوا لغير رياء و لا سمعه، فانه ويحك يا ابن عرفه اعملوا لغير رياء و لا سمعه فانه من عمل لغير الله و كله الله إلى ما عمل ويحك ما عمل أحد عملاً إلا رذاه الله إن خيراً فخير و إن شراً فشر. [۱۵۴]. محمد بن عرفه گفت: حضرت رضا به من فرمود: وای بر تو ای پسر عرفه عملی کنی که در آن ریا نباشد و به منظور شنیدن مردم انجام نشده باشد زیرا هر کس برای غیر خدا عمل کند خدا او را و می گذارد به آن کس که برای او عمل کرده (یعنی خدا مهمات وی را کفایت نمی کند.) وای بر تو کسی عملی نکرد مگر آنکه خدا او را به آن عمل برگردانید اگر خوب بود خوب اگر بد بود بد خواهد دید. در گه خلق همه زرق و فریست و هوس رو به درگاه خداوند جهان آور و بس هر که نام کسی یافت از آن در گه یافت ای برادر کس او باش و میندیش ز کس [صفحه ۱۰۵]

در سلام بر فقیر

عن علي بن موسى الرضا عليه السلام قال: مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَلَسَلَّمَ عَلَيْهِ خَلَّافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ. [۱۵۵]. حضرت رضا (ع) فرمود: هر کس با فقیر مسلمانی برخورد کند و بر او سلام کند برخلاف سلامی که به شخص توانگر می نماید یعنی با بی اعتنائی خدای عز و جل را در قیامت ملاقات کند در حالی که بر او خشمگین است. در اصول کافی از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: مرد توانگری که لباس پاکیزه ای در برداشت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و نزد آن حضرت نشست، پس از آن مرد تهی دست و فقیری که لباس چرکینی در برداشت وارد شد و نزد مرد توانگر نشست، شخص توانگر جامه های خود را که مقداری از آن زیر زانوی مرد فقیر واقع شده بود بیرون کشید و جمع کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (برای تهذیب اخلاق آن مرد توانگر) به او فرمود: ترسیدی که از فقر و تهی دستی او چیزی به تو برسد؟ عرض کرد نه، فرمود ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد گفت نه، فرمود پس ترسیدی که لباسهای تو (در این مدت کم چرکین شود؟ عرض کرد نه، فرمود پس چه واداشت تو را بر آنچه به جا آوردی؟ عرض کرد ای رسول خدا برای من یار بدی است که جلوه می دهد برای من هر عمل زشتی را و زشت می گرداند در نظر من هر چیز خوبی را. و قرار دادم برای او نصف مالم را (برای اهانتی که به او شد) رسول خدا بمرد فقیر فرمود: آیا قبول می کنی؟ عرض کرد نه مرد توانگر گفت برای چه قبول [صفحه ۱۰۶]

نمی کنی. گفت می ترسم که داخل شود بر من آنچه بر تو داخل شده است (از عجب و خودخواهی). فی الکافی عن ابی عبد الله ع جاء رجلٌ مؤسّرٌ إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فجلس إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فجاء رجلٌ مُعسّرٌ درن الثوب فجلس إلى جنب المؤسّر فقبض المؤسّر ثيابه من تحت فخذه فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أ خفت أن يمسك من فقره شيء؟ قال لا! قال: فخفت أن يصيبه من غناك شيء؟ قال لا! قال فخفت أن يؤسخ ثيابك؟ قال: لا! قال فما حملك على ما صنعت؟ فقال: يا رسول الله إن لي قريباً يزيرني لي كل قبيح و يقبح لي كل حسن و قد جعلت له نصف مالي. فقال: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم للمُعسّر أ تقبل؟ قال: لا! فقال له الرجل: و لِمَ؟ قال أخاف أن يدخلني ما دخلك. فی اصول الکافی ایضا عن ابی عبد الله ع قال: إن فقراء المسلمين يتقلبون في رياض الجنة قبل أغنيائهم بأربعين خريفاً ثم قال سأضرب لك مثل ذلك إنمّا مثل ذلك مثل سيفين مَرَّ بهما على عاشر فنظر في إحداهما فلم ير فيها شيئاً فقال أسربوها و نظر في الأخرى فإذا هي

مَوْقُورُهُ فَقَالَ أَحْسِنُوهَا. در اصول کافی از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: فقراء مسلمانان گردش و تفرج خواهند نمود در باغهای بهشت چهل سال پیش از توانگران، سپس فرمود: مثل غنی و فقیر مثل دو کشتی است که آنها را از جلو [صفحه ۱۰۷] باجگیری بگذارند در یکی از آنها نظر کند و چیزی از اموال در آن نیابد پس گوید آن را رها کنید و به آن دیگری نظر کند در حالی که پر از اجناس است پس گوید آن را بازداشت کنید که رسیدگی شود. در مجمع البحرین حدیث این طور نقل شده از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: فَقَرَاءُ أُمْتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ قَبِيلَ الْأَعْتِيَاءِ بِأَرْبَعِينَ خَرِيفًا [۱۵۶]. فقراء امت من داخل بهشت خواهند شد چهل سال پیش از توانگران.

در همسایه مودی

عن الرضا عن آبائه قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَا كَانَ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ لَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ. یعنی پیوسته برای مؤمن همسایه‌ای باشد که وی را آزار رساند.

زنده بودن حضرت خضر

قال علي موسى الرضا عليه السلام إِنَّ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاءِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ، وَإِنَّهُ لَيَأْتِينَا، فَيَسْلِمُ عَلَيْنَا، فَتَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ لَا تَرَى شَخْصَهُ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ حَيْثُ مَا ذَكَرَ فَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْكُمْ فَلْيَسَلِّمْ عَلَيْهِ [۱۵۷]. فرمود همانا خضر از آب زندگی آشامید و او زنده است و نمی‌میرد تا نفخه‌ی صور (قیامت) و او می‌آید نزد ما و بر ما سلام می‌کند و صوتش را می‌شنویم و لکن شخص او را نمی‌بینیم و او هر جا اسمش ذکر شود حاضر می‌شود و هر کس از شما نام وی را به زبان ذکر کند باید بر او سلام کند. [صفحه ۱۰۸]

صادق الوعد

عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: أَ تَذَرِي لِمَ سَمِّيَ إِسْمَاعِيلُ صَادِقَ الْوَعْدِ قُلْتُ: لَا أَدْرِي قَالَ وَعِدَ رَجُلًا فَجَلَسَ لَهُ حَوْلًا يَنْتَظِرُهُ. [۱۵۸]. از حضرت رضا (ع) روایت شده که فرموده: آیا می‌دانی چرا اسماعیل به صادق الوعد نامیده شد. (در قرآن کریم) راوی می‌گوید گفتم نه فرمود: با مردی وعده گذاشت و برای وفای به وعده‌ی خود یک سال منتظر نشست (در محل وعده و رفیقش فراموش کرده بود و تا یک سال از آن جا عبور نکرد.)

در عفو

قال الرضا في قول الله عز وجل: فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ الْعَفْوُ مِنْ غَيْرِ عِتَابٍ [۱۵۹]. حضرت رضا علیه السلام در تفسیر آیه‌ی مبارکه فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (پس عفو کن عفو نیکو) فرمود یعنی بخشودن بدون عتاب و خطاب و سخن درشت گفتن.

دوستی برای رضای خدا

محمد بن زید قال سمعت الرضا عليه السلام يقول: مَنْ اسْتَفَادَ أَخَا فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اسْتَفَادَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. [۱۶۰]. فرمود هر کس برادر و دوستی برای رضای خدا اختیار کند برای خود و خانه‌ای در بهشت خواهد داشت. [صفحه ۱۰۹]

عرضه اعمال بندگان بر رسول خدا

عن الوشا قال سمعت الرضا عليه السلام يقول: إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَبْرَارُهَا وَفُجَّارُهَا [۱۶۱].
فرمود: اعمال بندگان چه خوب و چه بد بر رسول خدا عرضه خواهد شد.

عرضه اعمال

عبدالله ابان قال قلت للرضا عليه السلام: ادْعُ اللَّهَ لِي وَلِمَوَالِيكَ فَقَالَ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِضُ أَعْمَالَهُمْ عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ خَمِيسٍ [۱۶۲].
عبدالله ابان گفت به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم دعا کن برای من و بندگان فرمود به خدا قسم هر پنجشنبه اعمال آنها را بر خدا عرضه می دارم.

در نیکوکاران

عن الرضا عن آبائه آن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: إِنَّمَا سُمِّيَ الْأَبْرَارُ أَبْرَارًا لِأَنَّهُمْ بَرُّوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ وَالْإِخْوَانَ. [۱۶۳].
فرمود نیکوکاران بدین جهت نیکو کار نامیده شده اند که به پدران و فرزندان و برادران خوبی کردند. [صفحه ۱۱۰]

در قناعت

محمد بن عرفة ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: مَنْ لَمْ يُقْنِعْهُ مِنَ الرِّزْقِ إِلَّا الْكَثِيرُ لَمْ يَكْفِهِ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا الْكَثِيرُ وَمَنْ كَفَاهُ مِنَ الرِّزْقِ الْقَلِيلُ فَإِنَّهُ يَكْفِيهِ مِنَ الْعَمَلِ الْقَلِيلُ. [۱۶۴]. خلاصه معنی هر کس روزی کم او را قانع نکرد عمل کم هم او را کافی نیست و هر که به روزی کم قانع شد عمل کم برای او کافی خواهد بود. خدا را نترسید و طاعت نکرد که بر بخت و روزی قناعت نکرد باید با زبان عجز و لابه و تضرع و استغاثه این دعا را خواند يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيُسِيرَ وَيَغْفُو عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلْ مِنِّي الْيُسِيرَ وَاغْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ

در کسی که خود را به عبادت مشهور کند

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام، قال: من شهر نفسه بالعبادة، فاتموه على دينه، فان الله عز وجل يكره شهرة العبادة و شهرة لباس، ثم قال ان الله عز وجل انما فرض على الناس في اليوم و الليلة سبع عشر ركعة، من اتى بها لم يستله الله عما سواها و انما اضاف اليها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ليختم النوافل ما يقع فيها من النقصان و ان الله لا يعذب على كثرة الصلاة و الصوم ولكنه يعذل على خلاف السنة [۱۶۵]. هر که خودش را مشهور به عبادت کرد پس وی را مورد تهمت بدانید بر دینش [صفحه ۱۱۱] زیرا خدای عز و جل شهرت در عبادت و لباس شهرت را مکروه دارد و دوست ندارد سپس فرمود: خدای عز و جل فقط بر مردم در شبانه روز هفده رکعت نماز واجب کرد هر که آن را انجام داد از چیز دیگر مورد مؤاخذه و پرسش واقع نمی شود و رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نوافل را بر آنها افزود برای آن که چنانچه نقصانی در آنها روی داد به وسیله نوافل کامل شود و خداوند بر زیادی نماز و روزه عذاب نمی کند و لکن عذاب می فرماید آن را که برخلاف سنت عمل کرده.

در بیماری

عن الرضا عليه السلام: قَالَ الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَلَعْنَةٌ وَإِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ. [۱۶۶]. فرمود بیماری برای مؤمن موجب پاک شدن از گناه و رحمت است و برای کافر عذاب و لعنه است و پیوسته مرض برای مؤمن می ماند تا اینکه بر او گناهی نباشد.

در خمیازه و عطسه

عن البرنطی قال سمعت الرضا علیه السلام يقول: التَّائِبُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْعَطِيسُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ [۱۶۷]. فرمود: خمیازه کشیدن از شیطان و عطسه نمودن از خدای عز و جل است.

در دعا کردن

محمد بن خلف عن الوشا عن الرضا علیه السلام: فی حدیث قال: إِذَا مَرَضَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْذَنْ لِلنَّاسِ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ [صفحه ۱۱۲] لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَلَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ. ثُمَّ قَالَ عَ أَتَدْرِي مِنَ النَّاسِ [۱۶۸]. قُلْتُ أُمُّهُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ النَّاسُ هُمْ شَيْعَتُنَا. محمد بن خلف از وشا از حضرت رضا در حدیثی روایت کرد که فرمود: چون یکی از شما بیمار شد باید به مردم اذن دهد بر او وارد شوند زیرا هیچ کس نیست مگر آنکه برای او دعای مستجابی هست. سپس فرمود: آیا می‌دانی منظور از مردم کیست؟ گفتم: امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود منظور از مردم آنها شیعیان مایند. معروف کرخی در کوچه ای عبور می‌کرد دید سقائی می‌گوید خدای رحمت کند هر کس را که از این آب بیاشامد، معروف جلو رفت و آشامید و روزه‌دار بود و به روزه‌ی مستحبی همراهان وی به او گفتند مگر تو روزه نبودی گفت بلی روزه بودم ولیکن امیدوارم دعای او درباره‌ی من مستجاب شود [۱۶۹]. ابراهیم اطروش نقل کرده که: روزی معروف کرخی با یارانش نشسته بود کنار دجله‌ی بغداد در آن اثناء جمعی از جوانان در زورقی از آنجا گذر کردند که مشغول لهو و لعب و شرب و خمر و عربده کشیدن بودند یکی از اصحاب معروف به او گفت آیا نمی‌بینی اینان چگونه در روی آی نافرمانی و معصیت خدا را می‌کنند نفرین کن درباره‌ی آنها معروف دست به دعا برداشت و گفت بارالها همین طور که اینها در دنیا شاد و خوشحال هستند از ذات مقدس تو درخواست می‌کنم که در آخرت هم خوشحال و مسرور شان بفرما، آن شخص گفت من گفتم نفرین کن آنها را نه آن که دعا کن معروف در جواب گفت وقتی خدا آنان را در آخرت شاد و مسرور کند آنها را در دنیا موفق به توبه می‌کند و برای شما ضرری ندارد [۱۷۰]. سعدی گوید: شنیدم که مردان راه خدا دل دشمنان را نکردند تنگ تو را کی میسر شود این مقام که با دوستانت خلافت و جنگ

در سخاوت

عن یاسر الخادم: عن ابی الحسن الرضا علیه السلام، قال: السَّخِيُّ يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَالبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِنَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ. [۱۷۱]. آدم سخی غذای مردم را می‌خورد تا غذایش را بخورند و آدم بخیل از غذای مردم نمی‌خورد تا از غذایش نخورند. عن موسی بن جعفر علیه السلام قال: السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ وَقَالَ اِيضًا: السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ. [۱۷۲]. فرمود: شخص با سخاوت به خدا نزدیک و به بهشت نزدیک و به مردم نزدیک است. و نیز فرمود: سخاوت درختی است در بهشت کسی که بگیرد شاخه‌ای از شاخه‌های آن را وارد بهشت می‌شود (یعنی سخاوت دارای مراتبی است هر کس مرتبه‌ای از آن را دارا شد وارد بهشت خواهد شد. فی الوسائل عن ابی عبدالله (ع) قال: شَابُّ سَخِيٍّ مُرَهَّقٌ فِي الذُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ [صفحه ۱۱۴] جوان با سخاوتی که در گناهان فرو رفته نزد خدا محبوبتر است از پیرمرد عبادت کننده که دارای صفت بخل باشد. عن ابی عبدالله ع قال: أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُهُمْ إِيْمَانًا قَالَ أَبْنَىٰ طَهُمُ كَفًا. از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود شخصی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، کدامیک از مردم ایمانشان افضل و برتر است فرمود: آنکه از دیگران دست بازتر است و بذل و بخشش بیشتر می‌کند.

شکر نعمت

ابراهیم بن ابی محمود قال سمعت الرضا ع يقول مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. هر که حق سپاس نعمت مخلوق را بجای نیاورد سپاس خدای را به جای نیاورده.

امر به معروف

محمد بن عرفة قال سمعت اباالحسن الرضا ع يقول لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْـَٔلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسِـَٔلُكَ جَابُ لَهُمْ. البته امر به معروف و نهی از منکر بکنید و گرنه بر شما حکومت خواهد کرد و عامل خواهد شد بد های شما سپس خوبان شما دعا می کنند و مستجاب [صفحه ۱۱۵] نخواهد شد. و در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نظیر این عبادت آمده است.

روشن کردن چراغ

قال الرضا ع: اسراج السراج ان يغيب الشمس ينفي الفقر [۱۷۳]. فرمود: روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب فقر را می برد.

دعا برای یهود و نصارا

عن ابی الحسن الرضا ع قال: قيل لابی عبدالله علیه السلام: كيف ادعو لليهودی و النصرانی؟ قال: تقول بارک الله لك فی دیناک [۱۷۴]. از حضرت رضا روایت شده شخصی به حضرت صادق عرض کرد برای یهود و نصاری چطور دعا کنم؟ فرمود بگو. خدا به دنیای تو برکت دهد.

انتظار فرج

عن الرضا علیه السلام قال: ما احسن الصبر و انتظار الفرّج اما سمعت قول الله عز و جل: و انتظروا انی معکم من المنتظرین، فعلیکم بالصبر فانه انما یجینی الفرّج علی الیأس، فقد کان الدین من قبلکم اصبر منکم [۱۷۵]. [صفحه ۱۱۶] چه نیکوست صبر کردن و انتظار فرج کشیدن آیا نشنیدی خدای تعالی فرمود: فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعُکُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِینَ پس بر شما باد به صبر کردن زیرا فرج با نومیدی حاصل می شود و آنهایی که پیش از شما بودند از شما صابر تر بودند.

دوستی

عن علی بن موسی الرضا ع عن آبائه عن امیرالمؤمنین ع انه قال، أَحَبُّ حَبِيبِكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَعْصِيَكَ يَوْمًا مَا وَ أَبْغَضُ بَغِيضِكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا. [۱۷۶]. حضرت علی بن موسی الرضا از پدران خود از امیرالمؤمنین ع روایت کرده که فرمود: دوست را دوست بدار به طور معتدل نه به حد افراط زیرا ممکن است روزی با تو دشمن شود و با دشمن نیز دشمنی کن به طور معتدل زیرا ممکن است روزی با تو دوست شود.

تشبیه خدا

یاسر الخادم قال: سمعت اباالحسن علی بن موسی الرضا ع يقول: مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَافِرٌ

[۱۷۷]. فرمود: هر که خدا را به مخلوقش تشبیه کند او مشرک است و هر که به خدا [صفحه ۱۱۷] نسبت دهد چیزی را که از آن نهی شده کافر است:

توحيد

عبدالعزیز المہتدی قال سألت الرضا عليه السلام عن التوحيد فقال: كُلُّ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آمَنَ بِهَا فَقَدْ عَرَفَ التَّوْحِيدَ قُلْتُ كَيْفَ يَقْرَؤُهَا قَالَ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ وَ زَادَ فِيهِ كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي [۱۷۸]. عبدالعزیز بن المہتدی گفت سؤال کردم از حضرت رضا از توحید فرمود هر کس سوره‌ی قل هو الله احد را بخواند و به آن ایمان بیاورد بطور یقین توحید را شناخته است. گفتم چگونه بخوانیم آن را؟ فرمود همانطوری که مردم می‌خوانند و زیاد کرد بر آن گفتن کذلک الله ربی سه دفعه.

در فضیلت حج و عمره

عن الرضا عليه السلام قال: إِنَّ الْحِجَّ وَالْعُمْرَةَ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ الْخَبَثَ مِنَ الْحَدِيدِ. [١٧٩]. فرمود: عمل حج و عمره نیست می کند فقر و گناهان را همچنانکه کوره‌ی آهن‌گری زنگار آهن را از بین می‌برد.

در فضیلت آیه الكرسي

ابراهيم بن مهزم عن رجل سمع ابا الحسن الرضا عليه السلام [صفحه ۱۱۸] يقول: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عِنْدَ مَنَامِهِ لَمْ يَخَفِ الْفَالَجَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ مَنْ قَرَأَهَا مِنْ قِرَاءَةِ آيَةِ الْكُرْسِيِّ عِنْدَ مَنَامِهِ لَمْ يَخَفِ الْفَالَجَ انشاء الله و من قراها بعد كُلِّ صَلَاةٍ لَمْ يَضُرَّهُ دُوْحُمُهُ [۱۸۰]. فرمود: هر کس آیه الکرسی را موقع خواب بخواند از مرض فلج باک نداشته به خواست خدا و هر که آن را بعد از هر نماز بخواند زیان به او نخواهد رسانید صاحب سم.

در برکت

عن الرضا عليه السلام قال: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِذَا أُطِغَتْ رَضِيَّتُ وَ إِذَا رَضِيَّتُ بَارَكْتُ وَ لَيْسَ لِبِرْكَتِي نِهَائَةٌ وَ إِذَا عَصِيْتُ غَضِبْتُ وَ إِذَا غَضِبْتُ لَعَنْتُ وَ لَعْنَتِي تَبْلُغُ السَّابِعَ مِنَ الْوَرَاءِ [١٨١]. فرمود خدا بیکی از پیمبران وحی فرمود: هرگاه اطاعت کنی من خشنود می شوم و چون خوشنود شدم برکت می دهم و نیست برای برکت من پایانی و چون معصیت کنی خشمگین شوم و چون خشمگین شوم لعن و طرد می کنم و لعنت من تا پشت هفتم از فرزند خواهد رسید.

بسم الله گنج در قرآن

عن علی بن اسباط قال سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام یقول: کان فی الکثر الذی قال الله: و کان تحته کثر لهما کان فیه [صفحه ۱۱۹] بسم الله الرحمن الرحیم عجت لمن ایقن بالموت کیف یفرح و عجت لمن ایقن بالقدر کیف یحزن. الحدیث [۱۸۲]. حضرت رضا (ع) فرمود گنجی که خدا در قرآن فرموده: و کان تحته کثر لهما در آن بود بسم الله الرحمن الرحیم عجب دارم برای کسی که یقین به مرگ دارد چگونه شاد می شود، و عجب دارم برای کسی که به قضا و قدر یقین دارد چگونه اندوهناک می شود.

توکل

الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ قَالَ سَأَلْتُ الرِّضَاعَ فَقُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا حَيْدُ التَّوَكُّلِ فَقَالَ لِي أَنْ لِمَا تَخَافُ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا قَالَ قُلْتُ فَمَا حَدُّ التَّوَاضُّعِ؟ قَالَ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُعْطُوكَ مِثْلَهُ. قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَشْتَهِي أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ فَقَالَ انْظُرْ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ [۱۸۳]. حسن بن جهم گفت از حضرت رضاع سؤال کردم، گفتم فدایت شوم حد و اندازه‌ی توکل چیست؟ فرمود: اینکه با خدا از احدی ترسی گفتم فدایت شوم اندازه‌ی تواضع چیست؟ فرمود با مردم طوری رفتار کنی که دوست داری با تو رفتار کنند، گفتم فدایت شوم میل دارم بدانم که من نزد شما چگونه هستم فرمود بنگر بین من در نزد تو چگونه هستم.

رفع غم از مومن

عن الرضا عليه السلام، قال: [صفحه ۱۲۰] من فرج عن مؤمن، فرج الله قلبه يوم القيامة [۱۸۴]. هر کس از مؤمنی دفع هم و غم نماید خدا در قیامت هم و غم او را برطرف می کند.

ضرر ریاست برای مسلمان

معمر بن خلاد، عن ابي الحسن الرضا عليه السلام، انه ذكر رجلا فقال: انه يحب الرئاسة [۱۸۵]. فقال ع: مَا ذُبَّانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهَا بِأَضَرِّ فِي دِينِ الْمُشْلِمِ مِنْ [طَلَبِ] الرِّئَاسَةِ معمر بن خلاد روایت کرده که در حضور حضرت رضا علیه السلام نام مردی را به زبان آورد و گفت او ریاست را دوست می دارد. حضرت فرمود: دو گرگ بسیار حریص در میان گله‌ی گوسفندی که شبانان از آن گله دور شده‌اند آن قدر ضرر ندارند که ریاست برای مسلمانان زیان دارد. [۱۸۶].

آب جو

محمد بن سنان قال: سألت ابا الحسن الرضا عليه السلام عَنِ الْفُقَّاعِ فَقَالَ لَا تَقْرَبُهُ فَإِنَّهُ مِنَ الْخَمْرِ. [۱۸۷]. محمد بن سنان گفت از حضرت رضا (ع) سؤال کردن از آب جو فرمود به آن نزدیک مشو که آن از اقسام خمر است. [صفحه ۱۲۱]

آب جو

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِ مَا تَقُولُ فِي شُرْبِ الْفُقَّاعِ؟ فَقَالَ خَمْرٌ مَجْهُولٌ يَا سُلَيْمَانُ فَلَا تَشْرِبْهُ أَمَا إِنَّهُ يَا سُلَيْمَانُ لَوْ كَانَ الْحُكْمُ لِي وَالِدَاؤُ لِي لَجَلَدْتُ شَارِبَهُ وَ لَقَتَلْتُ بِأَيْدِيهِ. [۱۸۸]. سليمان بن جعفر گفت به حضرت رضا (ع) عرض کردم چه می فرمائی در آشامیدن آب جو؟ فرمود آن شرابی است مجهول ای سلیمان آن را نیاشام و مخور. بدان ای سلیمان اگر حکم با من بود و خانه مال من بود به خورنده اش تازیانه می زدم و فروشنده اش را می کشتم.

شراب خوار

قَالَ الرَّوَايُ: قُلْتُ لِلرِّضَاعِ إِنَّ ابْنَ دَاوُدَ يَذْكُرُ أَنَّكَ قُلْتَ لَهُ شَارِبُ الْخَمْرِ كَافِرٌ قَالَ صِدَقَ قَوْلُكَ لَهُ. [۱۸۹]. راوی گفت به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم ابن داود از شما نقل کرده که فرمودید: شراب خوار کافر است، فرمود: راست گفته من گفتم آن را

شراب و کندر

عن الريان بن الصلت قال سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام يقول: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِتَحْرِيمِ الْخَمْرِ وَأَنْ يُقَرَّ لِلَّهِ بِالْبَدَاءِ. ، أَنَّ اللَّهَ

يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ أَنْ يَكُونَ فِي مَنَزِلِهِ الْكُنْدُرُ [۱۹۰]. [صفحه ۱۲۲] ریان بن الصلت گفت شنیدم حضرت رضا (ع) فرمود: خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود مگر آن که شراب را تحریم کرد و اقرار کرد به بداء زیرا خدا آنچه بخواهد می کند. یحسوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب و اینکه در منزلش کندر باشد.

در شراب

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام، قال حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَسَادِ وَ مِنْ تَغْيِيرِ عُقُولِ شَارِبِيهَا وَ حَمْلِهَا إِيَّاهُمْ عَلَىٰ إِنْكَارِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْفُزْيَةِ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ رُسُلِهِ وَ سَائِرِ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَ الْقَتْلِ وَ الْقَذْفِ وَ الزَّنا وَ قَلَّةِ الْإِحْتِجَازِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْمَحَارِمِ فَبِذَلِكَ قَضَيْنَا عَلَىٰ كُلِّ مُسَيِّئٍ مِنَ الْأَشْرِبَةِ أَنَّهُ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ لِأَنَّهُ يَأْتِي مِنْ عَاقِبَتِهَا مَا يَأْتِي مِنْ عَاقِبَةِ الْخَمْرِ فَلْيَجْتَنِبْ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَوَلَّانا وَ يَتَحَلَّ مَوَدَّتِنَا كُلَّ شَرَابٍ مُسَيِّئٍ فَإِنَّهُ لَا عِصْمَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ شَارِبِيهَا [۱۹۱]. فرمود خدا شراب را حرام کرد برای آنچه در آن است از فساد و از جهت تغییر دادن عقل های آنهایی را که آن را میاشامند و وامی دارد آنان را بر انکار کردن خدای عز و جل و نسبت دروغ بخدا و رسول دادن و مفاسد دیگر که بر آن مترتب است و آدم کشی و نسبت ناروا دادن به اشخاص بی گناه و زنا کردن و خودداری نکردن از کارهای حرام پس به همین جهت ما حکم کردیم که هر مست کننده از مشروبات حرام است و محرم برای آنکه پایان کار و عاقبت آن با عاقبت [صفحه ۱۲۳] شراب یکی است پس هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد و ما را دوست دارد و دم از دوستی ما میزند باید از آن اجتناب و دوری کند.

مسکرات

عن الوشا عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: كُلُّ مُسَكِّرٍ حَرَامٌ وَ كُلُّ مُخَمِّرٍ حَرَامٌ وَ الْفُقَّاعُ حَرَامٌ [۱۹۲]. حضرت رضا (ع) فرمود: هر مست کننده ی حرام است و هر چیزی انسان را از خود بی خود کند حرام است و آب جو حرام است. [صفحه ۱۲۴]

در مذمت شراب

اینک چندین حدیث در حرمت شراب نگاشته می شود عن ابی جعفر علیه السلام قال: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ غَارِسَهَا وَ حَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ شَارِبَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمُحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ أَكَلَ ثَمَنِهَا. [۱۹۳]. ۱ - از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در موضوع شراب ده نفر را لعن کرده است. الف - آنکه مو را (تاک) به این منظور کاشته. ب - آن کسی که از شراب نکه داری می کند. ج - آنکه انگور را برای شراب شدن می فشارد. د - شراب خوار. ه - ساقی آن که جام شراب را به اشخاص می دهد. و - آنکه کوزه یا بطری شراب را حمل می کند. ز - کسانی که خود بار را حمل می کنند. ح - فروشنده ی آن ط - خریداران. ی - خورنده ی ثمن آن یعنی کسی که از فروش شراب غذا و میوه و غیره برای خود خریداری کند. ۲ - عمار بن موسی قال سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفُقَّاعِ فَقَالَ هُوَ خَمْرٌ عَمَارٌ مِی گوید از حضرت صادق سؤال کردم از آب جو فرمود آن شراب است (فرق ندارد). [صفحه ۱۲۵] ۳ - عن ابی عبدالله ع قال: شَارِبُ الْخَمْرِ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَ جُوهَهُ مَائِلًا شَفْتُهُ مُدْلِعًا لِسَانَهُ يُنَادِي الْعَطَشَ الْعَطَشَ. از حضرت صادق (ع) روایت است که فرمود. شراب خوار روز قیامت می آید با روی سیاه، لب آویزان، زبانش از دهان بیرون، صدا می کند تشنه ام، تشنه. ۴ شَارِبُ الْخَمْرِ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُدْلِعًا لِسَانَهُ يَسْتَبِيلُ لُعَابَهُ عَلَى صَدْرِهِ شراب خوار روز قیامت می آید زبانش از دهان بیرون لعاب دهانش جاری است بر سینه اش. ۵ - قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: يَا يُونُسُ أُنْبِغْ عَطِيَّتَهُ عَنِّي أَنَّهُ مَنْ شَرِبَ جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ مَلَأَتْهُ وَ رُسُلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَإِنْ شَرِبَهَا حَتَّى سَكِرَ مِنْهَا نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ مِنْ جَسَدِهِ وَ رَكِبَتْ فِيهِ رُوحُ خَبِيثَةٍ سَخِيفَةٍ مُلْعُونَةٍ [۱۹۴]. حضرت صادق (ع) فرمود ای یونس از طرف من به

عطیه بگو هر کس یک جرعه شراب بیاشامد خدا و ملائکته و پیمبران و مؤمنین او را لعن می کنند و اگر به قدری بیاشامد که مست شود روح ایمان از بدنش کنده می شود و روح ناقص ضعیف خبیث ملعون در او پیدا می شود الی آخر حدیث. عن ابی عبدالله ع قال قال رسول الله ص: مَنْ شَرِبَ خَمْرًا حَتَّى يَشْكُرَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. [۱۹۵]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کس شراب بخورد تا مست شود نماز او چهل روز قبول نمی شود. [صفحه ۱۲۶] عن ابی الصحراری عن ابی عبدالله ع قال: سَأَلْتُهُ عَنْ شَارِبِ الْخَمْرِ. قَالَ: لَا تَقْبَلُ مِنْهُ صَلَاةٌ مَا دَامَ فِي عُرْوَقِهِ مِنْهَا شَيْءٌ [۱۹۶]. ابی الصحراری می گوید از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم از حال شراب خوار فرمود تا وقتی که در عروق و رگهای او شراب باقی است خدا از او نماز نمی پذیرد. عن ابی عبدالله علیه السلام، ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ السَّاقَاتُ لِلدَّمِ وَ شَارِبُ الْخَمْرِ وَمَشَاءُ بَنِيْمَةٍ. [۱۹۷]. حضرت صادق (ع) فرمود سه دسته از مردم داخل بهشت نمی شود. ۱ - کسی که خون مردم را به ناحق بریزد. ۲ - شراب خوار. ۳ - نمام و سخن چین. عن ابی عبدالله ع قال: (شرب الخمر مفتاح کل شر) [۱۹۸]. حضرت صادق (ع) فرمودند: شرب خمر کلید هر شری است. عن ابی عبدالله ع قال: مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ كَعَابِدٍ وَثْنٍ [۱۹۹]. حضرت صادق (ع) فرمود مدمن خمر خدا را ملاقات می کند مانند بت پرست [۲۰۰]. عن الصادق علیه السلام (فی وصیة النبی صلی الله علیه و آله و سلم لعلی (ع) قال یا علی، شَارِبُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَثْنٍ يَا عَلِيُّ شَارِبُ الْخَمْرِ لَمَّا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ كَافِرًا [۲۰۱]. حضرت صادق فرمود در وصیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین است که فرمود یا علی شرابخوار مانند بت پرست است یا علی خدا نماز کسی را که شراب خورده تا چهل روز قبول نمی کند و اگر در ظرف این چهل روز مرد کافر مرده است. شیخ صدوق رضوان الله علیه فرموده این در صورتی است که آن را حلال دانسته است [۲۰۲]. وَ فِي الْخَصَالِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِيَّةِ قَالَ: مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدٍ وَثْنٍ قِيلَ وَ مَا الْمُدْمِنُ قَالَ الَّذِي إِذَا وَجَدَهَا شَرِبَهَا مِنْ شَرِبِ الْمُشْكِرِ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً. حضرت علی (ع) فرمود مدمن شراب خدا را ملاقات می کنند مانند بت پرست پرسیدند مدمن چیست فرمود کسی که هر وقت آن را بیابد بنوشد هر کس شراب بیاشامد نمازش چهل شبانه روز قبول نیست [۲۰۳].

عاق والدین

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْعَاقُ لِوَالِدَيْهِ وَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَ وَمَنَّا بِالْخَيْرِ إِذَا عَمِلَهُ حضرت صادق (ع) فرمود داخل بهشت نمی شود عاق والدین و مدمن شراب و کسی که چون به کسی خوبی کند بر او منت بگذارد. قرآن می فرماید: [صفحه ۱۲۸] وَ لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى

مذمت شراب

اینک شعر ایرج میرزا در مذمت شراب نگاشته می شود. ابلیس شبی رفت ببالین جوانی آراسته با شکل مهیبی سرو بر را گفتا که منم مرگ اگر خواهی زنهار باید بگزینی تو یکی از این سه خطر را یا آن پدر پیر خودت را بکشی زار با بشکنی از خواهر خود سینه و سر را یا خود ز می ناب بنوشی دو سه ساغر تا آنکه پیوشم ز هلاک تو نظر را لرزید از این بیم جوان بر خود و جا داشت کز مرگ فتد لرزه به تن ضیغم نر را گفتا نکنم با پدر و خواهرم این کار لیکن به می از خویش کنم دفع ضرر را جامی دو سه می خورد چه شد خیره مستی هم خواهر خود را زد و هم کشت پدر را ای کاش شود خشک بن تاک و خداوند زین مایه ی شر حفظ کند نوع بشر را -ناصر خسرو گفته نکند دانا مستی نخورد عاقل می نهد مرد خردمند سوی پستی پی [صفحه ۱۲۹] چه خوری چیزی کز خوردن آن چیز ترانی چو سرو آید اندر نظر و سرو چونی گر کنی بخشش گویند که می کرد نه او ور کشی عربده گویند که او کرد نه می -در روایت است که یکی از مسلمین شراب خورده بود و مشغول نماز شد سوره قل یا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را می خواند و به

جای لا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ - گفت أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ -، یعنی ای کافران من عبادت می کنم آنچه را که شما می پرستید در این موقع آیهی شریفه‌ی (و لا - تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سِكَارَى نَازِل شد. خطابه دکتر حکیم اعظم - اینک خطابه مرحوم دکتر حکیم اعظم راجع به مضرات مشروبات الکلی که در سال ۱۳۱۵ در سالن مدرسه سپهسالار ایراد کرده نوشته می شود. اصل کنفرانس در مجله دانشکده معقول و منقول سال ۱۳۱۵ موجود است ص ۹۳. در این جلسه مقصودم این است که بینم حکمت این که شرع مقدس اسلام و قوانین مدنی تمام ملل متمدنه این اندازه تأکید در منع الکل و فحشا کرده چیست؟ به عقیده من جهتش این است که هیچ چیز آن قدر به صحت انسان، به عمر انسان، بظاهر و باطن، به جوانی و پیری، بقوم و خویش و بستگان به زن و بچه و خانواده به نسل و اعقاب به جامعه و به کشور و وطن بلکه به عالم بشر ضرر نمی رساند امراض در دنیا زیاد است ولی هیچکدام این طور ریشه کن نیست و این اندازه سرایتش وسعت و عقبه ندارد دامنه‌ی بدبختی هائی که تولید می کند به این حد وسیع نیست الکل مسبب الکلیسم حاد یا الکلیسم مزمن می شود، حادثش علاوه بر عوارض سستی و قی های تنفرآمیز عفونت های ریوی، اختلالات صدری و دماغی، عوارض شبیه به هاری، تشنجات مختلفه می دهد و گاهی آن طور که (تار دیو) دیده و نوشته مرگ آنی را سبب می شود در مزمنش صورت محققن برافروخته، [صفحه ۱۳۰] عروق شعری برجسته گاهی به عکس با رنگ پریده و چهره‌ی زرد و خشک است. تکلم با ارتعاش می شود، لپ و زبان رعشه دارد، الکلی مضطرب و متوخش است، سوء هاضمه دارد و به یبوست یا اسهال مبتلا است، بی اشتها می و درد و تورم یا قرحه مهده باقی و قذف الدم دارد کبدش تشمع و کوچک یا بزرگ می شود، یرقانی است، سل صدری گرفته دردهای گوناگون، عرق النساء، صغر عضلات، سرفه های شدید، شخمی شدن قلب، تصلب شرایین، عسر الطمث، سقط جنین، هذیان الکلی نسیان، اختلاط بصر، عدم تمیز الوان، فلج ها و هزاران درد بی درمان دیگر که فرصت شرح آنها نیست بدبختی های او هستند اینها برای خودش اما برای کسان و فرزندان خود باعث بدبختی های بی شمار دیگر است ملاحظه بفرمائید الکلی البته سوء خلق دارد بزودی عصبانی می شود، زیرا الکل متوجه اعصاب و مراکز عصبی می شود این آدم بدبخت تمام نزدیکانش را اذیت می کند علاوه بر این که اهمیت به معاش و زندگانی خانواده نمی دهد آسایش را بر آنها حرام می کند و رفته رفته دچار سوء ظن می شود، تهمت می زند، مرتکب جنایت و قتل می شود، چه بسا الکلی ها که زنهای بی گناه خود را کشته اند، به علاوه نطفه اش خراب است فرزندان ناقص و علیل و رنجور و کم عمر یا مبتلا به امراض و دیوانه بوجود می آورد مضرات الکل برای جامعه نیز زیاد است زیرا الکل مولد اقسام جنون است جنون ساکت، جنون تهدید جنون ترس، و این جنون ها سبب بدبختی های بزرگ برای جامعه می شوند نصف یا بیشتر جنایات در دنیا مولد الکل است و احصائیه های زیاد در این باب هست.

در جور و ستم

عن ابی الحسن الرضا ع إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حُبِسَ الْمَطْرُ وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتْ [صفحه ۱۳۱] الدَّوْلَةُ وَإِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي [۲۰۴]. فرمود، وقتی فرمانداران و متصدیان امور دروغ بگویند باران حبس و قطع می شود و چون سلطان جور و ستم کند. ارکان دولت سست و متزلزل می شود و هر گاه زکوة حبس شود و داده نشود، چهارپایان می میرند.

در وسعت بر اهل و عیال

عن الرضا علیه السلام: قَالَ: (يَتَبَغَى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ قُوَّتِ عِيَالِهِ فِي الشَّتَاءِ وَ يَزِيدَ فِي وَقُودِهِمْ [۲۰۵]. فرمود شایسته و سزاوار است که شخص مؤمن در زمستان از قوت و خوراک عائله اش بکاهد و بر وسائل سوخت شان بیفزاید.

در وسعت بر اهل و عیال

عن معمر بن خلاد عن ابي الحسن الرضا عليه السلام، قال: يَتَّبِعِي لِلرَّحِيلِ أَنْ يُوسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ لئَلَّا يَتَمَنَّوْا مَوْتَ [۲۰۶]. فرمود: شایسته است برای مرد که بر اهل و عیالش توسعه بدهد در امر معاش تا آرزوی مرگش را ننماید.

در وسعت بر اهل و عیال

عن البنزطي عن الرضا عليه السلام، قال: [صفحه ۱۳۲] صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَلَى عِيَالِهِ [۲۰۷]. فرمود: بر شخص متمکن و صاحب نعمت واجب است که بر اهل و عیالش توسعه بدهد. روایت ۱۰۳

در غذا

ابن فضال عن الحسن الجهم، قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول الانسان الْإِنْسَانُ إِذَا ادْخَرَ طَعَامَ سَنَتِهِ خَفَ ظَهْرُهُ وَاسْتَرَاحَ [۲۰۸]. فرمود: هر گاه انسان آذوقه‌ی سال خود را ذخیره کند پشتش سبک و خودش راحت می‌شود.

در غذا

معمر بن خلاد قال سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام يقول: مَنْ أَكَلَ فِي مَنْزِلِهِ طَعَامًا فَسَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ فَلْيَتَنَاوَلْهُ وَ مَنْ أَكَلَ فِي الصَّحْرَاءِ أَوْ خَارِجًا فَلْيَتَرَكْهُ لِلطَّيْرِ وَالسَّبَّحِ. [۲۰۹]. فرمود: هر کس در منزلش غذا بخورد و چیزی از آن به زمین ریخت و افتاد پس آن را میل کند، و هر کس در صحرا یا خارج منزل غذا بخورد و چیزی بر زمین ریخت باید آن را بگذارد برای پرند و درنده.

در غذا

عده عن سهل عن بعض الاهوازيين عن الرضا عليه السلام، [صفحه ۱۳۳] إِنْ فِي الْجَسَدِ عِزْقًا يُقَالُ لَهُ الْعِشَاءُ فَإِنْ تَرَكَ الرَّجُلُ الْعِشَاءَ لَمْ يَزَلْ يَدْعُو عَلَيْهِ ذَلِكَ الْعِزْقُ إِلَى أَنْ يُصْبِحَ يَقُولُ أَجَاعَكَ اللَّهُ كَمَا أَجَعْتَنِي وَأَظْمَأَكَ اللَّهُ كَمَا أَظْمَأْتَنِي فَلَا يَدْعُنْ أَحَدُكُمْ الْعِشَاءَ وَلَا لَوْ بَلْقَمَةٍ مِنْ خُبْزٍ أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ. [۲۱۰]. فرمود: در بدن رگی هست به نام رگ عشاء پس اگر مشخص شام نخورد تا صبح بر او نفرین می‌کند و می‌گوید خدا تو را گرسنه نگه دارد چنانکه مرا گرسنه نگاه داشتی و خدای تو را تشنه نگه دارد چنانکه مرا تشنه نگه داشتی پس هیچ یک از شما شام خوردن را ترک نکند اگر چه به لقمه‌ی نان یا به شربت آبی باشد.

در وضوء

فضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام: قال: إِنَّمَا أُمِرَ بِالْوُضُوءِ وَبُيِّدَ بِهِ لِأَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيًّا مِنَ الْأَذْنَسِ وَالنَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكُسَلِ وَطَرْدِ النَّعَاسِ وَتَرْكِهِ الْفُؤَادَ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ [۲۱۱]. فرمود: خداوند امر فرموده به وضوء گرفتن و به آن ابتدا کرده برای این که بنده هنگامی که جلوی پروردگار می‌ایستد پاک و با طهارت باشد موقع مناجاتش با خدای خود مطیع فرمان حق بوده و پاکیزه از کثافات و نجاست باشد علاوه [صفحه ۱۳۴] بر اینکه در وضوء گرفتن کسالت خواب و غیره از بین می‌رود و دل پاک می‌شود برای قیام و ایستادن در حضور حضرت حق جل سبحانه.

وضوء

قَالَ قَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى النَّاسِ فِي الْوُضُوءِ أَنْ تَبِيدَ الْمَرْأَةُ بَيَاطِنَ ذِرَاعَيْهَا وَ الرَّجُلُ بَظَاهِرِ الذَّرَاعِ. (اقول) حمله الاصحاب على

استحباب [۲۱۲].

وضوء

محمد بن بالنعمان الفید فی الارشاد قال: دخل الرضا عليه السلام يوما و المأمون يتوضأ، للصواة و الغلام يصب على يده الماء، فقال لا تشرك ... بعباده ربك احدا، فصرف المأمون الغلام و تولى وضوئه بنفسه. شيخ مفيد رضوان الله عليه در ارشاد فرموده: روزی حضرت رضا علیه السلام داخل شد بر مأمون و مأمون مشغول وضوء گرفتن بود برای نماز و غلام بر دستش آب می ریخت پس حضرت فرمود ای امیر در عبادت پروردگار هیچ کس را با خودت شریک نکن و کمک نگیر پس مأمون [صفحه ۱۳۵] غلام را رد کرد و رفت و خودش به تنهایی وضوء اش را انجام داد و تمام کرد.

آب وضوء

عن الحسن بن علی الوشاء قال: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَاعِ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ إِبْرِيْقٌ يُرِيدُ أَنْ يَتَهَيَّأَ مِنْهُ لِلصَّلَاةِ فَدَنَوْتُ مِنْهُ لِأَصْبَ عَلَيْهِ فَأَبَى ذَلِكَ فَقَالَ مَهْ يَا حَسَنُ - فَقُلْتُ لَهُ لِمَ تَنْهَانِي أَنْ أَصْبَ عَلَى يَدَيْكَ تَكْرَهُ أَنْ أُوجَرَ قَالَ تُوجَرُ أَنْتَ وَ أُوْزِرُ أَنَا فَقُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ فَقَالَ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ حَلَّ يَقُولُ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا وَ هَا أَنَا ذَا أَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ وَ هِيَ الْعِبَادَةُ فَأَكْرَهُ أَنْ يَشْرَكَنِي فِيهَا أَحَدٌ. [۲۱۳]. حسن بن علی الوشاء گفت: داخل شدم بر حضرت رضا و جلوی او ابریقی بود می خواست مهیا شود برای نماز پس نزدیک رفتم و آب بریزم که حضرت وضو بگیرد، قبول نکرد و ممانعت کرد پس عرض کرد آیا منع می کنی که آب بریزم بر دستهای شما و کراهت داری از آن که من اجر ببرم؟ فرمود: تو اجر ببری و من گناه کنم و زر و وبال ببرم گفتم چطور به چه علت؟ فرمود نشنیدی خدای در قرآن کریم فرموده: (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ) (یعنی هر کس مشتاق لقاء پروردگارش است باید عمل صالح کند و در عبادت پروردگار احدی را شرکت ندهد. و اکنون من وضوء می گیرم برای نماز و [صفحه ۱۳۶] آن عبادت است پس میل ندارم کسی در آن با من شرکت کند.

سخن گفتن در وقت تخلیه

عن صفوان عن ابی الحسن الرضا علیه السلام انه قال: عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ أَنَّهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنْ يُجِيبَ الرَّجُلُ آخَرَ - وَ هُوَ عَلَى الْغَائِطِ أَوْ يُكَلِّمُهُ حَتَّى يَفْرُغَ. [۲۱۴]. از حضرت رضا (ع) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمودند که شخص در حال تخلیه جواب کسی را دهد یا حرف بزند تا آن که فراغ شود.

در غسل

عن ابی الحسن الرضا فی حدیث، قال: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: مَنْ اغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدْ اغْتَسَلَ فِيهِ فَأَصَابَهُ الْجَذَامُ فَلَمَّا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ فَقُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ إِنَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَقُولُونَ إِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ الْعَيْنِ فَقَالَ كَذَبُوا يَعْتَسِلُ فِيهِ الْجُنُبُ مِنَ الْحَرَامِ وَ الزَّانِي وَ النَّاصِبُ الَّذِي هُوَ شَرُّهُمَا وَ كُلٌّ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ ثُمَّ يَكُونُ فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْعَيْنِ. [۲۱۵]. از حضرت رضا (ع) روایت شده که فرمود: هر که غسل کند با آبی که در آن آب غسل شده است قبلا (مراد آب قلیل است) پس مورد اصابت بیماری جذام واقع شده پس خودش را ملامت کند و بس راوی می گوید به حضرت عرض کردم اهل مدینه می گویند در آن آب شفاء است برای درد چشم فرمود دروغ می گویند غسل می کند و در آن جنب از حرام و زناکار و ناصبی که از آن دو بدتر است و دیگران آیا این خصوصیات موجب شفاء درد چشم می شود! [صفحه ۱۳۷]

در فضیلت تجدید وضو

عن الرضا عليه السلام، قال: تجديد الوضوء لصلوة العشاء يحولاً والله و بلى والله [۲۱۶]. فرمودند: تجدید وضوء برای نماز عشاء محو می کند معصیتی را که از گفتن نه به خدا قسم و آری والله در طی سخن پیدا می شود.

در غسل جمعه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُسْلِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - فَقَالَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى عَبْدٍ أَوْ حُرٍّ [۲۱۷]. عبدالله مغیره گفت از حضرت رضا (ع) سؤال کردن از غسل جمعه، فرمود واجب است بر مرد و زن، بنده و آزاد. حقیر گوید فقهاء وجوب را حمل بر استجابت مؤکد کرده اند [۲۱۸].

غسل

قَالَ الرَّائِي: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع عَنِ الْقَوْمِ يَكُونُونَ فِي السَّفَرِ فَيَمُوتُ مِنْهُمْ مَيِّتٌ وَمَعَهُمْ جُنُبٌ وَمَعَهُمْ مَاءٌ قَلِيلٌ قَدَرٌ مَا يَكْفِي أَحَدَهُمَا أَتِيَهُمَا يُبْدَأُ بِهِ قَالَ يَغْتَسِلُ الْجُنُبُ وَيَتَرَكُ الْمَيِّتُ لِأَنَّ هَذَا فَرِيضَةٌ وَهَذَا [صفحه ۱۳۸] سُنَّةٌ. أَقُولُ: مُرَادُهُ بِالسُّنَّةِ مَا عَلِمَ وَجُوبُهُ مِنْ جِهَةِ السُّنَّةِ وَبِالْفَرَضِ مَا عَلِمَ وَجُوبُهُ مِنَ الْقُرْآنِ رَاوَى كُفَى گفت از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردن از جماعتی که در سفر هستند و یکی از آنان می میرد و در میان آنها شخص جنب هست و آب کم دارند به قدری که برای غسل یکی از آنها کافی است در این صورت این آب برای غسل کدام یک از آن دو مصرف شود؟ فرمودند شخص جنب غسل کند و میت را غسل ندهند برای اینکه غسل جنابت فرض است و غسل میت سنت. مرحوم شیخ حر عاملی رحمه الله علیه فرمودند: مراد از سنت آن ست که وجوب آن از حدیث استفاده شده. و مراد به فرض آن است که وجوبش از قرآن دانسته شده.

غسل جنابت

محمد بن سنان عن الرضا عليه السلام، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الرِّضَا ع أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسَائِلِهِ عَلَيْهِ غُسْلُ الْجَنَابَةِ النَّظَافَةُ وَ لِتَطْهِيرِ الْإِنْسَانِ مِمَّا أَصَابَهُ مِنْ أَذَاهُ وَ تَطْهِيرِ سَائِرِ جَسَدِهِ [لِأَنَّ الْجَنَابَةَ خَارِجَةٌ مِنْ كُلِّ جَسَدِهِ] فَلِذَلِكَ وَجِبَ عَلَيْهِ تَطْهِيرُ جَسَدِهِ كُلِّهِ وَ عَلَيْهِ التَّخْفِيفُ فِي الْبَوْلِ وَالْغَائِطِ أَنَّهُ أَكْثَرُ وَأَدْوَمُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَرَضَ فِيهِ بِالْوُضُوءِ لِكَثْرَتِهِ وَ مَسَقَّتِهِ وَ مَجِيئِهِ بِغَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْهُ وَ لَا شَهْوَةٍ وَ الْجَنَابَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا بِالْإِسْتِلْذَازِ مِنْهُمْ وَ الْإِكْرَاهِ لِأَنفُسِهِمْ. [۲۱۹]. [صفحه ۱۳۹] محمد بن سنان روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام در جواب مسائل وی نوشته علت وجوب غسل جنابت پاکیزگی است و برای تطهیر از آنچه به انسان رسیده از اذیت و پاکیزگی سایر بدنش، زیرا جنابت خارج می شود از تمام بدنش به همین جهت واجب است بر او تمام بدنش را تطهیر نماید و علت عدم وجوب غسل و تخفیف در بول و غائط آن است که آن بیشتر و ادامه دار تر است از جنابت پس در آن به وضوء تنها راضی شد برای زیادی آن و زحمتش و این که آن بدون ارادهی شخص می آید و شهوئی هم در آن نیست و لیکن در جنابت استلذاد حاصل می شود و اکراه نفس.

در مسائل

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ أَنَّ الرِّضَا ع كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسَائِلِهِ عَلَيْهِ غُسْلُ الْمَيِّتِ أَنَّهُ يُغَسَّلُ لِأَنَّهُ يُطَهَّرُ وَ يُنْظَفُ مِنْ أَذْنَابِ أَمْرَاضِهِ وَ مَا أَصَابَهُ مِنْ ضَيُوفٍ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ يَلْقَى الْمَلَائِكَةَ وَ يُبَاشِرُ أَهْلَ الْآخِرَةِ فَيَسْتَحَبُّ إِذَا وَرَدَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقِيَ أَهْلَ الطَّهَارَةِ وَ يُمَاشُونَهُ وَ

يَمَاسُهُمْ أَنْ يَكُونَ طَاهِرًا نَظِيفًا مُوَجَّهًا بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطَلَّبَ وَجْهُهُ وَلِيُشَفَّعَ لَهُ وَعَلَّهٗ أُخْرَى أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْهُ الْمَنَى الَّذِي مِنْهُ خُلِقَ فَيُجَنَّبُ فَيَكُونُ غُسْلُهُ لَهُ. [۲۲۰]. محمد بن سنان روایت کرده که: حضرت رضا علیه السلام در جواب مسائش نوشت: [صفحه ۱۴۰] علت وجوب غسل میت این است که غسل داده می شود برای آن که پاک و نظیف شود از چرک ها و کثافات ایام بیماری اش و آنچه از جهات دیگر به او رسیده زیرا او با فرشتگان ملاقات می نماید و با اهل آخرت مباشرت می کند پس مستحب است هنگامی که بر خدای عز و جل وارد می شود و اهل طهارت را ملاقات می کند و آنها با وی تماس می گیرند و او با آنان تماس حاصل می کند پاکیزه باشد و با طهارت متوجه خدای عز و جل گردد تا وجهی حق را طلب کند و از وی شفاعت کنند (و علت دیگر برای وجوب غسل میت) این است که خارج می شود از او منی که از آن آفریده شده پس جنب می شود پس غسل از این جهت می باشد.

در زیارت اهل قبور

عن الرضا عليه السلام، قال. عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ أَخِيهِ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَمِنْ يَوْمِ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ أَوْ يَوْمِ الْفَزَعِ. [۲۲۱]. فرمود: هر کس بیاید سر قبر برادرش و دستش را بر قبر بگذارد و هفت دفعه سوره ی انا انزلنا را بخواند در امان خواهد بود روز قیامت.

در زیارت اهل قبور

قال علي بن موسى الرضا عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ زَارَ قَبْرَ مُؤْمِنٍ فَقَرَأَ عِنْدَهُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِصَاحِبِ الْقَبْرِ. [۲۲۲]. [صفحه ۱۴۱] فرمود: هیچ بنده ای نیست که زیارت کند قبر مؤمنی را و بخواند نزد آن قبر سوره ی انا انزلنا را هفت دفعه مگر آن که خدا او و صاحب قبر را می آمرزد.

روغن بنفشه

عن الرضا عن آبائه قال: قال رسول الله ص: اذْهَبُوا بِالْبَنْفَسِجِ فَإِنَّهُ بَارِدٌ فِي الصَّيْفِ وَحَارٌّ فِي الشِّتَاءِ [۲۲۳]. حضرت رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: روغن مالی کنید با بنفشه زیرا آن در تابستان سرد و در زمستان گرم است.

در اذان و اقامه

عن أبي الحسن الرضا عليه السلام، قال: مَنْ أَدَّنَ وَ أَقَامَ صِلَى خَلْفَهُ صِيْفَانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ إِنِ أَقَامَ بَغَيْرِ أَذَانٍ صِلَى عَنْ يَمِينِهِ وَاحِدٌ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ اغْتَنِمِ الصَّفَيْنِ. [۲۲۴]. فرمود: هر کس برای نماز اذان و اقامه بگوید دو صف ملائکه پشت سرش نماز می خوانند پس اگر اقامه گفت بدون اذان در طرف راستش یک فرشته و در طرف چپش نیز یک فرشته نماز می خوانند سپس فرمود غنیمت بدان دو صف فرشته را

صبر بر مصیبت

عن الرضا عليه السلام قال: قال ابو جعفر ع: عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مَنْ بُلِيَ مِنْ شَيْعَتِنَا بِلَاءٍ فَصَبَرَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ. [۲۲۵]. [صفحه ۱۴۲] فرمود: هر کس از شیعیان ما به بلایی مبتلا شد و صبر کرد خداوند برای او می نویسد مانند اجر و ثواب هزار

در دعا

روزہ

www.noorfatemah.org

وامی دارد ایشان را بر اداء آنچه [صفحه ۱۴۵] به آنها تکلیف کرده و برای آینده دلیل و راهنما می باشد و برای آنکه سختی آن را بر اهل فقر و مسکنت در دنیا بدانند پس به آنان آنچه را که خدا در احوالشان فرض فرموده بپردازند.

در مسائل

مُحَمَّدُ بْنُ سَيِّدَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسْأَلَةٍ عَنْهُ الصَّوْمُ لِعِرْفَانِ مَسِ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ لِيَكُونَ الْعَبْدُ ذَلِيلًا مُسْتَتَكِينًا مِأْجُورًا مُحْتَسِبًا صَابِرًا وَيَكُونَ ذَلِكَ ذَلِيلًا لَهُ عَلَى شِدَائِدِ الْآخِرَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِنْكَسَارِ لَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَاعْظًا لَهُ فِي الْعَاجِلِ ذَلِيلًا عَلَى الْآجَلِ لِيَعْلَمَ شِدَّةَ مَبْلَغِ ذَلِكَ مِنْ أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْمَسْكِنَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. [۲۲۹].

در زیارت

محمد بن سنان قال سمعت الرضا عليه السلام يقول: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا عَ يَقُولُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَ تَعْدِلُ عُمْرَهُ مَقْبُولَةً مَبْرُورَةً. [۲۳۰]. زیارت امام حسین علیه السلام برابر است با عمره‌ی مقبوله مبروره

در زیارت

عن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن آبائه عن أبي جعفر (ع) قال: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عِلِّيْنِ [صفحه ۱۴۶] ثُمَّ قَالَ إِنَّ حَوْلَ قَبْرِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْنًا غَيْرًا يَكُونُ عَلَيْهِ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ. [۲۳۱]. فرمودند: هر کس قبر حضرت امام حسین علیه السلام را با معرفت زیارت کند خدا نام او را در مراتب عالیه بنویسد. سپس فرمود: هفتاد هزار فرشته با موهای پراکنده و غبار آلود بر او می گریند تا روز قیامت.

زیارت امام حسین

عن علي بن ابراهيم عن أبيه عن الريان بن شبيب عن الرضا عليه السلام في حديث انه قال: عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّيَّانِ بْنِ شَيْبٍ عَنِ الرِّضَا عَ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَا يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزُرِ الْحُسَيْنَ يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرَفَ الْمُنِيَّةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَالْعَنَ قَتْلَهُ الْحُسَيْنَ يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَ فَقُلْ مَتَى ذَكَرْتَهُمْ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا. [۲۳۲]. حضرت رضا علیه السلام فرمود به ریان بن شبيب ای پسر شبيب اگر تو را مسرور می کند این که خدا را ملاقات کنی در حالی که بی گناه باشی پس زیارت کن حسین علیه السلام را ای پسر شبيب اگر خوشحال می شوی از این که با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غرفه های بهشت ساکن شوی پس لعن کن به کسانی که قاتل حسین علیه السلام هستند. ای پسر شبيب اگر مسرور می کند تو را آنکه باشد برای تو مانند ثواب شهداء [صفحه ۱۴۷] کربلا پس هر وقت از آنان یاد می کنی بگو: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا روایت ۱۲۸

محل قبر فاطمه

سئل ابوالحسن الرضا عليه السلام عن قبر فاطمة عليها السلام سئل أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَ - عَنْ قَبْرِ فَاطِمَةَ عَ فَقَالَ دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمَيَّةَ فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِي الْمَسْجِدِ. [۲۳۳]. از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردند از محل قبر حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: در خانه‌ی خودش دفن شد پس وقتی بنی امیه مسجد را بزرگ کردند و بر مسجد افزودند در مسجد قرار گرفت.

در نام محمد

قال علی بن موسی الرضا علیه السلام أَلْبِيتُ الَّذِي فِيهِ مُحَمَّدٌ يُصْبِحُ أَهْلُهُ بِخَيْرٍ وَيُمْسُونَ بِخَيْرٍ. [۲۳۴]. فرمود خانه‌ای که در آن محمد نام باشد صبح و شام اهل آن خانه به خیر و خوبی خواهد گذشت.

در تفسیر (و علامات و بالنجم هم یهتدون)

عن الوشا قال سئلت الرضا علیه السلام عن قول الله تعالى و علامات و بالنجم هم یهتدون. قال: نَحْنُ الْعَلَمَاتُ وَالنَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ [۲۳۵]. وشا گفت از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم از آیهی شریفه و علامات فرمود [صفحه ۱۴۸] علامات مائیم و نجم (ستاره) رسول خدا است

ذریه رسول خدا

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام، قال: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ قُلْتُ: النَّظَرُ إِلَى الْأَيْمَةِ مِنْكُمْ أَوْ النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ؟ فَقَالَ بَلِ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُفَارِقُوا مِنْهَا جَهً وَ لَمْ يَتَلَوُّوا بِالْمَعَاصِي. [۲۳۶]. فرمود نظر کردن به ذریه ما عبادت است، راوی می گوید: گفتم نظر کردن به امامان از نسل شما یا نظر کردن به ذریه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم؟ فرمود: بلکه نگاه کردن به تمام ذریه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عبادت است تا زمانیکه از روش پیغمبر منحرف نشوند و پس از ثوابی که کرده‌اند مرتکب گناهی نشده باشند.

فضیلت زیارت امام رضا

عن البرنطی عن الرضا علیه السلام قال: مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي عَارِفًا بِحَقِّي إِلَّا شَفَعْتُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۲۳۷]. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: زیارت نمی کند مرا هیچ یک از دوستان من با معرفت به حق من مگر آنکه در روز قیامت از او شفاعت خواهم کرد.

فضیلت زیارت امام رضا

قال الرضا علیه السلام [صفحه ۱۴۹] قَالَ الرِّضَا ع مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي وَ مَزَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ. [۲۳۸]. حضرت رضا فرمود هر کس من را زیارت کند با دوری خانه و مزارم یعنی راه دوری را بپیماید در قیامت در سه جا به سوی او خواهم آمد تا وی را از ترسهای قیامت برهانم. وقتی نامه‌ی اعمال به دست راست و چپ او داده می شود و در پل صراط - و نزد میزان که اعمال را می سنجند.

فضیلت زیارت امام رضا

عن الوشاء قَالَ قَالَ الرِّضَا ع إِنِّي سَأَقْتُلُ بِالْإِسْمِ مَظْلُومًا فَمَنْ زَارَنِي عَارِفًا بِحَقِّي غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ. [۲۳۹]. فرمود: به زودی من کشته خواهم شد مظلوم باز هر کس مرا با معرفت به حق من زیارت کند خداوند گناهان متقدم و متأخر وی را بیامزد.

فضیلت زیارت امام رضا

عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَاعِ فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمْ وَقَرَّبَهُمْ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ مَرْحَبًا بِكُمْ وَأَهْلًا فَأَنْتُمْ شَيْعَتُنَا حَقًّا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ تَزُورُونَ فِيهِ تَزِيَّتِي بِطُوسٍ - أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ [صفحه ۱۵۰] ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. [۲۴۰]. اباصلت هروی گفت خدمت حضرت رضا علیه السلام بودم جماعتی از اهل قم بر او وارد شدند و سلام کردند حضرت جواب داد و آنان را به خود نزدیک کرد سپس به آنها فرمود. آفرین بر شما شما شیعیان حقیقی ما می باشید بر شما زمانی خواهد آمد که در آن زمان خاک من را در طوس زیارت خواهید کرد بدانید هر کس غسل کند و زیارت کند مرا بیرون خواهد شد از گناه مانند روزی که مادر او را زائیده است.

در گوینده مدح آن حضرت

عن الحسن بن الجهم قال سمعت الرضا عليه السلام يقول: عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَاعَ يَقُولُ مَا قَالَ فِينَا مُؤْمِنٌ شِعْرًا يَمْدَحُنَا بِهِ إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ - أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ يَزُورُهُ فِيهَا كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ. حسن بن جهم گفت از حضرت رضا شنیدم فرمود. هیچ مؤمنی در حق ما مدیحه نگفت مگر آنکه خداوند برای او شهری در بهشت بنا می کند که هفت دفعه از دنیا وسیع تر است زیارت می کند وی را در آن شهر هر فرشته‌ی مقرب و هر پیغمبر مرسلی.

زیارت امامان

الْوَشَاءُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِ قَالَ: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُتْقِ أَوْلِيَائِهِ وَشَيْعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَنْيَمَتْهُمْ شَفَعَاءُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۲۴۱]. [صفحه ۱۵۱] فرمود برای هر امامی عهد و پیمانی است در آزاد کردن دوستان و شیعیانش و این که از تمام وفای به عهد زیارت کردن قبور ایشان است، پس هر کس آنان را زیارت کند از روی میل و تصدیق به آنچه در آن راغبند می باشند امامان آنها شفیعان ایشان در روز قیامت.

تولی و تبری

عن الفضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام في كتابه الى المأمون قال: وَحُبُّ أَوْلِيَائِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاجِبٌ وَكَذَلِكَ بُغْضُ أَعْدَائِهِمْ وَالْجِرَاءَةُ مِنْهُمْ وَمِنْ أَيْمَتِهِمْ. [۲۴۲]. حضرت رضا علیه السلام در نامه‌ی خود به مأمون نوشت. دوست داشتن اولیاء خدای عز و جل واجب است و همچنین دشمن داشتن دشمنان ایشان و تبری جستن از ایشان و از پیشوایانشان.

در عقیقه

فضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام في كتابه الى المأمون قال: الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَاعِ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ قَالَ: وَالْعَقِيقَةُ عَنِ الْمَوْلُودِ الذَّكَرِ وَالْأُنْثَى وَاجِبَةٌ وَكَذَلِكَ تَسْمِيَّتُهُ وَحُلُّ رَأْسِهِ يَوْمَ السَّابِعِ وَيَتَصَدَّقُ بِوِزْنِ شَعْرِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً. [۲۴۳]. حضرت رضا علیه السلام در نامه‌ی خود به مأمون نوشت: گوسفند عقیقه از مولود پسر و دختر واجبست و همچنین نام گذاری فرزند واجب است و تراشیدن سرش در روز هفتم ولادت و به وزن موی او صدقه داده شود طلا یا نقره. [صفحه ۱۵۲]

نام نهادن عرب جاهلی

أَحْمَدُ بْنُ أَشْيَمٍ عَنِ الرِّضَاعِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ لِمَ يُسَمَّى الْعَرَبُ أَوْلَادَهُمْ بِكَلْبٍ وَفَهْدٍ وَنَمِرٍ وَأَشْبَاهِ ذَلِكَ؟ قَالَ كَانَتْ الْعَرَبُ أَصْحَابَ حَرْبٍ

فَكَانَتْ تَهْوُلُ عَلَى الْعِدُوِّ بِأَسْمَاءِ أَوْلَادِهِمْ وَيُسَيِّمُونَ عِيْدَهُمْ فَرْجًا وَمُبَارَكًا وَمِيمُونًا وَأَشْبَاهَ هَذَا يَتَيَّمُونَ بِهَا. [۲۴۴]. احمد بن اشيم گفت به حضرت رضا عرض کردم به چه علت عرب فرزندانشان را به نام سگ و پلنگ و مانند اينها می نامند؟ فرمود عرب جنگجو بودند و می خواستند دشمنانسان را به نام های فرزندانسان بترسانند و بندگان خود را می نامیدند بنام فرج مبارک - ميمون و مانند اينها.

در صله رحم

عن ابی الحسن الرضا (ع) قال قال ابو عبدالله (ع): صل رحمک و لو بشربه من ماء و أفضل ما توصل به الرحم کف الاذى عنها. و صله الرحم منسأة فی الاجل محبة فی الازل [۲۴۵]. فرمودند: صلهی رحم کن اگر چه به یک شربت آب باشد و بهترین صلهی رحم آزار نرساندن به رحم است و صلهی رحم موجب طول عمر و موجب محبت در خانواده می باشد.

بخل

محمد بن اسماعیل بن مزیع، قال سمعت الرضا (ع) يقول: [صفحه ۱۵۳] لا یجتمع المال الا بخمس خصال ببخل شدید و امل طویل و حرص غالب و قطیعة الرحم و ایتار الدنيا علی الآخرة [۲۴۶]. محمد بن اسماعیل به زیع گفت از حضرت رضا (ع) شنیدم فرمود: مال جمع نمی شود مگر با پنج خصلت: ۱ - با بخل شدید، ۲ - آرزوی دور و دراز ۳ - و حرص و آزی که بر آدمی چیره گردد ۴ - و قطع رحم یعنی گسستن از خویشاوند و اختیار کردن دنیا را بر آخرت. یکی از اخلاق رذیله بخل است، صفت بخل یکی از رذائل مهلکه نفس و پست کنندهی روح و جان است و ناشی از محبت زیاد به دنیا است و بسیاری علاقه به متاع های فانیه و هر کس محبت زیاد به دنیا دارد به مصداق حُبِّ الشَّيْءِ يُعْمَى و یُصِمُّ از درک معایب آن محروم می گردد در آیات متعددهی قرآن کریم از بخل نکوهش شده از جمله این آیهی شریفه: وَلَا يَخْشَى الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ يَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ در حدیث نبوی آمده: خَصِمَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مَوْمنَ الْبُخْلِ وَ سُوءِ الْخُلُقِ و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أَعْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا أَدَّتْهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْبُخْلُ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ أَعْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَعْصَانِهَا أَدَّتْهُ إِلَى النَّارِ أَعَاذَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ النَّارِ. السَّخَاءُ شَجَرَةٌ تَنْبِتُ فِي الْجَنَّةِ ، فَلْ يَلْجِ الْجَنَّةُ الْاَسْخَى وَ الْبُخْلُ شَجَرَةٌ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ، فلا یلج النار الا ببخل [۲۴۷]. سخاوت درختی است در بهشت می روید پس داخل بهشت نمی شود مگر سخی و بخل درختی است در آتش می روید پس داخل آتش نمی شود مگر ببخل. و حضرت علی (ع) فرموده: [صفحه ۱۵۴] الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ وَ هُوَ زِمَامٌ يَقَادُ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ (نهج البلاغه) بخل جامع تمام بدی های عیبها است و آن زمانی است که آدمی را می کشاند به طرف همه ی بدی ها. و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود. الجود شجرة من أشجار الجنة من أخذ بغصن من أغصانها أداها إلى الجنة و البخل شجرة من أشجار النار من أخذ بغصن من أغصانها أداها إلى النار (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید) سخاوت درختی است از درخت های بهشت، پس هر کس یکی از شاخه های آن را بگیرد، آن شاخه او را می کشاند بسوی بهشت و بخل درختی است از درخت های آتش، هر کس یکی از شاخه های آن را بگیرد آن شاخه او را رها نکند تا به آتش سوقش دهد بالجمله پستی و پلیدی صفت رذیلهی بخل مانند سایر اخلاق رذیله مسلم و محقق است و تردیدی در آن نیست و چون این مختصر گنجایش شرح آن را ندارد به همین قدر اکتفا می شود برای فهم تفصیل آن به کتب حدیث و اخلاق مراجعه کنید مانند معراج السعادة. و جامه السعادة نراقی و احیاء العلوم غزالی و مقالات احمدیه در علم اخلاق تألیف آقای آقا میرزا احمد آشتیانی و کیمیای سعادت و کتب دیگر در فن اخلاق یکی دیگر از اخلاق رذیله و صفات مذمومه طول امل یعنی آرزوی دور و دراز است رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود به عبدالله عمر: وَأَنْتَ يَا عَبْدَ اللَّهِ، إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ أَنْ تُصْبِحَ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ

أَنْ تُمِيتَ، فَخُذْ مِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ، وَمِنْ صِحَّتِكَ لِسُقْمِكَ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا اسْمُكَ غَدًا. إِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالْمَسَاءِ
و إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالصَّبَاحِ وَ خُذْ مِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ، وَمِنْ صِحَّتِكَ لِسُقْمِكَ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا اسْمُكَ
غَدًا (احياء العلوم). چون صبح کردی با خودت حدیث عصر را مگو یعنی خیال نکن عصر زنده خواهی بود و چون روز را شام
کردی حدیث فردا را مگو و از زمان حیات برای مرگ زاد و راحله‌ای اخذ کن و از زمان صحت و سلامتی برای ایام بیماری است
[صفحه ۱۵۵] ذخیره ای اندوخته کن زیرا تو ای عبدالله نمی دانی فردا نام تو در طومار چه کسانی ثبت خواهد شد. و در حدیث
دیگر فرمود: یهرم ابن آدم و یبقی معه اثنتان: الحرص و الامل. آدمی پیر می شود و دو خصلت با وی باقی می ماند، حرص و آرزو و
نیز فرمود: أیها الناس أما تستحون من الله؟ قالوا: و ما ذلک یا رسول الله؟ قال تجمعون ما لا تأکلون و تأملون ما لا تدرکون و تبنون ما
لا تسکنون (احياء العلوم) فرمود: آیا از خدا شرم ندارید؟ گفتند یا رسول الله برای چه فرمود: جمع می کنید آنچه را که نمی خورید و
آرزو می کند آنچه را که به آن نمی رسید و بنا می کنید آنچه را که در آن سکونت نمی کنید و نیز فرمود: (صل صلوٰه مودع) یعنی
نماز بخوان مانند کسی که با نماز وداع می کند و به زنده ماندن برای نماز دیگر امید ندارد. آدمی پیر چو شد حرص جوان می گردد
خواب در وقت سحرگاه گران می گردد حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود: أَيْهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتَّبَاعُ الْهَوَى وَ
طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتَّبَاعُ الْهَوَى فَيَصِيدُ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ وَ در آخر خطبه می فرماید وَ إِنِ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابَ وَ
غَدًا حِسَابٌ وَ لَا عَمَلَ مردم دو چیز است که بیش از هر چیز از آن دو بر شما ترس دارم: پیروی هوای نفس و آرزوی دور و دراز اما
پیروی هوای نفس از یاد خدا آدمی را باز می دارد و اما آرزوی دراز و طولانی آخرت را از یاد می برد و نیز فرموده است (أَشْرَفُ
الْغِنَى تَرْكُ الْمُنَى). بهترین ثروت و دارائی ترک آرزوها است و نیز امیرالمؤمنین (ع) فرموده (مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلِ هر که
آرزوی دور و دراز کند عمل را بد می کند یکی دیگر از خصائل زشت و نکوهیده حرص است که آدمی را از پای در [صفحه
۱۵۶] می آورد و رفته رفته وی را به وادی هلاکت می اندازد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وَادِيَانِ
مِنْ ذَهَبٍ لَأَبْغَى لِهَمَا ثَالِثًا وَ لَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ (احياء العلوم) اگر برای فرزند آدم دو بیابان از
طلا باشد دنبال وادی سوم می گردد و شکم آدمی را پر نمی کند مگر خاک و خدا می پذیرد توبه‌ی آن که را که توبه نماید. آن
شنیدستم که در صحرای غور باژسالاری بیفتاد از ستور گفت چشم تنگ دنیا دار را یا قناعت پر کند یا خاک گور و حضرت علی
(ع) فرموده: مَنُھَوَمَانِ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا [۲۴۸]. دو گرسنه حریص سیر نمی شوند طالب دانش و طالب دنیا در احیاء
العلوم عبارت مزبور به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده شده است با تغییر مختصری در کلمات باین عبارت.
مَنُھَوَمَانِ لَمَّا يَشْبَعَانِ، منهوم العلم و منهوم المال و ضد حرص و طمع قناعت است قناعت یعنی راضی بودن و اکتفا نمودن به آنچه
موجود است و طمع نداشتن به مال دیگران قناعت از جمله‌ی صفات فاضله و اخلاق حسنه است و همه‌ی فضائل و مناقب منوط به
آن است و راحت دنیا و آخرت و عزت و سعادت دو عالم به آن مربوط است صفت قناعت مرکبی است که آدمی را به مقصد
می رساند و سعادت ابدی را به جانب وی می کشاند زیرا هر کس به قدر ضرورت و مایحتاج قناعت نمود و دل را متوجه قدر زائد از
امتعهی دنیا ننمود پیوسته فارغ البال و مطمئن و آسوده خیال بوده و با حواس جمع به تحصیل وسائل سعادت و امور آخرت
می پردازد. قناعت توانگر کند مرد را خبر ده حریص جهان گرد را [صفحه ۱۵۷] در آیه‌ی شریفه‌ی «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى
وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» بسیاری از مفسرین «حَيَاةً طَيِّبَةً» را به قناعت تفسیر کرده‌اند. در حدیث قدسی وارد شده: ای فرزند
آدم اگر همه‌ی دنیا از آن تو باشد زیاده از قوت عاید تو نخواهد شد، حضرت موسی از حق تعالی سؤال کرد که کدام یک از
بندگان غنی ترند فرمود هر که قانع تر است حضرت صادق (ع) فرمود هر که به اندک معیشتی از خدا راضی شود خدا نیز به عمل
اندک از وی راضی گردد و حضرت امیر (ع) فرموده (القناعة مال لا ینفد) قناعت مالی است که تمام نمی شود و نیز فرموده (القناعة
کَنْزٌ لَا یَفْنَى قناعت گنجی است که فانی نمی شود. در کتاب ذخیره المعاد فاضل بسطامی از حقایق نقل کرده از حضرت امام محمد

باقر (ع) روایت کرده که فرمود مَثَلُ الْحَرِیصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُودَةِ الْقَرْ كَلَّمَا أَزْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًّا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا یعنی شخص حریص در دنیا مانند کرم ابریشم است هر چه بیشتر بر خود می پیچد راه خلاص او دورتر می شود تا از غصه می میرد. مردی سقراط را دید از سبزیجات و بقولاتی که روی آب جاری است به دست می آورد و می خورد با او گفت اگر خدمت سلطان می کردی محتاج به خوردن اینها نمی شدی سقراط گفت تو نیز اگر به خوردن این بقولات قناعت می کردی محتاج خدمت سلطان نمی شدی. علی (ع) فرمود: كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا وَبِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا هر که بر خود در سؤال گشاد تا بمیرد نیازمند بود از بگذار و پادشاهی کن کردن بی طمع بلند بود بدوزد شره دیده ی هوشمند در آرد طمع مرغ و ماهی به بند [صفحه ۱۵۸] حکایت از گلستان. درویشی را شنیدم که در آتش فاقه می سوخت و خرقة به خرقة همی دوخت و برای تسکین خاطر مسکین همی گفت: به نان خشک قناعت کنیم و جامه ی دلق که بار محنت خود به که بار منت خلق کسی گفتش چه نشینی که فلان در این شهر طبعی کریم دارد و کرمی عمیم میان به خدمت آزادگان بسته و بر در دلها نشسته، اگر صورت حالی که تو را است مطلع گردد پاس خاطر عزیزت را منت دارد و غنیمت شمارد. گفت: خاموش که در سختی مردن، به که حاجت پیش کس بردن. هم رقعہ دوختن به و الزام کنج صبر کز بهر جامه رقعہ بر خواجگان نبشت حقا که با عقوبت دوزخ برابر است رفتن به پایمردی همسایه در بهشت بعضی مفسرین در آیهی (رَبِّ ... هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي) گفته اند مقامی است در ملک قناعت که احدی به آن نمی رسد. ذوالنون مصری گفت: مَنْ قَنَعَ اسْتَرَاحَ مِنْ أَهْلِ زَمَانِهِ وَاسْتَطَالَ عَلَى أَقْرَانِهِ بَعْضُ مَفْسَرِينَ در تفسیر آیهی «لَيُزْزِقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا» گفته اند رزق حسن قناعت است و گفته اند خدا پنج چیز را در پنج چیز قرار داده است: عزت را در طاعت و بندگی خدا و ذلت را در معصیت و نافرمانی خدا و هیبت را در شب زنده داری و قیام لیل و حکمت را در شکم خالی. اندرون از طعام خالی دار تا در آن نور معرفت بینی تهی از حکمتی بعثت آن که پری از طعام تا بینی و گناهان قطع رحم و دوری جستن از خویشاوندان است که موجب کوتاهی عمر می شود و در مقابل یکی از حسنات و طاعات و مبرات پر خیر و برکت صله ی رحم پیوستن به خویشاوندان است در حدیث آمده: وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْصَانِي رَبِّي بِشَيْءٍ أَوْصِيكُمْ بِهَا: پرودگار من نه چیز به من سفارش کرد و من آنها را به شما وصیت می کنم یکی [صفحه ۱۵۹] از آن نه چیز آن است که فرمود واصل من قطعنی و فرمود صله ی رحم موجب برکت در مال می شود و در خطبه ی آخر ماه شعبان فرمود: وَ صَلُّوا اِرْحَامَكُمْ. و نیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ وَ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ وَ صَدَقَهُ السَّرُّ تَطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ وَ صِلَهُ الرَّحِمُ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ ... الی آخر الحدیث کارهای خیر از بلیات و مرگ های بد نگاه می دارد و صدقه دادن در خضاء خشم خدا را خاموش می کند و صله ی رحم عمر را زیاد می کند. و اما اختیار کردن دنیا بر آخرت عملی نابخردانه است، چه گفته اند هر چیزی که نباید دلبستگی را نشاید قال الله الحکیم: وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (سوره الانعام) نیست زندگانی دنیا مگر بازیچه و البته خانه ی آخرت بهتر است برای آنانی که تقوی دارند آیا تعقل نمی کنید. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: حب الدنيا رأس كل خطيئة [۲۴۹] (خصال شیخ صدوق) یعنی دوستی دنیا در رأس همه ی گناهان قرار گرفته است و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

در صله رحم

قال ابوالحسن الرضا (ع): يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيَصِيَّرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. [۲۵۰]. فرمود: مردی که صله ی رحم به جای می آورد می شود که از عمرش سه سال باقی مانده باشد و خدا به واسطه صله رحم آن را سی سال می کند و خدا آنچه بخواهد می کند. [صفحه ۱۶۰]

اعتدال در دوستی

قال علی بن موسی الرضا ع: لَمَّا تَبَيَّدَلْ لِإِخْوَانِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرُّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُمْ. [۲۵۱]. بذل و بخشش مکن برای برادرانت به قدری که زیان آن بر تو بیش از سودش برای آنان باشد. یعنی در دوستی و احسان به برادران و دوستان افراط مکن و رعایت اعتدال را بنمای.

در اداء امانت

تحف العقول الفضل بن شاذان عن الرضا (ع) فی کتابه الی المأمون، قال الایمان هو: الْإِيْمَانُ هُوَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَاجْتِنَابُ جَمِيعِ الْكِبَائِرِ وَهُوَ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (... الی ان قال) وَاجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ وَهِيَ [۲۵۲] قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَ الزَّنا وَ السَّرِقَةُ وَ شَرْبُ الْخَمْرِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ أَكْلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخَنَزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ السُّحْتُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْقِمَارُ وَ الْبَخْسُ فِي الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ اللَّوْاطِ [وَ شَهَادَةُ الزُّورِ] وَ الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ مَعُونَةُ الظَّالِمِينَ [صفحه ۱۶۱] وَ الرُّكُوفُ إِلَيْهِمْ وَ الْيَمِينُ الْغُمُوسُ وَ حَبْسُ الْحَقُوقِ مِنْ غَيْرِ الْعُسْرَةِ وَ الْكَذِبُ وَ الْكِبْرُ وَ الْإِسْرَافُ وَ التَّبَذِيرُ وَ الْخِيَانَةُ وَ الْإِسْتِخْفَافُ بِالْحِجِّ وَ الْمُحَارَبَةُ لِلْأَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَ الْإِسْتِغَالُ بِالْمَلَاهِي وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذُّنُوبِ. [۲۵۳].

گناهان کبیره

إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْعَبَّاسِ قَالَ: كُنْتُ فِي مَجْلِسِ الرِّضَاعِ فَتَذَكَّرْنَا الْكِبَائِرَ وَقَوْلَ الْمُعْتَرِلَةِ فِيهَا إِنَّهَا لَا تُغْفَرُ فَقَالَ الرِّضَاعُ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: قَدْ نَزَلَ الْقُرْآنُ بِخِلَافِ قَوْلِ الْمُعْتَرِلَةِ - قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَمَذُومٌ مَغْفِرَةٌ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمُ الْخَبِيثِ. [۲۵۴]. ابراهیم بن عباس گفت در مجلس حضرت رضا (ع) بودم و راجع به گناهان کبیره مذاکره شد و اینکه معتزله گفته‌اند کبائر آمرزیده نمی‌شوند. بعد حضرت رضا (ع) فرمود: حضرت صادق (ع) فرموده است گفتار معتزله برخلاف قرآن است، خدای عز و جل فرموده: و ان ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم یعنی همانا که پروردگار تو صاحب آمرزش است برای مردم بر ظلم و ستمی که نموده‌اند.

گناهان کبیره

الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ عَنِ الرِّضَاعِ قَالَ: مَنْ أَقَرَّ بِالتَّوْحِيدِ وَ نَفَى التَّشْبِيهَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَقَرَّ بِالرَّجْعَةِ بِالْيَقِينِ وَ اجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ حَقًّا وَ هُوَ مِنْ شَيْعَتِنَا أَهْلُ [صفحه ۱۶۲] الْبَيْتِ. فرمود: هر که اقرار به توحید نماید و چیزی را به خدا و خدا را به چیزی مانند نکند و به رجعت اقرار کند با یقین و از کبائر اجتناب نماید پس چنین کسی مؤمن حقیقی است و او از شیعه‌ی ما اهل بیت است. در گناهان کبیره اختلاف است. بعضی گفته‌اند: هر گناهی که در دنیا برای آن حد واجب شده و در آخرت عذاب وعده داده شده کبیره است (تفسیر مجمع البیان) از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده که عمرو بن عبید وارد شد بر حضرت صادق (ع) و سلام کرد و نشست و این آیه‌ی شریفه را تلاوت کرد: (الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ) بعد ساکت شد، حضرت فرمود چرا ساکت شدی؟ گفت میل دارم گناهان کبیره را از کتاب خدا بشناسم فرمود بلی ای عمرو بزرگترین گناهان کبیره شرک به خدا است، خدا فرموده: (مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ)، هر که برای خدا شریک قائل شود خدا بهشت را بر وی حرام کرده. و پس از آن نومیدی از رحمت خدا، است خدا فرموده: (لَا يَنبَأُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ وَ مَأْيُوسٌ نَمِي شُونَ مِنْ رَحْمَتِ اللَّهِ) مگر کفار. و سپس ایمن بودن از مکر خدا خدا فرموده: (وَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ) از مکر خدا ایمن نمی‌شوند جز

زیانکاران و عاق والدین، خدا قرار داده عاق والدین را جبار و شقی و قتل نفس بنا حق خدا فرموده. وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَعَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا پس مجازات قاتل بناحق جهنم است برای همیشه. و به زنان پاکدامن نسبت زنا دادن خدا فرموده: [صفحه ۱۶۳] لَعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ لعنت شده‌اند در دنیا و آخرت و برای آنها است عذاب بزرگ و خوردن مال یتیم خدا فرموده. إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصِيلُونَ سَعِيرًا آنان که اموال یتیمان را به ظلم می‌خورند این است جز این نیست که در شکمشان آتش می‌خورند و به زودی داخل جهنم می‌شوند. و فرار از جهاد خدا فرموده: وَ مَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بُئِسَ الْمَصِيرُ و رباخواری. خدا فرموده: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ وَ سَحَرُ كَرْدَن. خدا فرموده: وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَ زَنَا كَرْدَن. خدا فرموده! مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُخْلَدُ فِيهِ مُهَانًا وَ قَسَمُ دروغ. خدا فرموده: إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَيمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا - أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ غُلُول (خیانت) خدا فرموده: وَ مَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ زَكَاةً وَاجِبٌ رَا نَدَادَن! خدا فرموده! فَتَكُونُ بِهَا جَبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ پس داغ می‌شود به آن پیشانی آنها و پهلوشان و پشت‌هاشان. و شهادت دروغ و کتمان شهادت. خدا فرموده: وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ شَرْبُ خمر و میگساری زیرا خدا از آن نهی فرموده چنانکه از بت پرستی [صفحه ۱۶۴] نهی کرده. و ترک نماز یا چیزی از آنچه خدای عز و جل واجب کرده. زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَقَدْ بَرَّئَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِهِ یعنی هر کس نماز را عمدا ترک کند بی‌جهت از ذمه‌ی خدا و رسول بری شده است. و پیمان شکنی و قطع رحم خدا فرموده لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ روای گفت: عمر و بیرون رفت و با صدای بلند گریه می‌کرد و می‌گفت: هلاک شد کسی که به رأی خود گفت و با شما در فضل و علم نزاع کرد. روایت کرده است آن را صدوق از عبدالعظیم الحسنی و همچنین روایت کرده آن را طبرسی در مجمع البیان. (وسائل کتاب جهاد) و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: گناهان کبیره هفت است بزرگتر آنها عبارتست از: شریک قرار دادن برای خدا و کشتن شخص مؤمن و رباخواری و خوردن مال یتیم و نسبت ناروا دادن به زن عقیف پاکدامن و عاق والدین بودن و فرار از جهاد، پس هر کس خدا را ملاقات کند و از گناهان مزبور مبری باشد با من خواهد بود در بحبوحه‌ی بهشت. و در روایت سعید بن جبیر مردی به ابن عباس گفت: گناهان کبیره آیا هفت است. ابن عباس در جواب گفت احتمال هفتصد در آن بیشتر از هفت است به جز اینکه لَمَّا كَبِيرَةً مَعَ اسْتِغْفَارٍ وَ لَمَّا صَغِيرَةً مَعَ إِضْرَارٍ یعنی در صورت استغفار کردن گناهان کبیره‌ای نیست زیرا آمرزیده می‌شود گناهان صغیره نیست در صورت اصرار و تکرار زیرا آن وقت کبیره می‌شود. این دو [صفحه ۱۶۵] جمله را و احدی در تفسیرش روایت کرده (تفسیر مجمع البیان سورة النساء) (گناهان کبیره نقل از کتاب کیمیای سعادت غزالی) گناهان کبیره هفده است: چهار مربوط به قلب است کفر، عزم اصرار بر معصیت، یأس از رحمت خدا، ایمن بودن از مکر خدا. چهار مربوط است به زبان. شهادت دروغ، نسبت ناروا به زنان پاکدامن (قذف)، قسم دروغ، جادو کردن. سه مربوط است به شکم: شرب خمر، خوردن مال یتیم، رباخواری دو اندر فرج زنا - لواط دو به واسطه‌ی دست. قتل نفس - دزدی یکی بوسیله‌ی پا. فرار از جهاد یکی جمله‌ی تن: عقوب والدین کبائر نقل از تفسیر کلبی در کبائر اختلاف است. ابن عباس گفته: کبیره گناهی است که خدا آن را به آتش و یا لعنت و یا غضب ختم کرده. و بعضی علماء آن را هفده دانسته (چنانچه غزالی در کیمیای سعادت گفته) و در صحیح بخاری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: اتَّقُوا السَّبْعَ الْمُؤَبَّاتِ بپرهیزید از هفت گناه، هلاک کننده شریک قائل شدن برای خدا، سحر کردن، قتل نفس، رباخواری، [صفحه ۱۶۶] خوردن مال یتیم، فرار از جهاد و قذف محصنات یعنی نسبت زنا دادن به زنان پاکدامن. و شکی نیست که اینها از کبائر اند برای آنکه از آنها در حدیث تنصیص شده و بعضی علماء چند چیز دیگر بر آن افزوده‌اند زیرا در قرآن و حدیث برای آنها وعده‌ی عذاب داده شده که از آن جمله است عاق والدین، شهادت دروغ، قسم دروغ، زنا - دزدی - شرب خمر - تهمت زدن - نومیدی از رحمت خدا ایمن

بودن از مکر خدا - جلوگیری از آب برای ابن السبیل، در بیت الله الحرام ملحد شدن - سخن چینی - احتراز نکردن از بول - خیانت - تجاوز کردن مرد در ناموس برادرش و در حکم جور و ستم کردن (نقل از تفسیر کلبی) قوله تعالى: **إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا** (سوره النساء/۳۱) در این آیه شریفه خداوند وعده داده است که با اجتناب از کبائر گناهان صغیره را می‌آمرزد لیکن به ضمیمه اقامه‌ی فرائض رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود، نماز پنج گانه یومیه و نماز جمعه تا جمعه دیگر و صوم ماه رمضان تا رمضان آینده کفار گناهان ما بین آنها هستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **ادْخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي** یعنی من ذخیره کردم شفاعتم را برای اهل کبائر از امتم. صاحب تفسیر قرطبی [۲۵۵] گفته است گناهان کبیره منحصر به عدد معینی نیست لکن طبق احادیث صحاح بعض آنها که ضررش بالنسبه بیشتر است از بعض دیگر بزرگتر است. شرک به خدا از همه‌ی گناهان بزرگتر است و قابل آمرزش نیست چون در قرآن به آن تصریح شده قوله تعالى **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ** و قوله تعالى: [صفحه ۱۶۷] **مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ** [۲۵۶]. و بعد از آن نومی‌دی از رحمت خدا است زیرا در آن تکذیب قرآن است زیرا خدا فرموده: **وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ** و شخص ناامید می‌گوید آمرزیده نمی‌شود و بدین جهت خدا فرموده: **لَا يَنَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ**. و بعد از آن قنوط است: خدا فرموده: **قَالَ وَمَنْ يَقْطُطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ** و بعد از آن ایمن بودن از مکر خدا است زیرا پیوسته مرتکب معاصی می‌شود و متکی به رحمت خدا می‌گردد بدون عمل خدا فرموده: **أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ** و قوله تعالى: **وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَأَكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ** و بعد از آن قتل است زیرا در آن از بین بردن نفوس و اعدام وجود است رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **قَتَلَ الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ زَوَالِ الدُّنْيَا وَلَوْ لَاحِقَ بِمُؤْمِنٍ أَلْفُ نَفْسٍ** و زنا چون موجب اختلال انساب و برهم زدن خانواده‌ها است و شرب خمر چون موجب زوال عقل است و امتیاز انسان با بهائم به عقل است. و ترک صلوة در حدیث نبوی است: **مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ** هر که نماز را عمدا ترک کند بطور تحقیق کافر است رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ** و شهادت دروغ زیرا در آن استباحه‌ی دما و فروج اموال است الی غیر ذلک از چیزهایی که ضرر آن واضح و روشن است پس به طور کلی. هر گناهی که در شرع مقدس اسلام وعده‌ی عذاب به آن داده شده و ضرر آن برای وجود انسان بزرگ و خطرناک است کبیره است [۲۵۷]. [صفحه ۱۶۸] ابو داود سجستانی گفت از احمد بن حنبل شنیدم گفت تمام مسلمین در بهشت می‌باشند. گفتم چطور؟ گفت خدا فرموده: **إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا**. (یعنی الجنة). اگر از گناهان کبیره اجتناب کنید گناهان صغیره‌ی شما را می‌آمرزیم و شما را داخل بهشت می‌کنیم. و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **(ادْخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي** یعنی شفاعتم را ذخیره کردم برای کسانی از امتم که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند پس وقتی که خدای عز و جل گناهان صغیره را می‌آمرزد و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از کبائر شفاعت می‌کند پس گناهی برای مسلمین باقی نمی‌ماند (تفسیر قرطبی) ابن مسعود گفته: پنج آیه از سوره‌ی نساء پیش من از تمام دنیا محبوب‌تر است ۱ - قوله تعالى: **إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا** ۲ - قوله تعالى: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ** ۳ - قوله تعالى: **وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا** ۴ - قوله تعالى: **إِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا** ۵ - قوله تعالى: **وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...** ابن عباس گفته هشت آیه‌ی در سوره‌ی نساء برای این امت بهتر است از تمام آنچه آفتاب بر او تابیده است. ۱ - **يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّنَ لَكُمْ** ۲ - **وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ** ۳ - **يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ** ۴ - **إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ** ۵ - **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ** **يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ** ۶ - **إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ** [صفحه ۱۶۹] ۷ - **وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا** ۸ - **مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ** (تفسیر قرطبی) و اما آیه‌ای که در قرآن کریم بیشتر ما را به رحمت خدا امیدوار می‌کند در آن اختلاف است. در تفسیر قرطبی اقوال را به ترتیب بیان کرده: ابوبکر گفته: من قرآن را از اول تا آخر خواندم و آیه‌ای امیدوار

کننده تر و نیکوتر از این آیه نیافتیم قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ [۲۵۸]. زیرا طریقه و خوی بنده معصیت و طریقه‌ی پرودگار آمرزش و غفران است عمر گفته: من قرآن را از اول تا آخر خواندم و ندیدم آیه‌ای امیدوار کننده و نیکوتر از این آیه غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ که در این آیه‌ی شریفه غفران ذنوب را بر قبول توبه مقدم داشته و این مختص مؤمنین است. عثمان گفته تمام قرآن را از اول تا آخر خواندم آیه‌ای ارجی و احسن از این آیه نیافتیم. تَبَيَّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: قرآن را از اول تا آخر خواندم آیه‌ای امید بخش تر از این آیه نیافتیم. قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. بگو ای بندگان من که بر ضرر خودشان راه اسراف پیمودند و در ارتکاب گناهان بی شرمی کردند از رحمت خدا نومید نشوید زیرا خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد. برای آنکه خدا بسیار آمرزنده و رحیم است [۲۵۹]. [صفحه ۱۷۰] صاحب تفسیر قرطبی گوید: من تمام قرآن را من البدو الی الختم خواندم و آیه‌ای ارجی و احسن از این آیه نیافتیم. الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ. در تفسیر قرطبی در سوره‌ی وَالْضُّحَى عبارات ذیل نوشته شده است: از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدا شفاعت من را در حق امتم می‌پذیرد تا این که می‌فرماید ای محمد آیا راضی شدی پس می‌گویم ای پرودگار راضی شدم. و در صحیح مسلم آمده که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت فرمود این آیه را که درباره‌ی ابراهیم خلیل است. فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. و قول عیسی را: إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ. پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دستهایش را به دعا بلند کرد و گفت اللهم امتی بار خدایا امت من امت من و گریه کرد پس خداوند سبحان به جبرئیل فرمود برو نزد محمد و پرودگار تو اعلم است و سؤال کن چرا گریه می‌کنی پس جبرئیل آمد و سؤال کرد و به پرودگار خبر داد خدا به جبرئیل فرمود برو نزد محمد و به او بگو خدا می‌فرماید ما تو را درباره‌ی امت راضی خواهیم کرد و ترا ناراحت نمی‌کنیم. و حضرت علی علیه السلام به اهل عراق فرمود: شما می‌گوئید امید بخش ترین آیه در کتاب خدا این آیه است: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا إِلَى آخِرِ كَفَرْتُمْ وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ. شما می‌گوئید امید بخش ترین آیه در کتاب الله این آیه است. [صفحه ۱۷۱] وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى البته به زودی خدای تو ای محمد به تو عطا فرمود که راضی شوی در این حدیث است که چون این آیه نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در این صوت به خدا قسم من راضی نخواهم شد که یک نفر از افراد امتم در آتش باشد.

در حساب

فی الحدیث الرضا علیه السلام اذا كان يوم القيامة وقف المؤمن بين يديه فيكون هو الذي يتولى حسابه فيعوض عليه فينظر في صحيفته فأول ما يرى سيئاته فيتغير لذلك لونه و ترتعش فرايصه و تفزع نفسه ثم يرى حسناته فتقر عينه و تسر نفسه و تفرح روحه ثم ينظر الى ما اعطاه الله من الثواب فيشتد فرحه ثم يقول الله للملائكة هلموا الى الصحف التي فيها الاعمال التي لم يعملوها قال فيقرؤنها فيقول و عزتك انك لتعلم انا لم نعمل منها شيئا فيقول صدقتم نويتموها فكتبناها لكم ثو يثابون. فرمود: چون روز قیامت شود خداوند مؤمن را جلوی خودش نگه می‌دارد و خودش از او حساب می‌کشد پس عرضه می‌شود بر مؤمن عملش پس در نامه‌ی عملش می‌نگرد پس اول چیزی را که می‌بیند گناهان او است پس رنگش تغییر می‌کند و بدنش می‌لرزد و جزع و فرع می‌نماید سپس حسنات و کارهای نیک خود را مشاهده می‌کند چشمش روشن می‌شود و مسرور و شاداب می‌شود سپس نظر می‌کند به ثواب هائی که خدا به او عطا فرموده و شادی اش بیشتر می‌شود بعد خدا [صفحه ۱۷۲] به ملائکه می‌فرماید. بیاورید به سوی من نامه‌هائی را که در آن ثبت شده اعمالی که بجای نیاورده‌اند، فرمود: پس آن نامه‌های اعمال را می‌خوانند و عرضه می‌دارند به عزت تو سوگند تو می‌دانی که ما هیچ یک از آن اعمال حسنه را بجای نیاوردیم پس خدای می‌فرماید راست می‌گوئید لیکن نیت آن اعمال را کردید و ما آن

اعمال حسنه را برای شما نوشتیم پس به آنها ثواب داده می شود.

جدال و مرء

عَنِ الرَّضَّاعِ قَالَ: الْمَرْءُ فِي كِتَابِ اللَّهِ كُفْرٌ. [۲۶۰]. جدال و مرء در کتاب خدا کفر است.

در خوردن انار

قال الرضا (ع) أَكَلُ الرُّمَّانِ يَزِيدُ فِي مَاءِ الرَّجُلِ وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۲۶۱]. فرمود: خوردن انار در آب مرد می افزاید و فرزند را نیکو می گرداند.

زنا

محمد بن سنان عن الرضا (ع) مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الرَّضَّاعِ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ وَحَرَّمَ اللَّهُ الزَّانَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنْ قَتْلِ النَّفْسِ وَذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَتَرْكِ التَّزْيِيهِ لِلْأَطْفَالِ وَفَسَادِ الْمَوَارِيثِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ وَجُوهِ الْفَسَادِ. [۲۶۲]. حضرت رضا علیه السلام در جواب مسائل محمد بن سنان نوشت: خدا [صفحه ۱۷۳] زنا را حرام کرد برای مفاسدی که بر آن مترتب است از قتل نفس و از بین رفتن نسب و ترک تربیت اطفال و ضایع شدن ارث و مانند اینها از مفاسد دیگر. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الزَّانَا يُورِثُ الْفَقْرَ [۲۶۳]. زنا کردن موجب فقر می شود (نگارنده گوید ممکن است فقر دنیا یا فقر آخرت یا هر دو باشد) و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لَانِ يَزْنِي الرَّجُلُ بَعِشْرَةَ نِسْوَةٍ خَيْرٌ، لَهُ مِنْ أَنْ يَزْنِيَ بِامْرَأَةٍ جَارَةٍ وَلَا أَنْ يَسْرِقَ الرَّجُلُ مِنْ عَشْرَةِ آيَاتٍ أَيْسَرُ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْرِقَ مِنْ بَيْتٍ جَارَةٍ [۲۶۴]. هر گاه مردی با ده زن زنا کند آسان تر است از این که با زن همسایه زنا کند و اگر مردی از ده خانه دزدی کند آسان تر و گناهش کمتر است از آنکه از خانه همسایه اش دزدی کند پناه به خدا می بریم. حضرت امیرالمؤمنین فرمود: مَا زَنَى غَيْرُ قَطٍ [۲۶۵]. یعنی شخص با غیرت هرگز مرتکب زنا نخواهد شد. و در روایت آمده است: مَنْ زَنَى زَنَى بِه وَلَوْ فِي عَقَبِ عَقْبِهِ هَرَّ كَسْ بِا زَنْ يَا دَخْتَرُ وَنَامُوسٌ دِیْگَرِی زَنَا كَنْد بِا زَنْ يَا دَخْتَرِی نَامُوسٌ وَی زَنَا خَوَاهَنْد كَرْد اِگَر چِه بِا نَسْل بَعْدِیْش بِاشَد. در اسلام برای مرد و زن زنا کار حد معین شده. اگر مرد بی زن و زن بی شوهر مرتکب زنا شدند باید هر یک صد تازیانه بخورند. [صفحه ۱۷۴] (الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً) (قرآن کریم) هر گاه مرد زن دار و زن شوهر دار زنا کردند باید رجم یعنی سنگسار شوند. یکی از مطاعن عمر این است که زن شوهر داری مرتکب زنا شده بود و از زنا حمل پیدا کرده بود عمر دستور داد رجمش کنند معاذ بن جبل به او گفت در زمان حمل نباید سنگسار شود باید صبر کرد پس از وضع حمل حکم را اجرا کرد عمر ممنون شد و گفت: لَوْ لَا مُعَاذُ لَهْلَكَ عُمَرُ. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: إِيَّاكُمْ وَالزَّانَا فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ يَذْهَبُ الْبَهَاءُ عَنِ الْوَجْهِ وَيَقْطَعُ الرِّزْقُ وَيَسْخَطُ الرَّحْمَنُ وَالْخُلُودُ فِي النَّارِ. [۲۶۶]. یعنی دوری کنید از ارتکاب زنا زیرا موجب چهار امر می شود. ۱ - بهاء و نورانیت صورت را می برد ۲ - موجب قطع رزق می شود. ۳ - خدا را به خشم می آورد. ۴ - موجب خلود در آتش می شود. در حدیث دیگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: يَا عَلِيُّ فِي الزَّانَا سِتُّ خِصَالٍ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَيَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ وَيُعْجَلُ الْفَنَاءُ وَيَقْطَعُ الرِّزْقُ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَسَوْءُ الْحِسَابِ وَسَخَطُ الرَّحْمَنِ وَخُلُودٌ فِي النَّارِ يَا عَلِيُّ الزَّانَا سَبْعُونَ جُزْءًا فَأَيُّسَرُهَا مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ يَا عَلِيُّ دِرْهَمٌ رَبًّا أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ سَبْعِينَ زَنْيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحَرَّمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ يَا عَلِيُّ مَنْ مَنَعَ قَبْرًا مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا بِمُسْلِمٍ وَلَا كَرَامَةً [۲۶۷]. فرمود یا علی: [صفحه ۱۷۵] در زنا کردن شش خصلت می باشد سه در دنیا و سه در آخرت اما آن سه که در دنیا است، نور صورت را می برد، عمر را کوتاه می کند، روزی را قطع می نماید و اما آن سه که در

آخرت است حساب او در قیامت بد می شود خدا بر وی غضب می نماید و در جهنم جاویدان می ماند.

در خواب و اقسام آن

عن الرضا عن آبائه فی حدیث ان رجلا سئل علینا علیه السلام عن النوم علی کم وجه هو؟ قال ع: النوم علی اربعه اوجه: النُّومُ عَلَى أَرْبَعِهِ أَوْجُهُ الْأَنْبِيَاءُ تَنَامُ عَلَى أَفْفَيتِهِمْ مُسْتَلْقِينَ وَ أَعْيُنُهَا لَا تَنَامُ مُتَوَقِّعَةً لَوْحِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُؤْمِنُ يَنَامُ عَلَى يَمِينِهِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ وَ الْمُلُوكُ وَ أَتْبَاؤُهُمَا تَنَامُ عَلَى شَمَائِلِهِمْ لَيْسَ تَمْرُؤُوا مَا يَأْكُلُونَ وَ إِبْلِيسُ مَعَ إِخْوَانِهِ وَ كُلُّ مَجْنُونٍ وَ ذُو عَاهِرَةٍ يَنَامُ عَلَى وَجْهِهِ مُبْطِحاً.

حضرت رضا از پدران خود روایت کرده که مردی از علی سؤال کرد خواب چند قسم است: حضرت علی فرمود خواب بر چهار قسم می باشد پیغمبران به پشت می خوابند و چشمهاشان نمی خوابد متوقف اند برای نزول وحی خدای عز و جل. و مؤمن به پهلو راست می خوابد رو به قبله و پادشاهان و شاهزادگان به طرف پهلو چپ شان می خوابند تا آنچه خورده اند بر آنها گوارا شود. [صفحه ۱۷۶] و شیطان و برادرانش و هر شخص دیوانه و صاحب عیب و آفت برو می خوابند در کتاب ذخیره المعاد فی تهذیب الاخلاق تألیف حاج ملا نوروز علی فاضل بسطامی از متقدمین از کتاب ابواب الجنان نقل کرده که در روایت آمده است که خواب هفت قسم است. خواب غفلت و خواب شقاوت و خواب لعنت و خواب عقوبت و خواب رخصت و خواب حسرت و خواب راحت، خواب غفلت آنست که در مجلسی که ذکر خدا نمایند مثل موعظه و غیره خواب رود. خواب شقاوت خواب وقت نماز است. خواب لعنت آن است که در وقت نماز صبح بخوابد. خواب عقوبت خواب بعد از نماز صبح است شاید عقوبت محروم بودن از رزق حلال باشد چنانکه در روایت وارد شده است. خواب رخصت خواب بعد از نماز خفتن است. خواب حسرت خواب نیمه شب جمعه می باشد شاید تسمیه ی آن خواب به حسرت از این جهت باشد که چون شب جمعه بسیار عظیم و وقت تضرع و مناجات با خداوند جلیل است که ابواب واسعه رحمت خداوند منان بروی بندگان باز و نسایم عفو و غفران از جانب خداوند مهربان می وزد پس خود را از فیض چنین شبی به سبب خوابیدن موجب ندامت و حسرت در روز قیامت خواهد بود پس شخص عاقل خود را از چنین فیض بزرگ محروم نمی کند. خواب راحت خواب قیلوله است که در بعضی از روایت از آن مدح شده [صفحه ۱۷۷] رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود در شب زیاد نخواب زیرا خواب زیاد در شب صاحبش را در روز قیامت فقیر می کند. خداوند سبحان در قرآن کریم فرموده. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا پاره ی از شب را بیدار باش نافله بخوان امید است خدای تو به تو مقام محمود عطا کند مفسرون گفته اند مقام شفاعت است یعنی اجازه شفاعت کردن دارد خیام گوید: در خواب بُدَم مرا خردمندی گفت از خواب کسی را گل شادی نشگفت کاری چه کنی که با اجل باشد جفت برخیز که زیر خاک می باید خفت در وصایای لقمان حکیم به فرزندش روایت شده که گفت. يَا بُنَيَّ لَا يَكُنِ الدَّيْكَ اَكَيْسَ مِنْكَ ينادی بِالْأَسْحَارِ وَ أَنْتَ نَائِمٌ. لقمان به فرزندش گفت پسر من نکند از خروس عقب بمانی و آن از تو زیرک تر باشد هنگام سحر صدا به اذان بلند کند و تو در خواب باشی سعدی گوید یاد دارم که شبی در کاروانی همه ی شب رفته بودیم و سحر بر کنار بیشه ی خفته ی شوریده ای که در آن سفر همراه ما بود نعره برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت چون روز شد گفتمش آن چه حالت بود، گفت بلبلان را دیدم که به ناله در آمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهائم از بیشه اندیشه کردم که مروت نباشد همه در ذکر و تسبیح و من به غفلت خفته دوش مرغی به صبح می نالید عقل و صبرم بیرد و طاقت و هوش یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید بگوش گفت باور نداشتم که تو را بانگ مرغی چنین کند مدهوش گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح خوان و من خاموش (گلستان) قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لرجل من اصحابه یا فلان لا تكثر النوم باللیل فان كثرة النوم [صفحه ۱۷۸] باللیل یدع صاحبه فقیرا یوم القیامة حقیر گوید یک قسم خواب دیگر هست بنام خواب عبادت چنانکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جمعه آخر ماه شعبان در فضیلت شهر رمضان فرمود أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ تَوَكُّمٌ فِيهِ عِبَادَةٌ یعنی خواب

شما در ماه رمضان عبادت محسوب می شود. از آن بالاتر خواب حضرت علی علیه السلام به جای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای فداکاری که پیغمبر به سلامت به هدف خود برسد که در این هنگام آیهی شریفه *إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ* نازل شد بی مناسبت نیست این حکایت کوچک نیز از گلستان در این جا نوشته شود حکایت یکی از ملوک بی انصاف پارسائی را پرسید که از عبادت ها کدام فاضل تر است گفت تو را خواب نیم روز تا در آن یک نفس خلق را نیازی ظالمی را خفته دیدم نیمروز گفتم این فتنه است خوابش برده به و آنکه خوابش بهتر از بیداری است آن چنان بد زندگانی مرده به

مهمان

مُحَمَّدُ الطَّائِي عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ دَعَا رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ ع - عَلَى أَنْ تَضْمَنَ لِي ثَلَاثَ خِصَالٍ: لَا تُدْخِلُ عَلَيْنَا شَيْئًا مِنْ خَارِجٍ وَلَا تَدْخِرُ عَنَّا شَيْئًا فِي الْبَيْتِ وَلَا تُجَحِّفُ بِالْعِيَالِ قَالَ ذَلِكَ لَكَ فَأَجَابَهُ عَلِيُّ إِلَى ذَلِكَ [۲۶۸]. محمد طائی از حضرت رضا (ع) روایت کرده که مردی حضرت علی را دعوت کرد به منزلش، حضرت فرمود با سه شرط این دعوت را می پذیرم [صفحه ۱۷۹] ۱ - آن که از خارج منزل چیزی را تهیه نکنی [۲۶۹]. ۲ - آنچه در منزل موجود است از ما مضایقه نکن. ۳ - به عیال و فرزندان اجحاف نکن که از حق آنها کم کنی برای پذیرائی مهمان مرد این سه شرط را پذیرفت و حضرت علی هم دعوت را قبول کرد

مهمان

قَالَ الرَّوَايُ: نَزَلَ بِأَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا ضَيْفٌ وَكَانَ جَالِسًا عِنْدَهُ يُحَدِّثُهُ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ فَتَغَيَّرَ السَّرَاجُ فَمَدَّ الرَّجُلُ يَدَهُ إِلَيْهِ لِيُضْلِحَهُ فَرَبَّرَهُ أَبُو الْحَسَنِ ع ثُمَّ بَادَرَهُ بِنَفْسِهِ فَأَضْلَحَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَعْدِمُ أَضْيَافَنَا. [۲۷۰]. راوی گفت برای حضرت رضا مهمانی آمد و نشست او نزد و با ایشان قسمتی از شب را مشغول مذاکره و گفتگو بود پس چراغ عیب پیدا کرد مرد مهمان دستش را دراز کرد چراغ را اصلاح کند حضرت مانع شد و حضرت به تنهایی چراغ ها را اصلاح کرد و فرمود ما مهمان را به کار وانی داریم

جو

فِي إِشْبَاحِ الْوُضُوءِ عَنِ الرُّضَا قَالَ: فَضَّلُ الشَّعِيرِ عَلَى الْبُرِّ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ دَعَا لِأَكْلِ الشَّعِيرِ وَبَارَكَ عَلَيْهِ وَمَا دَخَلَ جَوْفًا إِلَّا وَأَخْرَجَ كُلَّ دَاءٍ فِيهِ وَهُوَ قُوْتُ الْأَنْبِيَاءِ وَطَعَامُ الْمَأْبُورِ أَبِي اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ قُوْتُ أَنْبِيَائِهِ إِلَّا شَعِيرًا. [۲۷۱]. [صفحه ۱۸۰] فرمود: فضیلت جو بر گندم مانند فضیلت و برتری ما است بر مردم نیست پیغمبری مگر آن که دعوت کرده به خوردن جو و آن را مبارک دانسته و در شکم کسی داخل نشد مگر آن که هر دردی را از آن بیرون کرد و آن قوت پیغمبران و غذای نیکان است خدا منع کرد از آنکه قرار دهد از آنکه قرار دهد قوت پیامبرانش را جز جو.

هم سفره شدن با مهمان

عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلْخٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ الرُّضَا فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَاسَانَ فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ فَقُلْتُ لَوْ عَزَلْتُ لَهُمْ لَاءِ مَائِدَةٍ فَقَالَ مَهْ إِنَّ الرِّبَّ تَعَالَى وَاحِدٌ وَالدِّينُ وَاحِدٌ وَاللَّهُمَّ وَاحِدَةٌ وَالْأَبُّ وَاحِدٌ وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ. [۲۷۲]. از مردی از اهل بلخ روایت شده که گفت با حضرت رضا علیه السلام بودم در سفر آن حضرت بخراسان، پس یک روز دستور داد سفره ای را گسترند و تمام غلامانش را از سیاه و سفید بر سر آن سفره جمع فرمود پس عرض کردن فدایت شوم اگر برای اینان سفره های جداگانه گسترده می شد بهتر نبود فرمود ساکت باش خدای ما و آنها یکی است دین یکی است مادر یکی و پدر یکی است و جزای همه به اعمال است. النَّاسُ مِنْ جِهَةِ التَّمَثَالِ أَكْفَاءُ أَبُوهُمْ آدَمُ وَالْأُمُّ حَوَاءُ مَرْدَمُ مِنْ جِهَةِ الشَّكْلِ مِثْلُ مَا يَكْدِيكَرُونَ بِدَرْشَانِ آدَمَ وَ

مادرشان حواست در حدیث آمده: الناس مجزیون باعمالهم ان خیرا فخیرا و ان شرا فشرأ مردم جزاء داده می شوند به اعمالشان اگر خوب است خوب و اگر بد است بد [صفحه ۱۸۱] اصمعی می گوید: در شب مهتابی وارد مسجدالحرام شدم و در اثناء طواف دور خانه‌ی کعبه ناله‌ی حزینی شنیدم و جلب توجه مرا نمود دنبال صدا رفتم دیدم جوانی نیکو صورت دست به پرده‌ی کعبه گرفته و با پرودگار کارساز به راز و نیاز پرداخته و در دربار قاضی الحاجات مشغول مناجات است به قدری تضرع و زاری کرد که افتاد و غش کرد نزدیک رفتم دیدم امام زین العابدین، سید الساجدین علی بن الحسین علیه السلام است سرش را بدامن گذاشتم گریه‌ی شدیدی کردم قطره‌های اشک من بر صورتش جاری شد چشم باز کرد فرمود کیست که در این حال مرا از ذکر مولایم باز داشته عرض کردم من اصمعی هستم ای سید و مولای من چیست این جزع و فزع برای چه این قدر گریه می کنی تو از اهل بیت نبوت و رسالتی مگر نه این است که آیه‌ی تطهیر در شأن شما نازل شده، برخاست و نشست فرمود: ای اصمعی هیهات هیهات. ان الله خلق الجنّة لمن أطاعه و ان كان عبداً حبشیّاً- و خلق النار لمن عصاه و لو كان ملكاً قرشیّاً- أما سمعت قول الله تعالى فإذا نفخ في الصور- فلا أنساب بينهم خدا بهشت را خلق کرد برای مطمئین اگر بنده‌ی حبشی باشد و خلق کرد آتش را برای گنهکاران هر چند سید قرشی باشد. آیا نشیدی کلام خدا را که فرمود وقتی صور دمیده شود پس نیست انسابی میان آنها [۲۷۳]. و خداوند سبحان در قرآن کریم فرموده: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ حافظ گوید: مرد خدا شناس که تقوی طلب کند خواهی سفید جامه و خواهی سیاه باش و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از خطبه‌هایش فرموده: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ إِيهَا النَّاسُ، ان ربکم واحد و ان أباکم واحد، کلکم [صفحه ۱۸۲] لَادَمَ وَ آدَمَ مِنْ تَرَابٍ- أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى [۲۷۴]. یعنی ای مردم همانا خدای شما یکی است و پدر شما یکی است همه‌ی شما به آدم منسوب هستید و آدم از خاک آفریده شده عزیزترین شما نزد خدا پرهیز کارترین شما است نیست برای عرب و عجم فضیلت و برتری مگر به تقوی و پرهیزکاری. پرهیزکار باش که دادار آسمان فردوس جای مردم پرهیزکار کرد

در رحمت

معمر بن خلاد قال قلت لابی الحسن الرضا علیه السلام مُعَمَّرُ بْنُ خَلَادٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع: أَدْعُو لَوَالِدَتِي إِذَا كَانَا لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ؟ قَالَ ادْعُ لَهُمَا وَ تَصِدَّقْ عَنْهُمَا وَ إِنْ كَانَا حَيِّينِ لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ فَدَارِهِمَا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِالرَّحْمَةِ لَا بِالْعُقُوقِ. [۲۷۵]. مُعَمَّرُ بْنُ خَلَادٍ گفت به حضرت رضا عرض کردم: آیا برای پدر و مادرم دعا کنم هر گاه بر دین باطل باشند؟ فرمود برای آنها دعا کن و عوض آنها صدقه بده و اگر زنده هستند و حق را نشناخته‌اند با آنها مدارا کن. زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدا مرا مبعوث فرمود: به رحمت نه بر عقوق. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ جنت که رضای مادران است در زیر قدوم مادران است [صفحه ۱۸۳] انس روایت کرده جوانی به نام علقمه در زمان رسول خدا مریض شد و مرضش شدت یافت تا در حال سکران قرار گرفت گفتند به او بگو لا اله الا الله نتوانست بگوید خبر به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دادند فرمود آیا پدر و مادرش زنده‌اند گفتند پدرش مرده ولی مادرش زنده است پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مادرش را احضار فرمود و آمد از مادر حال پرسش را پرسید که آیا چگونه جوانی بوده است مادر گفت همیشه نماز می خواند و روزه می گرفت و صدقه به فقراء می داد فرمود: تو آیا دوستش داری گفت نه فرمود چرا؟ گفت برای آنکه زنش را بر من ترجیح می داد حرف مرا نمی پذیرفت و حرف او را اطاعت می کرد پیغمبر فرمود نارضایتی مادر موجب شده دهانش بسته شده و نمی تواند لا اله الا الله بگوید پس از مادر تقاضا کرد از او بگذرد و مادر قبول نکرد سپس به بلال فرمود هیزم جمع کن تا من علقمه را بسوزانم مادرش ناراحت شد گفت پسر من میوه‌ی دل من را می خواهی جلوی چشمم بسوزانی؟ پیغمبر فرمود میل داری خدا او را بیامزد پس از وی راضی باش قسم به آن خدائی که جان من بدست توانای اوست از نماز و روزه

و صدقه بهره‌مند نخواهد شد تا زمانی که تو بر او خشمگین هستی پس مادر دستش را به دعا برداشت گفت خدا و رسول را شاهد می‌گیرم که من از او راضی شدم پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ای بلال برو بین علقمه می‌تواند بگوید لا اله الا الله شاید مادر از صمیم قلب دعا نکرده باشد برای حیات از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بلال روانه شد به در خانه رسید شنید علقمه گفت لا اله الا الله و از دنیا رفت. [۲۷۶].

در ترک عقوق

روی عن علی بن موسی الرضا عن ابیه عن جدّه ابی عبدالله ع قال: لَوْ عَلِمَ اللَّهُ لَفُظَهُ أَوْجَزَ فِي تَرْكِ عُقُوقِ الْوَالِدَيْنِ مِنْ أَفٍّ لَأَتَى بِهِ. [صفحه ۱۸۴] وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْهُ ع قَالَ: أَذْنَى الْعُقُوقِ أَفٌّ وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ شَيْئًا أَيْسَرَ مِنْهُ وَ أَهْوَنَ مِنْهُ لَنَهَى عَنْهُ. [۲۷۷]. حضرت علی بن موسی الرضا (ع) از پدرش از جدش حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرمود اگر خدا لفظی مختصرتر از کلمه‌ی اف (اشاره است به آیه‌ی کریمه‌ی فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ) در ترک عاق والدین می‌دانست آن را می‌آورد. و در روایت دیگر از حضرت رضا (ع) از امام صادق آمده که فرمود: کمترین حد و اندازه‌ی عاق والدین گفتن کلمه‌ی اف (چنانکه در فارسی متداول است می‌گوئیم آه چقدر حرف می‌زنی) و اگر خدا می‌دانست کلمه‌ای را از آن آسانتر و کمتر از آن نهی می‌فرمود. مجاهد گفته است معنای آیه فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ این است که اگر پدر و مادر یا یکی از آنان به سن پیری و کبر رسیدند به حدی که جای خود بول کردند و نتوانستند خود را نگه دارند و جمع‌آوری کنند بر آنها با نظری که دلالت دارد بر ناراحتی و دلتنگی و نارضایتی نگاه نکن و کلمه‌ای که نشانه‌ی کراهت و طبع و بی‌میلی باشد بر زبان جاری مکن همان طوری که آنها در اوائل طفولیت تو که به جای خود بول می‌کردی با محبت کامل تو را پاکیزه نموده و شستشو می‌نمودند در تفسیر مجمع‌البیان حدیثی نقل کرده که فرمود، فلیعمل العاق ما یشاء ان یعمل فلن یدخل الجنة یعنی عاق پدر و مادر هر عملی بکند فایده ندارد و داخل بهشت نخواهد شد و در صحیح بخاری از عبدالله روایت شده که گفت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم. أَى الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ کدام عمل نزد خدا محبوبتر است فرمود: (الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا) نماز در اول وقت، قال: ثُمَّ أَى؟ گفت بعد از نماز چه عملی؟ فرمود (ثم بر الوالدین) پس از نماز احسان به پدر و مادر. [صفحه ۱۸۵] قال ثم ای؟ قال: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ گفت بعدا چه عملی فرمود: جهاد در راه خدا پس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر داده که بعد از نماز که بزرگترین رکن اسلام است (الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ احسان به پدر و مادر است. در صحیح مسلم عبدالله بن عمرو روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود حکم النبی صلی الله علیه و آله و سلم ج ۶ ۵۳۰ الحديث ص : ۵۳۰ ان مِنَ الْكَبَائِرِ شَتَمُ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ، قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَهَلْ يَشْتِمُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ؟ قال: نعم يَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَا الرَّجُلِ فَيَسُبُّ أَبَاهُ، وَيَسُبُّ أُمَّهُ فَيَسُبُّ أُمَّهُ. یعنی یکی از گناهان کبیره آنست که شخص پدر و مادرش را دشنام دهد بعضی صحابه گفتند یا رسول الله آیا کسی مگر به پدر و مادر خود فحش می‌دهد فرمود بلی پدر دیگری را فحش می‌دهد او هم پدر وی را دشنام می‌دهد و مادر دیگری را دشنام می‌دهد او هم مادر او را دشنام می‌دهد. در تفسیر قرطبی روایت شده که مردی آمد نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و گفت: مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أَبُوكَ یعنی با چه کسی باید بیشتر محبت و حسن معاشرت داشته باشم؟ فرمود مادرت، گفت پس از آن با چه کسی؟ فرمود مادرت، گفت بعد از آن با چه کسی فرمود مادرت گفت بعد با چه کسی فرمود پدرت از این حدیث استفاده می‌شود که محبت با مادر و احسان به او باید سه برابر محبت و احسان نسبت به پدر باشد و این برای آن است که سختی حمل و صعوبت وضع حمل و سختی ایام رضاع و شیر دادن و تربیت و پرورش و مراقبت از طفل و شب‌نخوابی‌ها مختص مادر است. [صفحه ۱۸۶] پسر رو قدر مادر دان که دایم کشد رنج پسر بیچاره مادر برو بیش از پدر خواهش که خواهد ترا بیش از پدر بیچاره مادر ز جان محبوب‌تر دارش که دارد ز جان محبوبتر بیچاره مادر نگهداری کند نه ماه و نه روز ترا چون جان به بر بیچاره

مادر از این پهلوی بآن پهلوی نغلتد شب از بیم خطر بیچاره مادر به وقت زادن تو مرگ خود را بگیرد در نظر بیچاره مادر اگر یک عطسه آید از دماغت رود هوشش ز سر بیچاره مادر اگر یک سرفه بیجا نمائی خورد خون جگر بیچاره مادر برای این که شب راحت بخوابی خوابد تا سحر بیچاره مادر دو سال از گریه‌ی روز و شب تو نداند خواب و خور بیچاره مادر چو دندان آوری رنجور گردی کشد رنج دگر بیچاره مادر سپس چون پا گرفتی تا نیفتی خورد غم بیشتر بیچاره مادر خلاصه آنکه تا جان بگیری شود جانش بسر بیچاره مادر به مکتب چون روی تا باز گردی بود چشمش بدر بیچاره مادر تمام حاصلش از زحمت این است که دارد یک پسر بیچاره مادر و در خبر است که رضای پروردگار در رضای پدر و مادر و خشم پروردگار در خشم پدر و مادر است. به حضرت زین العابدین علیه السلام گفتند تو از نیکوکار ترین مردم هستی و با مادرت در یک کاسه غذا نمی‌خوری برای چه فرمود ترس دارم که لقمه‌ای را که او به آن نظر دارد بردارم و عاق شوم و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: **إِيَّاكُمْ وَعُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ وَلَا يَجِدُ رِيحَهَا عَاقٌ** [۲۷۸]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زنهار حذر کنی از عقوق پدر و مادر زیرا بوی [صفحه ۱۸۷] بهشت از پانصد سال راه شنیده می‌شود و با وجود این بمشام کسی که عاق پدر و مادر باشد نمی‌رسد. و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من حج والده بعد وفاته كتب الله لوالده حجة و كتب له براءة من النار: فرمود: هر کس برای پدرش حج کند پس از مرگ او خداوند برای پدرش ثواب یک حج می‌نویسد و برای خودش آزادی از آتش را. قال الباقر علیه السلام: **إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ بَارًّا بِوَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضِي عَنْهُمَا دَيْنُهُمَا وَلَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَاقًا وَإِنَّهُ لَيَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ بَارٍّ بِهِمَا فَإِذَا مَاتَا قَضَى دَيْنُهُمَا وَاسْتَغْفَرَ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَارًّا** حضرت باقر علیه السلام فرمود: همانا بنده می‌باشد نیکوکار به پدر و مادرش در زمان زندگی آنها پس پدر و مادرش می‌میرند و دین آنها را نمی‌پردازد و برای آنها طلب آمرزش نمی‌کند خدا او را عاق می‌نویسد. و بنده‌ی عاق پدر و مادر می‌باشد در زمان حیات آنها و پس از مرگ آنها دین آنها را ادا می‌کند و برای آنها طلب آمرزش می‌نماید خدای عز و جل او را بارو و نیکوکار به پدر و مادر می‌نویسد. پس این روایت بشارت و مژده‌ی بزرگ و دوا‌ی سودمندی است برای کسانی که در زمان حیات پدر و مادر عاق شدند و رضای آنها را حاصل نکردند پس از مرگ آنها می‌توانند جبران کنند و نباید مأیوس و ناامید باشند زیرا یأس از رحمت خدا بعد از شرک از تمام گناهان بزرگتر است و فرموده‌اند: (مَنْ عَقَّ وَالِدَيْهِ عَقَهُ وَلَدَهُ) هر کس پدر و مادرش را عاق کند فرزندش او را عاق خواهد کرد. [صفحه ۱۸۸] سعدی گوید: جوانی سر از رأی مادر بتافت دل دردمندش به آذر بتافت چو بیچاره شد پیشش آورد مهد که ای سست مهر فراموش عهد نه در مهد نیروی حالت نبود مگس راندن از خود مجالت نبود تو آنی که از یک مگس رنجه‌ی که امروز سالار و سر پنجه‌ی در کتاب ذخیره المعاد فی تهذیب الاخلاق تالیف حاج ملا نوروز علی فاضل بسطامی که از حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: **جميع مسلمين در روز قیامت مرا خواهند دید مگر عاق والدین و شراب‌خوار و کسی که نام مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد. و در اخبار بسیار وارد شده و به تجربه رسیده که هر که به پدر و مادر یا یکی از آنها بدی کند عمر او کوتاه و زندگانی او به تلخی می‌گذرد و فقر و پریشانی بر او مستولی می‌گردد و سکرات مرگ بر او شدید می‌شود و جان‌کندن بر وی دشوار می‌گردد و هر که به پدر و مادر نیکی کند خیر دنیا و آخرت خواهد دید. از حضرت باقر (ع) روایت شده که فرمود: سه چیز است که خداوند عالم از برای احدی رخصت ترک آن را نداده. ۱ - رد امانت به نیکوکار و بدکار. ۲ - وفای بعهده به بر و فاجر. ۳ - نیکوئی کردن به والدین خواه بر باشند و خواه فاجر. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: چه باز می‌دارد مردی از شما را که نیکوئی نماید با والدین خود خواه زنده باشند و خواه مرده که نماز برای ایشان کند و تصدق از جانب ایشان نماید و حج به جهت ایشان بجا آورد و روزه از برای ایشان بگیرد، تا ثواب آنچه کرده است از برای ایشان باشد و مثل آن ثواب نیز برای او باشد. پس بر هر شخص لازم و واجب است نهایت اهتمام در اکرام والدین و تعظیم و احترام ایشان بجا آورد و [صفحه ۱۸۹] کوتاهی در خدمت ایشان نکند و آیات و اخبار و کلمات بزرگان در این خصوص**

بسیار است که این مختصر گنجایش نقل آنها را ندارد و در بعضی از احادیث قدسیه وارد شده است که پادشاه عالم فرمود به عزت و جلال و بلندی خودم قسم که اگر عاق والدین عبادت جمیع پیغمبران را بکند از او قبول نمی‌کنم و اول چیزی که در لوح محفوظ نوشته شده این بود که منم خدائی که به جز من خدائی نیست هر که پدر و مادر از او راضی است من از او راضیم و هر که پدر و مادر بر او خشمناک است من از او ناراضی هستم اینک برای ختم این گفتار دو شعر که در آن محبت مادر مجسم شده نوشته می‌شود. داد معشوقه به عاشق پیغام که کند مادر تو با من جنگ هر کجا بیندم از دور کند چهره پر چین و جبین پر از رنگ از در خانه مرا طرد کند همچو سنگ از دهن قلابسنگ مادر سنگدلت تا زنده است شهد در کام من و تست شرنگ نشوم یکدل و یکرنگ ترا تا نسازی دل او از خون رنگ گر تو خواهی بوصالم بررسی باید این ساعت بی‌خوف و درنگ روی و سینه‌ی تنگش بدری دل برون آری از آن سینه‌ی تنگ گرم و خونین بمنش باز آری تا برد ز آینه‌ی قلبم زنگ عاشق بی‌خرد ناهنجار نه بل آن فاسق بی‌عصمت و ننگ حرمت مادری از یاد ببرد خیره از باده و دیوانه ز بنگ رفت و مادر را افکند به خاک سینه بدرید و دل آورد به چنگ قصد سر منزل معشوقه نمود دل مادر به کفش چون نارنگ از قضا خورد دم در بزمین اندکی رنجه شد او را آرننگ ز آن دل گرم که جانداشت هنوز آمد آهسته برون این آهنگ آه دست پسر یافت خراش وای پای پسر خود بسنگ (ایرج) [صفحه ۱۹۰] مادری پیر و پریشان احوال عمر او بود فزون از پنجاه زن بی‌شوهر و از حاصل عمر یک پسر داشت شرور و خودخواه دیده بود او ببر مادر خویش یک گره بسته‌ی زر گاه بگاه شبی آمد که بگیرد آن زر بکند صرف عمل‌های تباه مادر از دادن زر کرد ابا گفت رو رو که گناهست گناه این ذخیره است مرا ای فرزند بهر دامادیت انشاءالله پسر افشرد گلوی مادر سخت چندان که رخس گشت سیاه نیم جان پیکر مادر بگرفت بر سر دوش و بیفتاد براه برد در چاه عمیقی افکند کز جنایت نشود کس آگاه کرد او خم کمر خویش که تا افکند یک نظری در ته چاه ناله‌ی زار حزینی آمد از ته چاه به گوشش ناگاه آخرین گفته‌ی مادر این بود آه فرزند نیفتی در چاه (حاج میرزا یحیی دولت آبادی)

در مناجات حضرت موسی

عن ابی‌ابوب عن الرضا صلی الله علیه‌السلام قال: عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ: كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى ع أَنَّهُ مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرِّبُونَ بِمِثْلِ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَتِي وَمَا تَعَبَّدَ لِي الْمُتَعَبِّدُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي وَلَا تَزَيْنَ لِي الْمُتَزَيِّنُونَ بِمِثْلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا عَمَّا يُهْمُّ الْغِنَى عَنْهُ فَقَالَ مُوسَى - يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ فَمَا أَتَّبِعُهُمْ عَلَى ذَلِكَ فَقَالَ يَا مُوسَى أَمَّا الْمُتَقَرِّبُونَ لِي بِالْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَتِي فَهُمْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى لَمَّا يَشْرَكُهُمْ فِيهِ أَحَدٌ وَأَمَّا الْمُتَعَبِّدُونَ لِي بِالْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أَفْتَشُ النَّاسَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَمَّا أَفْتَشُهُمْ حَيَاءَ مِنْهُمْ وَأَمَّا الْمُتَزَيِّنُونَ لِي بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَإِنِّي [صفحه ۱۹۱] أُبَيِّحُهُمُ الْجَنَّةَ بِحِذَائِهَا يَتَبَوَّءُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُونَ. ابی ایوب از حضرت رضا علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: در مناجات موسی ع با خدا از جمله کلام خدا با موسی این بود نزدیک نکرد به من آنانی را که خواستند به من نزدیک شوند مانند گریه کردن از خوف من و عبادت و بندگی نکرد برای من آنکه در مقام عبادت من بود مثل پارسائی و اجتناب از آنچه من حرام کردم و جلوه و آرایش نیافت برای من آنکه خود را جلوه‌گر مساخت آرایش کرد مانند زهد و کناره‌گیری در دنیا از آنچه به آن نیازی نیست پس موسی گفت یا اکرم الاکرمین چه آنها را بر آن عقیده و گفتار پایدار کرد! پس حق تعالی فرمود: ای موسی اما کسانی که به واسطه‌ی گریه کردن از خوف من تقرب جستند پس آنان در فردوس برین می‌باشند و احدی در آن مقام با ایشان شریک نخواهد بود. و اما کسانی که لباس بندگی مرا در بر کردند بواسطه اجتناب از آنچه حرام کردم پس من از اعمال مردم بررسی و بازجوئی می‌نمایم و آنان را به واسطه‌ی حیاء از ایشان تفتیش و بازجوئی نمی‌کنم. و اما آنهایی که به واسطه‌ی زهد در دنیا خود را بنظر من آرایش و زینت داده پس من تمام بهشت را به ایشان مباح می‌کنم که هر جا بخواهند از آن جای کنند و قرار گیرند -

در سفره

فِي إِشْبَاحِ الْوُضُوءِ عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الَّذِي يَشْقُطُ مِنَ الْمَائِدَةِ مُهُوْرُ الْخُورِ الْعَيْنِ [۲۷۹].
فرمود: آنچه از سفره می‌ریزد (از نان خورده) مهریه‌های حور العینند [صفحه ۱۹۲]

بلادر آخر الزمان

عن الرضا عن ابيه عن آبائه ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَذُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْأَنْكُ فِي النَّارِ يَعْنِي الرَّضَا وَ مَا ذَاكَ إِلَّا لَمَّا يَرَى مِنَ الْبَلَاءِ وَالْإِحْدَاثِ فِي دِينِهِمْ لَا يَسْتَطِيعُ لَهُ غَيْرًا. فرمود بیاید بر مردم زمانی که در آن زمان دل مؤمن آب می‌شود همانطور که قلیچ (ار زین) در آتش آب می‌شود و این نیست مگر به واسطه‌ی آنچه می‌بیند از بلاء و گرفتاری و بدعتها در دین و نمی‌تواند آن را تغییر دهند.

در فوائد مویز

عن الرضا عليه السلام عن آبائه عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: عليكم بالزيب، فانه يكشف المرء و يذهب بالبلغم و يشد العصب و يذهب بالاعياء و يحسن الخلق و يطيب النفس و يذهب بالغم. [۲۸۰]. فرمود، بر شما باد به خوردن مویز، زیرا آن صفرا و سودا و بلغم را می‌برد و عصب را محکم می‌کند و خستگی را از بین می‌برد و خلق را نیکو می‌کند و نفس را پاکیزه می‌نماید و غم و اندوه را از بین می‌برد.

ایمان آوردن فرعون

إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع- لَأَيِّ عِلَّةٍ أَعْرَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِرْعَوْنَ- وَ قَدْ آمَنَ بِهِ وَ أَقَرَّ بِتَوَحُّدِهِ؟ قَالَ لِأَنَّهُ آمَنَ عِنْدَ رُؤْيَيْهِ النَّاسِ [صفحه ۱۹۳] وَ الْإِيمَانُ عِنْدَ رُؤْيَيْهِ النَّاسِ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَ ذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِي السَّلَفِ وَ الْخَلَفِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا وَ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا الْحَدِيثُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ همدانی گفت به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم به چه علت خدای عز و جل فرعون را غرق کرد و حال آنکه به خدا ایمان آورده و به یگانگی خدا اقرار کرده فرمود: برای آنکه هنگام دیدن عذاب ایمان آورد و ایمان هنگام دیدن عذاب قبول نمی‌شود و این حکم خدا است در گذشته و آینده، خدا فرموده: (فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا ...) یعنی چون عذاب ما را دیدند گفتند ایمان آوردیم و به آنچه تا کنون مشرک بودیم کافر شدیم پس هنگام رؤیت عذاب ایمان آنها به حالشان سودمند نشد و نیز فرموده: (يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ ...) روزی که بعضی آیات و نشانه‌های پروردگار تو می‌آید برای هیچکس ایمان آوردنش سود ندارد در صورتی که قبلاً ایمان نیاورده است یا کسب خیری در ایمان آوردنش نکرده است.

در گلاب

قال علي بن موسى الرضا عليه السلام: مَنْ خَرَجَ فِي حَاجَةٍ وَ مَسَّحَ وَجْهَهُ بِمَاءِ الْوَرْدِ لَمْ يَرْهَقْ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَ لَا ذَلَّةٌ وَ مَنْ شَرِبَ مِنْ سُورِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بُرِيدَ بِهِ التَّوَاضُّعُ أَذْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ الْبُتَّةَ وَ مَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ. [۲۸۱]. [صفحه ۱۹۴] فرمود: هر که به صورتش گلاب بمالد و برای حاجتی بیرون رود غبار فقر و ذلت بر روی او نشیند و

هر که به منظور تواضع و فروتنی از سُر و باقی مانده‌ی آب یا غذای برادر مؤمنش بخورد خدا را بطور قطع و یقین داخل بهشت می‌کند و هر کس تبسم کند بصورت برادر مؤمنش و با روی خندان به او بنگرد خدا برای او حسنه و ثواب می‌نویسد و هر کس خدا برایش ثواب بنویسد عذاب نمی‌کند او را.

اثر شب زنده داری

علی بن موسی الرضا عن أبيه عن جده قال: عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَاع عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: سُرِّلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع مَا يَأَلُ الْمُتَهَجِّدِينَ بِاللَّيْلِ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا قَالَ لَأَنْتُمْ خَلَوُا بِاللَّهِ فَكَسَاهُمْ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ. [۲۸۲]. از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدند: به چه علت شب زنده داران و آنانی که در نیمه‌ی شب به نافلة اشتغال داشته و با خدای خویش راز و نیاز و مناجات می‌کنند صورتشان از دیگران زیباتر است؟ فرمود: برای آنکه آنها با خدا خلوت کردند پس خدا از نور خود به آنها پوشانید. در حاشیه مفاتیح الجنان از قطب راوندی روایت کرده که حضرت عیسی علیه السلام پس از مرگ مادرش او را صدا زد و گفت ای مادر با من تکلم کن آیا می‌خواهی دنیا بر گردی؟ گفت بلی برای آنکه نماز گزارم برای خدا در شب بسیار سرد و روزه بگیرم در روز بسیار گرم، ای پسر من این راه خوفناک است. [صفحه ۱۹۵] و نیز قطب راوندی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود طمع مکن در سه چیز با سه چیز: طمع مکن در بیداری شب با پر خوردن و در نور صورت با خوابیدن تمام شب و در امان از دنیا با معاشرت و صحبت مردمان فاسق. و از انس روایت است که شنیدم حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود دو رکعت نماز در دل شب بهتر است نزد من از دنیا و آنچه در دنیا است. روایت بسیار از اهل بیت عصمت علیهم السلام در باب برخاستن شب و فضیلت آن وارد شده و روایت شده که آن شرف مؤمن است و نماز شب باعث صحت بدن، کفاره‌ی گناهان روز و برطرف کننده‌ی وحشت قبر است روی را سفید و بو را پاکیزه و روزی را زیاد می‌نماید و آنکه مال و فرزندان زینت حیات دنیایند و هشت رکعت نماز در آخر شب با دو رکعت شفع و یک رکعت نماز وتر زینت آخرت است و گاهی حق تعالی جمع می‌فرماید هر دو زینت را برای بعضی از مردمان، دروغ گفته کسی که بگوید من نماز شب می‌خوانم و روز گرسنگی می‌برم زیرا نماز شب ضامن روزی روز است. و کیفیت نماز شب به نحو اجمال و اختصار: هشت رکعت نافلة شب بعد از هر دو رکعت سلام می‌دهد مانند نماز صبح و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر و در نماز وتر دست برمی‌دارد برای قنوت. ۱ - برای چهل مؤمن دعا می‌کند: اللهم اغفر لفلان و فلان. ۲ - ۷۰ دفعه می‌گوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ ۳ - هفت دفعه می‌گوید هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ. ۴ - ۳۰۰ دفعه می‌گوید العفو العفو بعد هر دعا که می‌خواهد بخواند و می‌رود به رکوع. [صفحه ۱۹۶]

بی توجهی امام به جمعی از شیعیان

فِي حَدِيثٍ أَنَّ الرِّضَاعَ جَفَا جَمَاعَةً مِنَ الشَّيْعَةِ وَ حَجَبَهُمْ فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا هَذَا الْجَفَاءُ الْعَظِيمُ وَ الِاسْتِخْفَافُ بَعْدَ الْحِجَابِ الصَّعْبِ قَالَ لِدَعْوَاكُمْ أَنْتُمْ شِيعَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع - وَ أَنْتُمْ فِي أَكْثَرِ أَعْمَالِكُمْ مُخَالِفُونَ وَ مُقْصِرُونَ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ تَتَهَاوَنُونَ بِعَظِيمِ حُقُوقِ إِخْوَانِكُمْ فِي اللَّهِ وَ تَتَّقُونَ حَيْثُ لَمَّا تَجِبُ التَّقِيَّةُ وَ تَتْرَكُونَ التَّقِيَّةَ حَيْثُ لَا يُدَّ مِنَ التَّقِيَّةِ. [۲۸۳]. در حدیثی روایت شده که حضرت رضا علیه السلام جفا کرد به جمعی از شیعه و آنها را به منزلش راه نداد پس گفتند ای فرزند رسول خدا این جفای بزرگ برای چیست؟ و این استخفاف و اهانت پس از جلوگیری از ورود ما برای چه می‌باشد؟ فرمود: برای آنکه شما مدعی هستید که شیعه امیرالمؤمنین می‌باشید و حال آنکه شما در بیشتر کارها تان مخالفید و در بسیاری از واجبات مقصر می‌باشید به حقوق بزرگ برادران دینی خود با نظر بی اهمیتی می‌نگرید و جائی که نباید تقیه کنید تقیه می‌نمائید و جائی که باید تقیه کنید تقیه را ترک می‌نمائید. قال رسول الله ص: مَنْ أَصْبَحَ وَ لَيْلَهُمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ [۲۸۴]. یعنی هر کس شب را صبح کند و به کارهای

مسلمانان اهمیتی ندهد و بی اعتنا باشد مسلمان نیست.

صحیح بودن احادیث

عن الحسن بن الجهم عن الرضا عليه السلام قال [صفحه ۱۹۷] قلت له تجيئنا الاحادیث عنکم مختلفه، فقال ما جائك عنا فقس على كتاب الله عز و جل و احادیثنا فان كان يشبههما فهو منا و ان لم يكن يشبههما فليس منا، قلت يجيئنا الرجال و كلاهما ثقة بحديثين مختلفين و لا نعلم ايهما الحق؟ قال: فاذا لم تعلم فموسع عليك بايهاما اخدت. حسن بن جهم از حضرت رضا ع روایت کرده گفت به آن حضرت عرض کردم احادیث مختلف از شما به ما می رسد، فرمود آنچه از ما به شما رسید با کتاب خدا و احادیث ما مقایسه کن پس اگر به آن دو شباهت داشت از ما است و گرنه از ما نیست گفتم دو نفر که دو ثقة و مورد اطمینان هستند دو حدیث مختلف از شما نقل کنند. و نمی دانیم کدام حق است و فرمود در این صورت به هر یک از آنها عمل کردی صحیح است.

در روزه يوم الشک

محمد بن سنان قالت سألت الرضا عليه السلام عن يوم الشک فقال: إِنَّ أَبِي كَانَ يَصُومُهُ فَصِيَمُهُ [۲۸۵]. محمد بن سنان گفت سؤال کردن از حضرت رضا (ع) از روزهی يوم الشک (که نمی دانیم آخر شعبان یا اول ماه رمضان است) فرمود پدرم آن روز را روزه می گرفت، پس روزه بدار آنروز را.

خوش صور تان

عن الرضا عن آبائه قال قال رسول الله ص: اطلبوا الْخَيْرَ عِنْدَ حِسَانِ الْوُجُوهِ، فَإِنَّ فَعَالَهُمْ أُخْرَى أَنْ [صفحه ۱۹۸] تَكُونَ حَسَنًا. فرمود از خوش صور تان در خواست خیر کنید زیرا کارهای آنها شایسته تر است که نیکو باشد:

صورت های تابان

قال علی بن موسی الرضا ع فی قوله تعالی (وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَظِرَةٌ) یعنی مُشْرِقَةٌ يَنْتَظِرُ ثَوَابَ رَبِّهَا. فرمود در آیه مبارکهی وجوه یومئذ ... یعنی صورتهائی که در قیامت تابان و شاداب هستند منتظر ثواب پروردگارشان می باشد:

در نیشابور

لما وافى ابوالحسن الرضا عليه السلام نيسابور فأراد أن يرحل منها الى المأمون اجتمع اليه اصحاب الحديث فقالوا يا بن رسول الله ترحل عنا و لا تحدثنا بحديث نستفيد منه و كان قد قعد في العمارية فأطلع رأسه و قال سمعت أبي موسى بن جعفر ع يقول سمعت أبي جعفر بن محمد ع يقول سمعت أبي امير المؤمنين علي بن ابي طالب ع يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول سمعت جبرئيل ع يقول سمعت الله عز و جل يقول: لا اله الا الله حصني فمن دخل حصني امن من عذابي) فلما مرت الراحلة نادى بشروطها و انا من شروطها [۲۸۶]. [صفحه ۱۹۹] حضرت رضا در مسافرت مرو وارد نیشابور شد و قدری توقف فرمود هنگامی که بر محمل سوار شد تا از شهر خارج شود اصحاب حدیث دور او گرد آمدند و عرض کردند یا بن رسول الله از شهر ما می روی و حدیثی نمی فرمائی که استفاده کنیم حضرت سر از محمل بیرون کرد و فرمود از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که از پدران خود نقل کرد تا حضرت امیرالمؤمنین که فرمود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم فرمود از جبرئیل شنیدم گفت از ذات مقدس پروردگار شنیدم فرمود: لا اله الا الله - الله قلعهی محکم من است و هر کس در قلعهی من وارد شود از عذاب من در امان است چون

مربک حرکت کرد حضرت ندا کرد کلمه‌ی توحید با شرایطش قلعه‌ی الهی است و من خود از شروط آن هستم یعنی به شرط آنکه مرا امام بدانید.

در واقعه

عن رجل قال سألت ابا الحسن الرضا عليه السلام عن اتيان الرجل المرأة من خلفها فقال: احلتها ايه من كتاب الله: قول لوط: هؤلاء بناتي هن اطهر لكم و قد علم انه لا يريدون الفرج [۲۸۷]. شخصی گفت از حضرت رضا (ع) سؤال کردن از مواقعه‌ی مرد با زنش از پشت فرمود یک آیه از قرآن آن را حلال کرده گفتار لوط اینان دختران من هستند آنها برای شما پاکیزه‌تر و بهتر اند و او می‌دانست که قومش چه می‌خواهند.

در مواقعه

عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: [صفحه ۲۰۰] ان الله تبارك و تعالی على الاناث ارق منه على الذكور و ما من رجل يدخل فرحة على امرأة بينه و بينها حرمة الا فرحه الله يوم القيامة [۲۸۸]. فرمود خدای تعالی نسبت به زنان و دختران مهربان تر است تا مردان و هیچ مردی دل زنی را که با او نسبت و قرابت دارد شاد نمی‌کند مگر آن که خدای تعالی او را در قیامت شاد خواهد کرد:

ازدواج با بد خلق

بشار الواسطی قال کتبت الی ابي الحسن الرضا علیه السلام ان لی قرابة قد خطب الی و فی خلقه سوء قال: لا تزوجه ان کان سیی الخلق [۲۸۹]. بشار واسطی گفت نوشتم به حضرت رضا علیه السلام یکی از خویشان من که بد خلق است از من درخواست کرده با وی وصلت کنم، فرمود اگر بدخلق است وصلت مکن. این روایت عام است یعنی نهی فرموده از آن که دختر بدهی بمرد بدخلق و از ازدواج با زن بدخلق یکی از صفات حمیده و خصال پسندیده خلق نیکو است خدا پیغمبرش را در قرآن کریم بواسطه خلق نیکو ستوده و فرموده انک لعلی خلق عظیم و از خلق بد نکوهش نمود و فرموده و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بعثت لاتمم مکارم الاخلاق یعنی من مبعوث شدم که اخلاق پسندیده را کامل کنم در جامعه بشر و [صفحه ۲۰۱] نیز فرموده: یا بنی عبدالمطلب انکم لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهکم باخلاقکم: یعنی ای فرزندان عبدالمطلب شما نمی‌توانید مردم را با مال‌ها تان بسوی خود جلب کنید پس از آن‌ها را با اخلاق نیک به دوستی انتخاب کنید حضرت علی علیه السلام فرمود: اکرم الحسب حسن الخلق یعنی بهترین حسب خلق نیکو است (حافظ می‌گوید) صد ملک دل به نیم نظر می‌توان خرید خوبان در این معامله تقصیر می‌کند.

در زوجه صالحه

قال الرضا علیه السلام ما أفاد عبداً فائدةً خيراً من زوجةٍ صالحةٍ إذا رآها سيرته و إذا غاب عنها حفظته في نفسها و ماله. یعنی هیچ بنده ای فائده‌ای نبرده که بهتر از زن خوب باشد که وقتی شوهرش او را می‌بیند شاد می‌شود و در غیاب شوهر ناموس خود و مال شوهر را حفظ می‌کند: در شرح اللمعه نظیر این روایت از رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود ما استفاد امرء مسلم فائدة بعد الاسلام افضل من زوجه مسلمة تسره اذا نظر اليها و تطيعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها في نفسها و ماله. و نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که خدای عز و جل فرموده اگر بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمان جمع کنم قرار می‌دهم برای او دل خاشع [صفحه ۲۰۲] و زبان ذاکر و بدن صابر و زوجه‌ی مؤمنه که هرگاه شوهر وی را ببیند خوشحال گردد و در

غیاب شوهرش مال شوهر و ناموس خود را حفظ کند. پس به موجب احادیث مزبور بهترین نعمت‌ها بعد از نعمت دین اسلام دارا بودن زوجه صالحه است و در مقابل بدترین گرفتاری‌ها زن بد است. (چنانکه سعدی گفته) زن بد در سرای مرد نکو هم در این عالم است دوزخ او زینهار از قرین بد زینهار و قنار بنا عذاب النار:

در خرج بر عیال

قال العیاشی استأذنت الرضا علیه السلام فی النفقة علی العیال، فقال بین المکروهین: قلت لا اعرف المکروهین، قال ان الله تعالى کره الاسراف و کره الاقتار فقال: و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما: عیاشی گفت از حضرت رضا علیه السلام کسب تکلیف کردم درباره‌ی مقدار خرج کردن برای اهل و عیال فرمود اندازه بین دو مکروه است گفتم معنای دو مکروه را نمی‌دانم فرمود: خدای تعالی کراهت دارد اسراف در مال و ولخرجی را و هم چنین کراهت دارد تنگ گرفتن بر زن و فرزند را و حد اعتدال را ستوده است و آیه مزبور را تلاوت فرمود. ۱ - در تمام شؤون زندگی باید حد اعتدال را رعایت کرد و از افراط و تفریط بر حذر بود آیات متعدده در قرآن کریم بر این امر دلالت دارد از جمله این آیه مبارکه: و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و اتبع بین ذلک سبیلا ۲ - این آیه شریفه: [صفحه ۲۰۳] ۳ - کلا و اشربوا و لا تسرفوا. ۴ - فلا یسرف فی القتل. و حضرت علی ع فرموده (لا تری الجاهل الا مفرطا او مفرطا) و نیز در صفات متقین فرموده و ملبسهم ألاقتصاد

مغبون

فی اسباب الوضوء عن الرضا عن آبائه علیهم السلام قال: الْمَغْبُونُ لَا مَحْمُودٌ وَلَا مُأْجُورٌ. [۲۹۰]. یعنی شخص مغبون که در معامله گول خورده نه نزد مردم ستوده است و نه اجر و ثوابی عاید وی می‌گردد:

سهو در نماز

قال الرضا علیه السلام إِذَا كَثُرَ عَلَيْكَ السَّهْوُ فِي الصَّلَاةِ فَاْمُضْ عَلَى صِلَاتِكَ وَلَا تُعْذِرْ. [۲۹۱]. یعنی هر گاه در نماز زیاد سهو کردی نمازت را تمام کن و اعاده نکن

در نماز جماعت

فضل بن شاذان عن الرضا ع فی کتابه الی المؤمن قال: فَضِّلُ الْجَمَاعَةِ عَلَى الْفَرْدِ أَرْبَعٌ وَعِشْرُونَ [۲۹۲]. یعنی فضیلت نماز جماعت بر فردی بیست و چهار برابر است [صفحه ۲۰۴]

امام جماعت

فضل بن شاذان عن الرضا ع فی کتابه الی المؤمن قال: لا یقتدی الا اهل الولاية [۲۹۳]. یعنی نباید اقتدا کرد در نماز مگر بکسی که ولایت اهل بیت عصمت را دارا باشد. روایت ۱۸۱ -

در قنوت

عن البرقی عن سعد بن سعد الاشعری عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: سئلت عن القنوت، هل یقنت فی الصلوة کلها، او فیما

تجهر فيه بالقراء؛ قال ليس القنوت الا في الغداة و الجمعة و الوتر و المغرب [۲۹۴]. از برقی سعد بن سعد اشعری از حضرت رضا روایت کرده گفت از آن حضرت سؤال کردم از قنوت که آیا در همه‌ی نمازها می‌باشد یا در نمازهایی که بلند خوانده می‌شود (مانند صبح و مغرب و عشاء) فرمود قنوت نیست مگر در نماز صبح و نماز وتر و نماز مغرب.

خمس

علی بن شعبه فی تحف العقول عن الرضا ع فی کتاب الی المأمون قال (و الخمس من جميع المال مرة واحدة) [۲۹۵]. یعنی خمس از تمام مال یکدفعه واجب می‌شود نه بیشتر. [صفحه ۲۰۵]

حفظ مال

عن الرضا علیه السلام فی کتابه الی المأمون، قال: (و من قتل دون ماله فهو شهيد) [۲۹۶]. یعنی هر کس برای حفظ مالش کشته شود شهید است.

فروش سگ

عن الرضا علیه السلام قال: ثَمَنُ الْكَلْبِ سُحْتٌ وَ السُّحْتُ فِي النَّارِ. [۲۹۷]. یعنی پولی که از فروش سگ گرفته شود حرام است و حرام منجر به آتش خواهد شد.

کشتن مار

عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم مَنْ قَتَلَ حَيَّةً فَكَأَنَّمَا قَتَلَ كَافِرًا [۲۹۸]. فرمود: هر کس ماری را بکشد مثل این است که کافری را کشته

پس از نماز صبح

معمر بن خلاد عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال کان و هو بخراسان اذا صلى الفجر جلس فی مصلاه الی ان تطلع [صفحه ۲۰۶] الشمس، ثم یؤتی بخریطه فیها مساویک فیستاک بها واحدا بعدو احد ثم یؤتی بکندر، فیمضغه، ثم یؤتی بمصحف یتقرء فیها [۲۹۹]. معمر بن خلاد گفت وقتی حضرت رضا در خراسان بود پس از نماز صبح در محل نماز خود می‌نشست تا طلوع آفتاب سپس ظرفی که در آن مسواکها بود می‌آوردند و با همه‌ی آنها مسواک می‌کرد و بعد کندر می‌آوردند و می‌جوید و بعد قرآن می‌آوردند و تلاوت می‌نمود.

در جمعه آخر شعبان

عبد السلام بن صالح الهروی قال دخلت علی ابی الحسن علی بن موسی الرضا ع فی آخر جمعة من شعبان، فقال لی یا اباالصلت ان شعبان قد مضی اکثره و هذا آخر جمعة منه، فتدارک فیما بقی منه، تقصیرک فیما مضی منه و علیک بالاقبال علی ما یعنیک و ترک ما لا یعنیک و اکثر من الدعاء والاستغفار و تلاوة القرآن و تب الی الله من ذنوبک لیقبل شهر الله علیک و أنت مخلص الله عز و جل و لا تدعن امانة فی عنقک الا ادیتها و لا فی قلبک حقا علی مؤمن الا نزعته و لا ذنبا انت ترتکبه الا اقلعت عنه و اتق الله و توکل علیه

فی سرائرک و علانیتک و من يتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدرا. و اکثر من آن تقول فیما بقى من هذا الشهر: اللهم ان لم تكن غفرت لنا فیما مضى من شعبان فاغفر لنا فیما بقى منه فان الله تبارک و تعالی یعتق فی هذا الشهر رقابا من النار لحرمة شهر رمضان [۳۰۰]. [صفحه ۲۰۷] عبدالسلام صالح هروی گفت داخل شدم بر حضرت رضا علیه السلام در جمعه‌ی آخر شعبان، پس فرمود ای اباصلت بیشتر ماه شعبان گذشت و امروز جمعه آخرش است، پس در چند روز باقی مانده‌ی این ماه تدارک و تلافی تقصیر ایام گذشته‌ی آن را بکن و بر تو لازم است که رو کنی بر کارهای با معنی که بر تو کمک کند و ترک کن کارهای بی معنی و بی فائده را و بسیار دعا و استغفار کنی و قرآن بخوان و از گناهانت توبه کن تا آنکه ماه خدا بر تو بیاید و تو خالص برای خدای عز و جل باشی و مگذار امانتی در گردنت مگر آنکه او را ادا کنی و نه حقی در دلت بر مؤمنی مگر آن را از خود برداری و پردازی و نه گناهی را که مرتکب شده‌ای مگر آنکه آن را بوسیله‌ی توبه کردن از خودت قلع و قمع کنی و از خدا بترس و بر خدا توکل کن در ظاهر و باطن و هر کس بر خدا توکل کند خدا مهمات وی را کفایت کند و در باقیمانده‌ی این ماه این دعا را زیاد بخوان که معنایش این است: بار الها اگر در آنچه از ماه شعبان گذشته مرا نیامرزیدی پس در چند روز باقی از این ماه مرا بیامرز زیرا، خدای تبارک و تعالی در این ماه بندگانی را از آتش جهنم آزاد می کند برای احترام ماه رمضان

در شفاء

ذکر یا ابن آدم عن الرضا علیه السلام قال: قل علی جمیع العلل: یا منزل الشفاء و مذهب الداء انزل علی و جهی الشفاء. فانک تعافی انشاء الله [۳۰۱]. فرمود برای تمام امراض این دعا را بخوان انشاء الله شفاء خواهی یافت

در شفاء

عن خالد العیسی عن الرضا علیه السلام: قال [صفحه ۲۰۸]: عَلَّمَنِي هَذِهِ الْعُودَةَ وَقَالَ عَلَّمَهَا إِخْوَانُكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّهَا لِكُلِّ أَلَمٍ وَ هَيْ: أُعِيدُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَ رَبِّ السَّمَاءِ أُعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ أَشِجَمِهِ دَاءٌ أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَ شِفَاءٌ. [۳۰۲]. خالد عیسی گفت حضرت رضا علیه السلام این تعویذ را به من یاد داد و فرمود آن را به برادران خود از مؤمنین یاد بده زیرا این دعا برای هر دردی مفید است.

در دعاء

محمد بن سنان عن الرضا علیه السلام قال کان ابی علیه السلام اذا خرج من منزله قال: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ لِمَا بِحَوْلِ مَنِّي وَ لِمَا قُوَّتِي بِلِ بَحْوَلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا رَبِّ مُتَعَرِّضاً لِرِزْقِكَ فَأَتِنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ. [۳۰۳]. حضرت رضا علیه السلام فرمود چون پدرم از منزل بیرون می رفت این دعا را می خواند.

در دعاء

قال هِشَامُ بْنُ حَمْرَةَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع يَقُولُ مَنْ قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا عَنْهُ [تَشْيَعَهُ وَ] تَشْعِينَ [صفحه ۲۰۹] نَوْعاً مِنَ الْبَلَاءِ الدُّنْيَا أَيْسَرُهَا الْحَقُّ. [۳۰۴]. فرمود هر کس بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم خدا به واسطه‌ی این ذکر از او دفع کند نود قسم از بلاء دنیا را که آسان ترین آنها خناق است.

در دعاء

قال الراوى كَما أَنَّ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَبِسْمِ اللَّهِ وَلَجْتُ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَلَما حَوَلَ وَلَما قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ عَنْ مُحَمَّدُ بْنُ سَئِدَانَ قَالَ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا يَقُولُ ذَلِكَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ [۳۰۵]. در روایت است که حضرت باقر و حضرت رضا علیهما السلام هنگام خروج از منزل این دعا را می خواندند.

در دعاء

عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ أَنَّهُ صَحِبَ الرِّضَا عَنِ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرْوَةَ فَكَانَ يُسَبِّحُ فِي الْأَخْرَافِ يَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَرْكَعُ. [۳۰۶]. رجاء بن ابی ضحاک گفت از مدینه تا مرو در خدمت حضرت رضا بودم و در دو رکعت آخر نماز تسبیحات اربع می خواندند سه دفعه سپس رکوع می کردند.

در دعاء

محمد بن الولید عن یونس قال قلت للرضا علیه السلام: [صفحه ۲۱۰] علمنی دعاء و اوجز، فقال ع قال: یا مَنْ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِهِ، وَ دَلَّلَ قَلْبِي بِتَضْيِيقِهِ، أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيْمَانَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ [۳۰۷]. یونس گفت به حضرت رضا عرض کردم دعای مختصری بمن یاد بده فرمود این دعا را بخوان.

در دعاء

مِنْ كِتَابِ تَغْيِيرِ الرُّؤْيَا لِمُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيِّ وَ هَذَا لَفْظُهُ أَحْمَدُ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا قَالَ: رَأَيْتُ أَبِي ع فِي الْمَنَامِ فَقَالَ يَا بَنِي إِذَا كُنْتَ فِي شِدَّةٍ فَأَكْثِرْ مِنْ أَنْ تَقُولَ يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ (وَالَّذِي نَرَاهُ فِي النَّوْمِ كَمَا نَرَاهُ فِي الْيَقَظَةِ). [۳۰۸].

قائلین به جبر

عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنِ الرِّضَا قَالَ: مَنْ قَالَ بِالْجَبْرِ فَلَا تُعْطُوهُ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا وَلَا تَقْبَلُوا لَهُ شَهَادَةً أَبَدًا الْحَدِيثَ. [۳۰۹]. فرمود هر کس قائل به جبر است به او از زکوة چیزی ندهید و شهادت آنها را هیچوقت نپذیرید.

عباده

مواظظ ابی الحسن الرضا علیه السلام [صفحه ۲۱۱] قال علیه السلام: ليس العبادَةُ كثرة الصيام و الصلوة و انما العبادَة كثرة التفكر في امر الله و قال اذا اراد الله امرا، سلب العبادَة قولهم فاذا انفذ امره و تمت ارادته، رد الى كل ذي عقل عقله، فيقول كيف ذا؟ و من اين ذا؟ و قال؟ الصمت باب من ابواب الحكمة، ان الصمت يكسب المحبة، انه دليل على كل خير و قال علیه السلام: ما من شيئي من الفضول الا و هو يحتاج اليه الفضول من الكلام و قال الاخ الاكبر بمنزلة الاب. و سئل عن السفلة فقال من له شيئي يلهيه عن الله. و قال لا يتم عقل امرء مسلم، حتى يكون فيه عشر خصال، الخير منه مأمول و الشر منه مأمون يستقل كثرة الخير من نفسه و يستكثر القليل الخير من غيره، لا- يسأم من طلب الحوائج و لا- يمل من طلب العلم طول دهره، الفقر في الله احب اليه من الغنى، والذل في الله احب اليه من العز في عدوه و الخمول اشهى اليه من الشهرة ثم قال العاشرة و ما العاشرة! قيل له ما هي؟ قال انما الناس رجلان، رجل خير منه و انقى و رجل شر منه و ادنى، فاذا لقي الذي شر منه و ادنى قال لعل خير هذا باطن و هو خير له و خيري ظاهر و شرك و اذا راي الذي هو خير منه و انقى تواضع له ليلحق به، فاذا فعل ذلك فقد علا مجده و طاب خيره و حسن ذكره و ساد اهل زمانه و قيل له كيف اصبحت؟ فقال عليه السلام اصبحت باجل منقوص و عمل محفوظ و الموت في رقابنا و النار من ورائنا و لا ندرى ما يفعل بنا [۳۱۰]. [صفحه ۲۱۲]

تعقیب نماز صبح

شیخ ابن فهد در عدة الداعی از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که هر کس بعد از نماز صبح این دعا را بخواند، حق تعالی مهمات وی را کفایت کند و حاجتش را برآورده فرماید: بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ - حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسِهِمْ سُوءٌ - مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَآ شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مُنْذُ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. [۳۱۱].

در جهر قرائت

أَنَّهُ كَانَ يَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَصَلَاةِ اللَّيْلِ وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ وَالْعَدَاةِ وَيُخْفِي الْقِرَاءَةَ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ. [۳۱۲]. در کتاب عیون الاخبار از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که در [صفحه ۲۱۳] نمازهای مغرب و عشاء و نافله شب و نماز شفع و وتر و نماز صبح قرائت را بلند می خواندند و در نماز ظهر و عصر آهسته.

نماز در سفر

فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرِّضَاعِ عَنْ آيَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: صَلَّيْتُ بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ السَّفَرِ فَقَرَأَ فِي الْأُولَى الْجَحْدَ وَفِي الثَّانِيَةِ التَّوْحِيدَ - ثُمَّ قَالَ قَرَأْتُ لَكُمْ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ وَرُبْعَهُ. [۳۱۳]. در کتاب عیون الاخبار از حضرت رضا از پدرانش از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز سفر با ما خواند پس دو رکعت اول سوره ی جحد و در رکعت دوم سوره ی توحید خواند سپس فرمود قرائت کردم برای شما ثلث قرآن و ربع قرآن را

حمد و سوره در نماز

حَكَى مَنْ صَلَّيَ حَبَّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى خُرَاسَانَ أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ فِي الصَّلَوَاتِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ الْحَدِيثُ [۳۱۴]. حکایت کرده است کسی که در سفر خراسان با حضرت رضا علیه السلام بوده است که آن حضرت در نمازهای یومیه در رکعت اول سوره ی حمد و انا انزلنا می خوانده و در رکعت دوم سوره ی حمد و قل هو الله احد، الی آخر الحديث

جهر بسم الله

عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ عَنِ الرِّضَاعِ أَنَّهُ كَانَ يَجْهَرُ [صفحه ۲۱۴] بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي جَمِيعِ صَلَوَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. [۳۱۵]. رجاء بن ابی ضحاک روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام در تمام نمازهایش در شب و روز بسم الله الرحمن الرحيم را بلند می خواندند.

جهر بسم الله

وَفِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَاعِ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ [قَالَ:] وَالْإِجْهَارُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ سُنَّةٌ. [۳۱۶]. در کتاب عیون الاخبار از فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه السلام در نامه‌ی خود به مأمون نوشتند که بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحيم در تمام نمازها مستحب است،

ترک امر به معروف و نهی از منکر

قال الرضا عليه السلام قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم إذا أُمِّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذُنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى. [۳۱۷]. زمانی که امت من در مورد امر به معروف و نهی از منکر کار را به گردن دیگران بیندازند و هر شخصی یا دسته‌ای بانتظار بنشیند که دیگران آن کار را انجام دهند در این صورت باید در انتظار فرا رسیدن عذاب الهی و گرفتار شدن به یک زندگی نکبت بار باشند.

تفسیر (فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره للإسلام)

حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا [صفحة ۲۱۵] ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ قَالَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ بِإِيمَانِهِ فِي الدُّنْيَا إِلَى جَنَّتِهِ وَدَارِ كَرَامَتِهِ فِي الْآخِرَةِ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَالتَّقَرُّبِ بِهِ وَالسُّكُونِ إِلَى مَا وَعَدَهُ مِنْ ثَوَابِهِ حَتَّى يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ. [۳۱۸]. حمدان بن سلیمان گفت از حضرت رضا سؤال کردن از قول خدای عز و جل (فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره للإسلام) فرمود هر کس خدا اراده کند که او را هدایت کند به واسطه‌ی ایمانش در دنیا بسوی بهشتش و دار کرامتش در آخرت شرح صدر به او عطا می‌کند برای آنکه تسلیم خدا شود و به او وثوق پیدا کند و سکون و آرامش بیابد به آنچه خدا به او وعده فرموده از ثواب و پاداش نیکش تا آنکه به او اطمینان یابد.

صبر هنگام بلاء

عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مَنْ بُلِيَ مِنْ شَيْعَتِنَا بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ. [۳۱۹]. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که حضرت باقر ع فرمود: هر کس از شیعیان ما مبتلا شد به بلایی پس صبر کرد خداوند می‌نویسد برای او مانند اجر هزار شهید.

نماز در مسجد کوفه

مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَاعَ يَقُولُ [صفحة ۲۱۶] الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَرْدًا أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً فِي غَيْرِهِ جَمَاعَةً. [۳۲۰]. یعنی نماز در مسجد کوفه بطور فردی بهتر است از هفتاد نماز در غیر مسجد کوفه به جماعت.

الصلوة الجماعة

مُحَمَّدُ بْنُ عُمَارَةَ قَالَ: أُرْسِلْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِ أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي الْمَكْتُوبَةَ وَخَدَهُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ - أَفْضَلُ أَوْ صَلَاتُهُ فِي جَمَاعَةٍ فَقَالَ الصَّلَاةُ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلُ. [۳۲۱].

احتراز از روش دشمنان خدا

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ قَالَ إِنَّهُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي وَرَوَاهُ فِي عِيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ تَمِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمِ الْقُرَشِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ مِثْلَهُ [۳۲۲]. فرمود خدا وحی کرد یکی از پیامبرانش بگو به مؤمنین لباس دشمنان من را نبوشید و غذای دشمنان من را نخورید و به روش دشمنان من نروید که در زمره‌ی دشمنان من در آئید چنانکه آنها دشمنان من هستند. [صفحه ۲۱۷]

هزار رکعت نماز در شبانه روز

عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: جِئْتُ إِلَى بَابِ الدَّارِ الَّتِي حُسِّسَ فِيهَا الرُّضَاعُ بِسَرِّ رَخْسٍ وَقَدْ قُيِّدَ وَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ السَّجَّانَ فَقَالَ لَا سَبِيلَ لَكَ عَلَيْهِ قُلْتُ وَلَمْ قَالَ لِأَنَّهُ رُبَّمَا صِلَى فِي يَوْمِهِ وَلَيْلَتِهِ أَلْفَ رَكْعَةٍ [۳۲۳]. از عبدالله بن سلام بن صالح هروی روایت شده که گفت آمدن به در خانه‌ای که حضرت رضا در آنجا محبوس بود در قریه سرخس خراسان و در قید بود از زندان بان کسب اجازه کردم برای ملاقات آن حضرت گفت نمی‌توانی بر آن حضرت راهی بیایی و دسترسی پیدا کنی گفتم برای چه گفت برای آنکه آن حضرت بیشتر اوقات در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند.

چهر بسم الله

عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ أَنَّهُ كَانَ يَجْهَرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي جَمِيعِ صَلَوَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. [۳۲۴]. رجاء بن ابی ضحاک گفت آن حضرت در تمام نمازهای شب و روزش بسم الله الرحمن الرحیم را بلند می‌خوانده.

قنوت

فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ الرُّضَاعِ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ قَالَ: وَالْقَنُوتُ سُتَّةٌ وَاجِبَةٌ فِي الْغَدَاةِ وَالظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ [صفحه ۲۱۸] وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ. [۳۲۵]. فضل بن شاذان از حضرت رضا نقل کرده که در نوشته‌ی خود به مأمون نوشت قنوت سنتی است واجب در نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء. [صفحه ۲۱۹]

تاریخ گنبد مطهر حضرت رضا

نقل از کتاب هفتاد گفتار سید مصطفی سرابی خراسانی شهر مشهد در زمان شهادت حضرت رضا علیه السلام باین صورت نبوده خراسان که در اصل خوزستان بوده چهار شهر بزرگ داشته، طوس، نیشابور، مرو، هرات. شهر طوس که با مشهد فعلی چهار فرسنگ فاصله دارد هزار قریه داشته مشهورترین آنها قریه‌ی نوغان و قریه‌ی سناد آباد بوده که بهم نزدیک بوده‌اند و اکنون دو محله‌ی بزرگ شهر مشهد هستند. حمدالله مستوفی می‌نویسد: سناد آباد در اصل سند آباد بوده که سند باد نام مجوسی آنجا را آباد کرده و باغاتی متعلق به قریه‌ی سناد آباد بوده، از جمله باغی متعلق به حمید بن قحطبه طائی بوده که از جانب هارون و مأمون والی خراسان بوده و در آن باغ عمارتی داشته هارون که در سفر خراسان وفات کرد در آن باغ دفنش کردند و قبه‌ای بر سر قبرش بنا نمودند و حضرت رضا را هم در همان قبه‌ی الهارونیه به خاک سپردند پس از چندی سبکتکین آن قبه را برحسب ظاهر روی عداوت با هارون خراب کرد سلطان محمود غزنوی خواست بنا کند عمرش وفا نکرد سلطان محمود غزنوی فرزند او حاکم نیشابور را که معز الدین نام داشته مأمور کرد برود بنا کند. بیهقی در تاریخش می‌نویسد: رفتم بقعه را بنا کردیم و در آنجا مسجدی به ارتفاع پنج گز ساختیم و در آن [صفحه ۲۲۰] نماز بجای آوردیم بعدها در فتنه (غزها قبه خراب شد تا در زمان سنجر سلجوقی

شرف الدین ابوطاهر قمی که از رجال و اعیان قم بوده بقعه را بنا کرد باز در فتنه‌ی چنگیز به دست تولی خان پسر چنگیز خراب شد پس از چندین سال به فرمان شاه خدابنده اولجای توخان بقعه را بنا کردند که فعلا همان بنا باقی است و خرابی در آن رخ نداده مگر در زمان شاه طهماسب صفوی به واسطه‌ی زلزله شکافی برداشت و ترمیم کردند و شاه عباس صفوی آن را طلا کرد و در زمان ما آن قبه مبارکه که مطاف ملائکه بوده است و هست هدف گلوله‌ی روسها واقع شد یازدهم ماه ربیع الثانی و فی الجمله خرابی پیدا کرد آنگاه سلطان حسین میرزا شاهزاده‌ی نیر الدوله که والی خراسان بوده با مشورت مرحوم سید مرتضی مجتهد مدرس استان قدس تعمیر نمود و در آن بقعه مبارکه رواق‌های عالی واقع است از جمله دار الحفظ و دار السیاده، که از آثار امیر شاهرخ فرزند امیر تیمور گرگانی است و توحید خانه که مرحوم فیض کاشانی بنا نموده و نصف صحن عقیق را امیر علی شیر نوائی وزیر حسین بایقرا بنا کرده است و نصف دیگر بنای شاه عباس است و صحن جدید بنای فتحعلی شاه قاجار است و طلای ایوان از نادرشاه است. [صفحه ۲۲۱]

در مذمت دنیا

قال ضحاک بن سفیان الکلابی: قال لی النبی ص: یا ضحاک ما طعامک؟ قلت یا رسول الله، اللحم و اللبن، قال ص: ثم یصیر الی ماذا؟ قلت الی ما قد علمته، قال: فان الله ضرب ما یخرج من ابن آدم مثلاً لل دنیا. [۳۲۶]. ضحاک بن سفیان کلابی گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بمن فرمود: ای ضحاک، غذای تو چیست؟ گفتم یا رسول الله گوشت و شیر فرمود پس از خوردن غذا چه می‌شود؟ گفتم آنچه می‌دانی، فرمود خداوند مثل زده برای دنیا به آنچه از انسان خارج می‌شود. قال ابوالولید: سألت ابن عمر عن الرجل یدخل الخلاء فی نظر ما یرح منه قال: یأتیہ الملک: فیقول: انظر ما بخلت به الی ما صار [۳۲۷]. ابو ولید گفت از عبدالله عمر سؤال کردم از شخصی که داخل خلاء می‌شود و نظر می‌افکند به آنچه از وی خارج می‌شود گفت فرشته‌ای می‌آید و می‌گوید بنگر آنچه را که به آن بخل می‌ورزیدی به چه صورت در آمده. قال النبی ص: ما الدنیا فی الآخرة، الا کما یضع احدکم اصبعه [صفحه ۲۲۲] فی الیم، فلینظر بم یرجع [۳۲۸]. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نیست دنیا در آخرت مگر مانند آنکه یکی از شما انگشت خود را در آب دریا کرده و بیرون آورده باید بنگرد ببیند در انگشت وی چه مانده. قال عیسی: مثل الدنیا کمثل ماء البحر کلما شرب منه العطشان ازداد عطشا حتی یقتله. [۳۲۹]. حضرت عیسی فرمود مثل دنیا هم چون مثل دریا است هر قدر از آن تشنه بیاشامد عطش او زیاد می‌شود تا او را بکشد. قال مالک بن دینار: لو کانت الدنیا من ذهب یفنی: و الآخرة من خزف یبقى، لکان الواجب ان یؤثر خزف یبقى، علی ذهب یفنی، قال: فکیف و الآخرة من ذهب یبقى: و الدنیا من خزف یفنی [۳۳۰]. مالک ابن دینار گفت اگر دنیا از طلا باشد و فانی شود و آخرت از سفال باشد و باقی بماند واجب است آنچه را که باقی می‌ماند اختیار کنیم یعنی خزف و سفال را و حال آنکه آخرت از طلا است و باقی می‌ماند و دنیا از سفال است و فانی می‌شود. قال علی علیه السلام: الدنیا و الآخرة کالمشرق و المغرب اذا قربت من احدهما بعدت عن الآخر ×× [۳۳۱]. [صفحه ۲۲۳] حضرت علی علیه السلام فرمود: دنیا و آخرت مانند مشرق و مغرب هستند، هر گاه به یکی از آن دو نزدیک شوی از آن دیگری دور می‌شوی. قال علی ع: مثل الدنیا و الآخرة مثل ضرّین لبعل واحد ان ارضی هذه اسخط الآخرة [۳۳۲]. فرمود حضرت علی (ع) مثل دنیا و آخرت مثل دو هوو می‌باشند برای یک شوهر هر گاه بخواهد یکی از آن دو را راضی کند آن دیگری ناراضی می‌شود. محمد بن سوجه: مثل الدنیا و الآخرة ککفتی میزان ما ترجح احدهما تخف الآخر [۳۳۳]. محمد بن سوجه گفت مثل دنیا و آخرت مانند دو کفه‌ی ترازو است هر گاه یکی از دو کفه سنگین شود کفه‌ی دیگر سبک می‌شود. قال المسیح علیه السلام: الدنیا قنطرة، فاعبروها و لا تعمروها [۳۳۴]. حضرت مسیح (ع) فرمود: دنیا پل است از آن عبور کنید و در آن ساختمان نکنید. در ره عقبی است دنیا چون پلی بی‌بقا جائی و ویران منزلی قال رسول ص: مثل هذا الدنیا مثل ثوب شق من اوله الی آخره فبقی معلقا [صفحه ۲۲۴] بخیط فی

آخره فیوشک ذالک الخیط ان یقطع [۳۳۵]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مثل این دنیا مثل جامه‌ای است که از اول تا آخرش شکاف پیدا کرده و پاره شده پس آویزان شده بیک نخ در آخرش و نزدیک است آن نخ هم بریده شود پیوند عمر بسته بموئی است هوشدار غمخوار خویش باش غم روزگار چیست (حافظ) قال عیسی ع: من ذا الذی ینبئ علی موج البحر دارا؟ تلکم الدنیا، فلا تتخذوها قرارا [۳۳۶]. حضرت عیسی فرمود: چه کسی بر موج دریا خانه می‌سازد؟ این دنیا است پس آن را خانه‌ی خود قرار ندهید. ای که بر چرخ ایمنی زنه‌ار تکیه بر آب کرده‌ای هوشدار قال النبی ص: مالی و للدنیا، انما مثلی و مثلها، کراکب ساز فی یوم صائف، فرفعت له شجرة، فقام تحت ظلها ساعة ثم راح و ترکها [۳۳۷]. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مرا با دنیا چه کار، همانا مثل من و مثل دنیا مانند شخص سواری است که در روز تابستان سیر کند و به درختی در مسیر خود برسد و یکساعت در سایه‌ی آن استراحت کند سپس آن درخت را ترک نموده و به راه خود ادامه دهد. [صفحه ۲۲۵] قال علی علیه السلام: الدنیا تفر و تضر و تمر، ان الله سبحانه لم یرضها ثوابا لاولیائه و لا عقابا لاعدائه. شرح ابن ابی الحدید حضرت علی (ع) فرمود: دنیا مغرور می‌کند و زیان می‌رساند و می‌گذرد خداوند سبحان راضی نشد دنیا پاداش عمل نیک اولیانش باشد و نه مجازات برای دشمنانش باشد. قال عیسی ع: لا یستقیم حب الدنیا و الاخرة فی قلب مؤمن کما لا یستقیم الماء و النار. (احیاء العلوم) حضرت عیسی فرمود محبت دنیا و آخرت با هم در دل مؤمن برقرار نمی‌شود هم چنانکه آب و آتش با هم جمع نمی‌شوند. قال علی علیه السلام ان الله ملکا ینادی کل یوم لدوالموت و اجمعوا للفناء و ابنو للحزب نهج البلاغة حضرت علی (ع) فرمود همانا برای خدا فرشته‌ای است که همه روز ندا می‌کند ای فرزندان آدم بزائید برای مردن و جمع کنید برای فانی شدن و ساختمان کنید برای خراب شدن. قال رسول الله ص: الدنیا ملعونة ملعون ما فیها الا ما کان الله منها. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید جلد ۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: [صفحه ۲۲۶] دنیا ملعون است و آنچه است از اموال و غیره ملعون است مگر آنچه از آن برای خدا صرف شود. روی آن جبرئیل ع قال لنوح ع: یا اطول الانبیاء عمرا کیف وجدت الدنیا؟ قال: کدار لها بابان، دخلت من احدهما و خرجت من الاخر. روایت شده که جبرئیل به حضرت نوح گفت ای پیمبری که از همه‌ی پیمبران بیشتر عمر کردی دنیا را چگونه یافتی گفت مانند خانه‌ی دو در که از یک در داخل شدم و از در دیگر بیرون رفتم [۳۳۸]. قال ابن عمید: رأیت رأس الحسین ع بین یدی ابن زیاد علیه لعنة الله فی قصر الکوفة، ثم رأیت رأس ابن زیاد علیه اللعنة بین یدی المختار ثم رأیت رأس المختار علیه الرحمة بین یدی مصعب ثم رأیت رأس مصعب بین یدی عبدالملک قال سفیان: فقلت له: کم کان بین اول الرؤس و آخرها؟ قال: اثنا عشرة سنة. المستطرف جلد ۲ ابن عمید گفت سر حضرت امام حسین علیه السلام را دیدم جلوی ابن زیاد ملعون در قصر کوفه، سپس سر ابن زیاد ملعون را دیدم مقابل مختار پس از آن سر مختار را دیدم مقابل مصعب، پس از آن سر مصعب را دیدم جلوی عبدالملک. سفیان گفت سؤال کردم چه مدتی فاصله شد بین اولین سر و آخرین آنها [صفحه ۲۲۷] گفت دوازده سال. قال رسول الله ص: کونوا فی الدنیا اضیافا و اتخذوا المساجد بیوتا و عودوا قلوبکم الرقة و اکثروا التفکر و البکاء و لا- تختلف بکم الالهواء تبون ما لا تسکون و تجمعون ما لا تأکلون. تفسیر القرطبی جلد ۱۲ بوده باشید در دنیا میهمان و مساجد را خانه‌ی خود قرار دهید و دلها تان را عادت دهید به رقت و ترحم و بسیار تفکر کنید و گریه کنید و هوی و هوس در شما راه نیابد که بنا کنید ساختمان‌هایی را که در آن سکونت نخواهید کرد و جمع کنید آنچه را نخواهید خورد. قال رسول الله ص: الدنیا درا من لا- دار له و مال من لا مال له لها یجمع من لا عقل له و علیها یعادی من لا علم له و علیها یحسد من لا- ثقة له و لها یسعی من لا یقین له. مجموعه‌ی ورام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دنیا خانه‌ی کسی است که خانه‌ی حقیقی ندارد و مال کسی است که در آن سرای مال ندارد و برای دنیا کسی جمع می‌کند که عقل ندارد برای دنیا کسی با مردم دشمنی می‌کند که علم ندارد و بر سر دنیا کسی حسادت می‌کند با مردم که اطمینان ندارد و برای دنیا کسی کوشش می‌کند که یقین ندارد. قال الحسن ع: رحم الله اقواما کانت الدنیا عندهم و دبعة فادوها الی من ائتمنهم علیها، ثم راحوا خفافا. احیاء الملوک جلد ۳ [صفحه ۲۲۸] حضرت حسن (ع) فرمود: خدای رحمت کند جماعتی را که دنیا نزد آنها ودیعه و

امانت بود سپس آن را ادا کردند بکسی که آنان را بر آن امین قرار داده بود سپس رفتند با سبکباری. این جان عاریت که به حافظ سپرد دوست روزی رخس بینم و تسلیم وی کنم قال بعض الحكماء: الدنيا كالماء المالح، كلما ازداد صاحبها شربا ازداد عطشا او كالکاس من عسل و فی اسفله سم فللذائق منه حلاوة عاجلة و فی اسفله الموت، او كحلیم النائم، یفرح فی منامه، فاذا استیظ زال فرحه او كالبرق یضیی قلیلا، ثم یدهب. المستطرف جلد ۲ بعضی از حکماء گفته: دنیا مانند آب شور است که هر قدر صاحبش زیاد بیاشامد عطش وی زیاد گردد یا مانند جام عسل است که در زیر آن سم نهفته باشد پس هر کس از آن بچشد شیرینی در آن حال نصیب وی گردد و لیکن در زیر آن مرگ مقدر شده یا مانند چیزی است که شخص در خواب ببیند و در عالم رؤیا شاد گردد و چون بیدار شد شادی وی بر طرف شود یا مانند برقی است که از آسمان تابش کند در مدت بسیار اندک سپس ناپدید گردد. و قالوا: لا- فخر فیما یزول و لا غنی فیما لا یمقی، و هل الدنيا الا كما قال بعض الحكماء المتقدمین: قدر یغلی [صفحه ۲۲۹] و کنیف یملی. المستطرف جلد ۲ و گفته‌اند: نیست فخری در آنچه از بین می‌رود و نیست ثروت در آنچه نمی‌ماند و آیا دنیا غیر آن است که حکماء گفته‌اند دیگری است که بجوش می‌آید و کنیفی است که پر می‌شود. روی ان داود علیه السلام بینما هو فی الجبال اذمر علی غار فیه رجل عطیم الخلقه من بنی آدم ملقی علی ظهره و عند رأسه حجر محفور، مکتوب فیه: انا دوسم الملك تملك الف عام و فتحت الف مدینه و اقتضیت الف بکر من بنات الملوک ثم صرف الی ما تری التراب فراشی و الحجر و سادی فمن رآنی فلا تغره الدنيا کما غرتنی. المستطرف روایت شده است که داود پیغمبر (ع) در بین آنکه در کوه‌ها می‌گشت گذر کرد به غاری که در آن غار مرد بزرگی از لحاظ خلقت از بنی آدم به پشت افتاده بود و نزد سر آن سنگ گودی بود که در آن نوشته بود. من دوسم پادشاه هستم هزار سال سلطنت کردم و هزار شهر را فتح کردم و هزار دختر از دختران پادشان بزی گرفتم سپس عاقبت کارم این چنین شد خاک رختخواب من است و سنگ تکیه گاه من است پس هر کس مرا ببیند گول دنیا را نخورد چنانچه من گول خوردم و قیل ان الدنيا مثل ظل الانسان، ان طلبته فر و ان ترکته تبعک. [صفحه ۲۳۰] گفته‌اند دنیا مثل سایه‌ی انسان است اگر دنبال آن بروی فرار می‌کند و اگر ترک و رها کن آن را دنبال تو می‌آید. قیل لبعض الرهبان کیف تری الدهر؟ قال یخلق الابدان و یجدد الامان و یقرب المنیة و یباعد الامنیة قیل فما حال اهل؟ قال من ظفر به تعب و من فاته اکتب. شرح ابن ابی الحدید جلد ۴ به بعضی از رهبانان گفته شد چگونه دیدی روزگار را گفت بدن‌ها را کهنه می‌کند و آرزوها را تحدید می‌کند و مرگ را نزدیک می‌نماید و آرزوها را دور می‌کند گفتند حال اهل دنیا چگونه است؟ گفت هر کس پیروز شد یعنی مال دنیا نصیب او شد به زحمت افتاد و هر کس به مال دنیا نرسید غمگین شد. عن الحسن الصیقل قال سألت ابا عبد الله ع عما یروی الناس تفکر ساعة خیر من قیام لیلة. قلت کیف یتفکر؟ قال: یمر بالخربة او بالدار فیقول: این ساکنوک؟ این بانوک؟ مالک لا تتکلمین. وسائل الشیعه. حسن صیقل گفت از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از حدیث معروف: که فرموده‌اند یکساعت فکر کردن بهتر است از این که یک شب شب‌زنده‌داری کند و به نماز و مناجات مشغول شود. گفتم چگونه فکر کند؟ فرمود: به خانه‌های بی‌صاحب و به خرابه‌ها گذر کند و بگوید کجا رفتند ساکنین شما چه شده است که سخن نمی‌گویند. [صفحه ۲۳۱] قال رسول الله ص: یا عجا کل العجب للمصدق بدار الخلود و هو یسعی لدار الغرور. احياء العلوم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: عجب است از کسی که سرای جاودانی آخرت را تصدیق می‌کند ولیکن برای خانه‌ی موقتی غرور دنیا سعی و کوشش می‌نماید. قال یحیی ابن معاذ: العقلاء ثلاثة: من ترک الدنيا قبل ان ترکه و بنی قبره قبل ان یدخله و ارضی خالقه قبل ان یلقاه. مجموعه‌ی ورام یحیی بن معاذ گفت: عقلاء سه نفر اند. ۱- کسی که دنیا را ترک نماید پیش از آنکه دنیا او را ترک کند. ۲- کسی که قبر خودش را بنا کند پیش از آنکه داخل آن شود. ۳- کسی که خالق خود را راضی کند قبل از آن که او را ملاقات نماید. لما مات اسکندر قال ارسطاطاليس ايها الملك، لقد حرکتنا بسکونک. شرح ابن ابی الحدید وقتی اسکندر مرد ارسطاطاليس گفت ای پادشاه ما را به هیجان و حرکت در آوردی به سکون یا سکوت خودت. قال رسول الله ص: یقوم ابن آدم: [صفحه ۲۳۲] مالی مالی: و هل لك من مالک ما اکتل فافیت، او لبست فابلیت، او

تصدقت فابقیته. احياء العلوم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فرزند آدم می گوید مال من مال من آیا تو از مالت بهره ای برده ای بجز آنچه خوردی و تمام کردی یا پوشیدی و کهنه کردی یا صدقه دادی و برای خود باقی گذاشتی. عوتب بعض الزهاد علی کثرة التصدق بماله. فقال: لو اراد رجل ان ينتقل من دار الی دار، ما اظنه کان یتربک فی الدار الاولى شیئا. شرح ابن ابی الحدید جلد اول بعضی از زهاد بیشتر مالش را به صدقه می داد سبب این عمل را از وی پرسیدند در جواب گفت هر گاه شخصی از خانه ای به خانه ای دیگر منتقل شود، گمان نمی کنم چیزی در خانه ای اول بگذارد بماند. دخل لص علی الزهاد الصالحین فلم یرفی داره شیئا فقال له یا هذا أین متاعک؟ قال: حولته الی الدار الاخری. شرح ابن ابی الحدید جلد اول دزدی وارد خانه ای بعضی از زهاد شد و چیزی نیافت که دستبرد بزند به صاحب خانه گفت: کجا است کالای تو؟ گفت به خانه دیگر منتقل نموده ام.

عن الفضیل ابن عیاض: انه قال: جعل الخیر کله فی بیت واحد و جعل مفتاحه الزهد فی الدنیا و جعل الشر کله فی بیت واحد و جعل مفتاحه حب الدنیا. المستطرف جلد ۲ [صفحه ۲۳۳] از فضیل بن عیاض نقل شده که گفت تمام خیر در خانه ای قرار گرفته و کلید آن خانه زهد در دنیا است و تمام بدی ها در خانه ای قرار گرفته و کلید آن خانه محبت دنیا است. قال عیسی ع: اوحی الله الی الدنیا من خدمنی فاخدمیه و من خدمک، فاستخدمیه، یا دنیا مری علی أولیائی و لا تحلی لهم، فتفتنیهم. المستطرف جلد ۲ حضرت عیسی (ع) فرمود: خدا بدنی و وحی کرد که هر کس به من خدمت کند به او خدمت کن و آنکه به تو خدمت کند او را استخدام نما، ای دنیا برای اولیای من تلخ جلوه کن و به نظر آنان شیرین جلوه گر مشو تا در فتنه قرار بدهی آنها را. قال علی علیه السلام: اهل الدنیا کرکب یساربه و هم نیام. نهج البلاغه حضرت علی ع فرمود: اهل دنیا مانند سوارانی هستند که در حرکتند و آنها در خوابند. قال لقمان لابنه: یا بنی بع دنیاک بآخرتک، تربحهما جمیعا و لا تبع آخرتک به دنیاک تخسرهما جمیعا. احياء العلوم لقمان به فرزندش گفت پسر من بفروش دنیایت را به آخرت تا در هر دو جهان سود کنی و بفروش آخرت را به دنیایت که در هر دو جهان خسران نصیب تو گردد. عن ابن عمر قال: اخذ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بمنکبی، فقال: کن فی الدنیا کانک [صفحه ۲۳۴] غریب او عابر سبیل. عبدالله عمر گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در دنیا مثل شخصی غریب زندگی کن یا مانند راه گذر. قال لقمان لابییه: یا بنی انک استدبرت الدنیا من یوم نزلتها و استقبلت الاخرة فانت الی دار تقرب منها اقرب من دار تباعد عنها. احياء العلوم جلد ۳ لقمان به فرزندش گفت پسر من تو از روزی که پا به دنیا گذاشتی پشت به دنیا کردی و رو به آخرت پس تو به خانه ای که به آن نزدیک می شوی نزدیک تری از خانه ای که پیوسته از آن دور می شوی. قال الرشید لابن السماک عظمی، قال: احذر آن تقدم علی جنه عرضها السموات و الارض لیس لک فیها موضع قدم. مجموعه ی ورام هارون الرشید بابن سماک گفت مرا موعظه کن، گفت بترس از آنکه بخواهی در بهشت که عرض و طول آن بقدر مساحت آسمانها و زمین است (طبق آیه ی شریفه قرآن کریم) وارد شوی و برای خودت در آن به قدر یک جای پا محلی نیابی. قال بعض الملوک لفضیل بن عیاض ما ازهدک. قال: أنت یا هارون ازهد منی، لانی زهدت فی الدنیا فانیة و انت زهدت فی آخرة باقیة. هارون الرشید به فضیل که یکی از زهاد بود گفت تو عجیب زاهدی هستی! فضیل گفت ای هارون تو از من زاهد تری برای آنکه من از دنیای موقت [صفحه ۲۳۵] چند روزه صرف نظر کردم و تو از سرای جاودانی آخرت چشم پوشیدی پس تو همت والا تر داری! قال علی علیه السلام: یا ابن آدم کن وصی نفسک و اعمل فی مالک ما تؤثر ان یعمل فیه من بعدک. نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم بوده باش وصی خودت و در مالت عمل کن آنچه را که می خواهی دیگران بعد از تو عمل کنند. تو با خود ببر توشه ی خویشتن که شفقت نیاید ز فرزند و زن (سعدی) برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد ز پس تو پیش فرست (سعدی) عن بعض الحكماء رحم الله امرأ لا یغره ما یری من کثرة الناس فانه یموت وحده و یقبر وحده و یحاسب وحده. شرح ابن ابی الحدید بعضی از حکماء گفته است: خدا رحمت کند شخصی را که دیدن کثرة جمعیت مردم او را نفریبید و مغرور نکند، زیرا او تنها می میرد و تنها در قبر گذارده می شود و تنها از وی حساب کشیده می شود. قال الحسن ع: لا نخرج نفس ابن آدم من الدنیا الا بحسرات ثلاث انه لم [صفحه ۲۳۶]

یشیع مما جمع و لم یدرک ما أمل و لم یحسن الزاد لما یقدم علیه. شرح ابن ابی الحدید حضرت حسن ع فرمود: فرزند آدم از دنیا بیرون نمی رود مگر با سه حصرت ۱ - آنکه سیر نشد از آنچه جمع کرد. ۲ - به آرزوهایش نرسید ۳ - توشه ی خوبی برای سفرش تهیه نکرد. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: مثل الدنیا کمثل الحیة لین مسها و السم الناقع فی جوفها یهوی الیها الغر الجاهل و یحذرها ذواللب العاقل. نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مثل دنیا همچون مثل مار است که ظاهرش نرم است که انسان مس می کند و باطن وی زهر کشنده است میل می کند به آن شخص مغرور جاهل و حذر می کند از آن شخص خردمند و عاقل. قال رسول الله ص: لو کانت الدنیا ترن عندالله جناح یعوضه، ما سقی کافرا منها شربة ماء. المستطرف جلد ۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر دنیا نزد خدا به اندازه ی بال پشه ارزش داشت، یک جرعه آب از آن به کافر نمی داد. عن الضحاک قال لما اهبط الله آدم و حوا الی الارض و وجدا [صفحه ۲۳۷] ریح الدنیا و فقدا ریح الجنة غشی علیهما اربعین یوما من نتن الدنیا. المستطرف جلد ۲ از ضحاک روایت شده که وقتی که خدا آدم و حواء را به زمین فرود آورد و بوی دنیا را دریافتند و بوی بهشت را فاقد شدند چهل روز به واسطه ی بوی بد دنیا غش کردند. عن ابی هریره قال قال لی رسول الله ص: ألا اراک الدنیا بما فیها قلت: بلی یا رسول الله فأخذ بیدی و أتى الی واد من اودیة المدینة فأذا مزبلة فیها رؤس الناس و عذرات و خرق بالیه و عظام البهائم، فقال یا ابا هریره هذا لرؤس کانت تحرص حرصکم و تأمل آمالکم و هی الیوم صارت عظاما بلا جلد ثم هی صائرة عظاما رمیما و هذه العذرات اللوان أطعمتهم اکتسبوها فأصبحت و الناس یتحامونها. و هذه الخرق البالیة أصبحت و الریاح تصفقها و هذه العظام عظام دوابهم الی کانوا ینتجعون علیها أطراف البلاد، فمن کان باکیا علی الدنیا، فلیککک، قال فما برحنا حتی اشدت بکاؤنا. المستطرف جلد ۲ ابوهریره گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: آیا دنیا را با آنچه در او است به تو نمودار بکنم؟ عرض کردن: بلی یا رسول الله، پس دست من را گرفت و آمد به سوی یکی از بیابانهای مدینه و در آن جا مزبله ای دیده می شد که در آن کله های مردم و نجاست و کهنه های پوسیده و استخوانهای چهارپایان دیده می شد، پس فرمود ای ابوهریره، این کله ها مانند شما حریص بودند و آرزوهای شما را [صفحه ۲۳۸] داشتند و آنها امروز استخوانی شده اند بدون پوست (و گوشت) و بعدا هم استخوان پوسیده خواهند شد و این نجاستات غذاهای رنگارنگ آنها بوده که آنها را بدست آوردند از جاهائی که شما غذاها تان را بدست می آورید پس به این صورت درآمدند و مردم از آن اجتناب و دوری می کنند. و این کهنه های پوسیده لباس های فاخر آنها بوده که این شکل شده و باد بر آنها می وزد و این استخوان ها استخوان های چهارپایان آنها است که بر آنها سوار می شدند و به اطراف بلاد برای کسب و طلب آذوقه می رفتند پس هر کس می خواهد بر دنیا گریه کند بگرید گفت از آن مکان جدا نشدیم تا گریه ی ما شدید شد. قال الرشید یابن السماک عظمی و کان بیده شربة ماء، فقال له یا امیر. لو حبست عنک هذه الشربة أکنت تفدیها بملکک؟ قال نعم، قال یا امیر. . لو شربتها و حبست عن الخروج أکنت تفدیها بملکک؟ قال نعم، فقال له لا خیر فی ملک لا یساوی شربة و لا بولة المستطرف هارون الرشید یابن سماک گفت مرا پند بده و در دستش ظرف آبی بود، گفت ای امیر اگر تشنه شوی آیا حاضری برای به دست آوردن آب از پادشاهی خود صرف نظر کنی، گفت بلی، گفت ای امیر ... اگر آب را بیا شامی و به مرض حبس البول مبتلا شوی آیا حاضری سلطنت خود را بدهی و معالجه شوی گفت بلی، گفت پس چیزی نیست در سلطنتی که با یک شربت آب و بول برابری نکند. روی ان علی بن ابیطالب علیه السلام لما رجع من صفین و دخل اوائل الکوفة، رأى قبرا، فقال قبر من هذا قالوا قبر خباب بن الارت، فوقت علیه و قال رحم الله خبابا، [صفحه ۲۳۹] اسلم راغباً و هاجر طائعا و عاش مجاهدا و ابتلی فی جسمه آخرا، الا و ان الله لا یضیع أجر من احسن عملا، ثم مشی، فاذا هو بقبور، فجاء حتی وقف علیها و قال السلام علیکم أهل الدیار الموحشة و المحال المقفرة، انتم لنا سلف و نحن لکم تبع و بکم عما قلیل لا- حقون، اللهم اغفرلنا و لهم و تجاوز عنا و عنهم، طوبی لمن ذکر المعاد و عمل لیوم الحساب و وقع بالكفاف و رضی عن الله تعالی، ثم قال یا اهل القبور اما الازواج فقد نکحت و اما الدیار فقد سکنت. و أما الأموال فقد قسمت، هذا ما عندنا، فما عندکم؟ ثم التفت الی اصحابه و قال أما انهم لو تکلّموا لقالوا وجدنا خیر الزاد التقوی و الله

سبحانه و تعالی اعلم. المستطرف جلد ۲ روایت شده چون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ صفین مراجعت کرد و داخل اوایل شهر کوفه شد قبری را دید پرسید این قبر کیست؟ گفتند قبر خباب بن ارت است پس بر سر قبر توقف فرمود و گفت خدای رحمت کند خباب را از روی میل اسلام اختیار کرد و با طوع و رغبت مهاجرت کرد و زندگی کرد در حالیکه مجاهد بود و در پایان زندگی مبتلا به مرض شد، بدانید که خدا اجر و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند سپس براه افتاد و رسید به قبور دیگران و ایستاد و فرمود سلام بر شما اهل خانه های وحشتناک و محله های فقر و بی آب و علف شما پیش از ما حرکت کردید و ما نیز به دنبال شما هستیم و پس از اندک مدتی به شما ملحق خواهیم شد. بار الها بیامرز ما و آنها را و از سیئات اعمال ما و آنها بگذر خوشا به حال کسی که بیاد آخرت باشد و برای روز حساب عمل کند و با آنچه خدا به او [صفحه ۲۴۰] مرحمت کرده قناعت کند و از خدا راضی و خوشنود باشد سپس فرمود ای اهل قبور، اما زنان شما شوهر کردند و شوهران شما ازدواج نمودند و اما خانه ها تان را دیگران ساکن شدند و اما مالها تان را قسمت کردند این است خبرهایی که نزد ما است: و خبرهایی که پیش شما است چیست؟ سپس رو کرد به اصحابش و فرمود اگر می توانستند سخن بگویند هر آینه می گفتند آنچه یافتیم این است که بهترین توشه برای آخرت تقوی است. رؤی عبدالله بن المبارک واقفا بین مقبره و مزبله فقیل له ما أوقفک؟ قال أنا بین کترین من کنوز الدنیا فیهما عبره هذا کنز ألاموال و هذا کنز الرجال: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید عبدالله بن مبارک را دیدند ایستاده بین قبرستان و مزبله: پرسیدند برای چه اینجا توقف کرده ای؟ گفت من بین دو گنج از گنج های دنیا قرار گرفته ام که مایه ی عبرت هستند، این یکی مخزن و گنجینه ی اموال است و آن دیگر مخزن و گنجینه ی رجال است! ناصر خسرو زراهی می گذشت مست لا یعقل نه چون میخوارگان دید قبرستان و مبرز و روبرو بانگ برزد هان کای نظارگان نعمت دنیا و نعمت خواره بین اینش نعمت اینش نعمت خوارگان کتب یحیی بن خالد من الحبس الی الرشید، ما یمر یوم من نعیمک الا و یمر یوم می بؤسی و کلاهما الی نفاد. شرح ابن ابی الحدید جلد اول یحیی از زندان به هارون الرشید نامه نوشت به این مضمون: هر روز که [صفحه ۲۴۱] شب می شود یک روز از نعمت و خوشی های تو و یک روز از بدبختی من کم می شود و هر دو آنها تمام می شود. حسن بصری این شعر را برای دنیا گفته: أحلام نوم أو کظل زائل ان اللیب بمثلها لا یخدع دنیا مانند خوابی است که می بینم یا مانند سایه ای است که برطرف می شود شخص عاقل گول این گونه چیزها را نمی خورد. محمد بن علی بن الحسین بن علی ع اذا بلغ الرجل اربعین سنه نادى مناد من السماء دنا الرحیل فأعزادا. مجموعه ورام صفحه ۲۹ حضرت باقر علیه السلام فرمود: چون شخص به چهل سالگی برسد منادی از آسمان ندا کند. زمان کوچ کردن از این سرای نزدیک شد پس توشه ی سفر تهیه کن. چون دوران عمر از چهل در گذشت مزین دست و پا کآبت از سر گذشت واحد من الخلفاء نه اعرابیا ان ینادی فی کل صباح وراء داره ایها الخلیفه لا تنس موتک، فلما وجد فی لحيته بیاضا، قال للاء عرابی، اترک النداء لان مخبری و مذکری حصل فی نصب عینی قلم یبق لندائک جاحه. عصیده الشهده یکی از خلفاء عربی را مأمور کرد که هر صبح بیاید در منزلش ندا کند ای خلیفه مرگ را فراموش نکن وقتی که در صورت خود موی سفیدی را مشاهده کرد با عرابی گفت دیگر ضرورتی ندارد این نداء را بکنی. [صفحه ۲۴۲] زیرا منادی در وجود خودم و جلوی چشمم ظاهر شد. موی سپید از کفن آرد پیام پشت خم از مرگ رساند سلام سپید گشتن مو ترجمان این سخن است که سربرآر ز خواب گران سپیده دمید ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مر علی شاء میتة فقال: أترون هذه الشاء هیئة علی صاحبها؟ قالوا نعم قال: و الذی نفسی بیده الدنیا أهون عند الله عز و جل من هذه علی صاحبها. مجموعه ی ورام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از راهی می گذشت دید گوسفند مرده ای را بر زمین. فرمود آیا می بینید این گوسفند را که نزد صاحبش خوار و بی ارزش است گفتند بلی از این جهت آن را بیرون انداخته اند فرمود قسم به خدائی که جان من بدست او است دنیا در نزد خدا از این گوسفند نزد صاحبش زبون تر و بی ارزش تر است. خرج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الی المسجد فاذا قوم یتحدثون و یضحکون قال: اذکروا الموت، أما و الذی نفسی بیده لو تعلمون ما أعلم لضحکتکم قلیلا و لبکیتم کثیرا. مجموعه ی ورام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از منزلش به

سوی مسجد خارج شد جماعتی را دید که با هم می گویند و می خندند، فرمود متذکر مرگ باشید و بدانید قسم به آن خدائی که جان من به دست او است اگر آنچه را من می دانم می دانستید هر آینه کم می خندیدید و بسیار گریه می کردید. قال النبی ص: من اعتدل یوماه فهو مغبون و من کان عذه شرا من یومه فهو ملعون. مجموعه ی ورام [صفحه ۲۴۳] پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس دو روزش مساوی باشد معبون است و هر کس فردایش بدتر از امروزش باشد ملعون است. قال النبی ص: رب شهوة ساعة تورث حزنا طویلا. مجموعه ورام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود چه بسا شهوت یک ساعت که موجب اندوه طولانی خواهد شد. قال علی علیه السلام اذکروا انقطاع اللذات و بقاء البتعات. نهج البلاغه حضرت علی (ع) فرمود: متذکر این معنی باشید که لذت های این دنیا قطع می شود و آثار شوم و بدبختی های ناشی از آنها برای همیشه باقی می ماند (یک لحظه هوسرانی یک عمر پشیمانی). قال علی ع: شتان ما بین عملین عمل تذهب لذته: و تبفی تبعته و عمل تذهب مؤنثه و یبقی اجره ی نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام فرمود: فرق است بین دو عمل: عملی که لذتش تمام می شود و آثار بد و گرفتاری های حاصله ی از آن باقی می ماند و عملی که زحمتش تمام می شود و اجر و ثوابش برای همیشه باقی می ماند. قال رسول الله ص: یا اباذر من کان له قمیصان فلیلبس احدهما و لیکس اخاه الاخر. مجموعه ی ورام جلد ۲ [صفحه ۲۴۴] رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای اباذر هر کس دو پیراهن دارد باید یکی را خودش بپوشد و دومی را به برادر دینی اش بپوشاند. نیم نانی گر خورد مرد خدای بذل درویشان کند نیم دگر ما اصف من دار اولها عناء و آخرها فناء، فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب، من استغنی فیها فتن و من افتقر فیها حزن و من ساعاها فائته و من قعد عنها و اتته و من ابصر بها بصرته و من ابصر الیها اعمته. (علی ع) نهج البلاغه صفحه ۱۴۲ جلد ۱ چه توصیف کنم از خانه ای که (خانه ی دنیا) در آغاز ورود به این خانه باید قرین رنج و زحمت شد و سرانجام باید دستخوش فنا و نیستی بود در آنچه از حلال به دست آوردی حساب خواهند از آن و حرام آن عقاب و مجازات در پی دارد، هر که در دنیا ثروتی اندوخت در فتنه واقع شد و هر که فقیر و نیازمند شد در دنیا قرین غم و اندوه گردید، کسی که با دیده ی عبرت به دنیا نگرست دنیا وی را بینا کرد و هر که با دیده ی علاقه و محبت به دنیا نگاه کرد او را کور کرد. قال علی علیه السلام: الا فما یصنع بال دنیا من خلقت للاخرة و ما یصنع بالمال من عما قلیل یسلبه و تبقی علیه تبعته و حساب. نهج البلاغه جلد ۱ ص ۳۰۶ و بدان و آگاه باش آنکه برای آخرت آفریده شده با دنیا چه کاری دارد و با مال چه کند آنکه بزودی از وی آن را خواهند گرفت و وزر و بال و حساب آن برایش خواهد ماند. عن الصادق ع قال بینما موسی ع یناجی ربه اذ رأى رجلا [صفحه ۲۴۵] تحت ظل عرش الله عروجل فقال یا رب من هذا الفتی الذی قد اظله عرشک. فقال یا موسی کان هذا بار ابوالدیه و لم یمش یوماً بالنمیمه. مجموعه ی ورام حضرت صادق (ع) فرمود در بین این که موسی ع مشغول مناجات با پروردگار بود مردی را دید در سایه ی عرش خدا قرار گرفته. گفت پروردگارا این جوان کیست که در سایه ی عرش تو قرار گرفته؟ فرمود ای موسی این نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و هیچگاه نمایی و سخن چینی نکرده. قال رسول الله ص: من و جدتموه یعمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل و مفعول. تفسیر القرطبی جلد ۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی را که یافتید (دیدید) عمل قوم لوط را می کند پس فاعل و مفعول را بکشید. عن ابی عبدالله قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من جامع غلاماً جاء یوم القیامة جنبا لآینقیه ماء الدنیا و غضب الله علیه و لعنه و اعدله جهنم و ساءت مصیرا ثم قال: ان الذکر یرکب الذکر فیهتر العرش لذلك الحدیث. وسائل کتاب النکاح جلد ۳ ص ۴۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کس با پسری لواط کند به صحرای محشر جنب وارد می شود و آب دنیا او را پاک نمی کند و خدا بر وی خشمگین می شود و او را لعنت می کند و جهنم برایش مهیا می نماید و بد عاقبتی دارد سپس فرمود چون مرد با هم جنس خودش این کار شنیع را بکنند عرش خدا می لرزد. [صفحه ۲۴۶] عن بعض اصحابنا عن ابی عبدالله ع قال سمعته یقول: حرمة الدبر اعظم من حرمة الفرج و ان الله اهلك امه لحرمة الدبر و لم یهلك احدا لحرمة الفرج. وسائل الشیعه از حضرت صادق (ع) روایت است که فرمود: حرمت و گناه لواط بیش از حرمت و گناه زنا است زیرا به واسطه ی عمل لواط خدا یک

امتی را هلاک کرد و به واسطه زنا احدی را هلاک نکرد. فی حدیث ان امیرالمؤمنین علیه السلام قال لرجل اقر عنده باللواط أربعاً یا هذا، ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حکم فی هذا بثلاثة أحكام فاخترایهن شئت، قال و ما هن یا امیرالمؤمنین؟ قال ضربته بالسيف فی عنقک بالغه منك ما بلغت، او اهداب من جبل مسدود الیدین و الرجلین، او احراق بالنار. وسائل الشیعه کتاب الحدود مردی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام چهار دفعه اقرار کرد به انجام دادن عمل لواط حضرت فرمودند در این مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه حکم فرمودند: هر کدام از آنها را می خواهی اختیار کن، گفت چیست آنها یا امیرالمؤمنین: فرمود: ۱ - یک شمشیر به گردنت زده شود هر چه بشود. ۲ - دست ها و پاهایت را ببندند و از بالای کوه به پائین بیندازند. ۳ - با آتش بسوزانند. محمد بن مسلم عن ابی جعفر فی المحصن و المحصنة جلد مائة ثم الرجم. وسائل کتاب الحدود ص ۴۲۶ محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که فرموده هر گاه مردی که زن دارد مرتکب زنا شود و زن شوهردار مرتکب زنا شود [صفحه ۲۴۷] اول باید به هر کدام صد تازیانه بزنند و سپس آنها را سنگسار نمایند. اسحاق بن عمار عن ابی بصیر عن احدهما قال قال کان علی ع یضرب فی الخمر و البئذ ثمانین الحدیث. اسحاق بن عمار اربی بصیر از یکی از آنها یعنی امام محمد باقر و حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرمودند حضرت امیرالمؤمنین (ع) به شارب خمر و نبیذ هشتاد تازیانه می زد [۳۳۹]. اربع خصال یتولد منها الغم اغتم امیرالمؤمنین علیه السلام یوما فقال: من این ایت، فما اعلم انی جلست علی عتبه باب و لا شققت بین غم و لا لبست سراویلی من قیام و لا مسحت یدی و وجهی بذیلی. خصال شیخ صدوق ۲۰۹ چهار خصلت موجب اندوه می شود روزی امیرالمؤمنین علیه السلام غمگین شد سپس فرمود نمی دانم از کجا غم و اندوه آمد من که بر آستانه‌ی در ننشستم و از میان گله‌ی گوسفند نگذشتم. و ایستاده شلوار نپوشیدم و دست و صورتم را با دامنم خشک نکردم. قال علی علیه السلام یظهر فی آخر الزمان و اقتراب الساعة و هو شر الازمنة نسوة متبرجات، کاشفات، عاریات من الدین، داخلات فی الفتن مائلات الی الشهوات، مسرعات الی اللذات، مستحلات للمحرمات فی جهنم خالداً. طرائف الحکم آشتیانی ۵۱ حضرت علی علیه السلام فرمود در آخر الزمان و نزدیک شدن قیامت (و آن زمان بدترین زمانها است) زنانی خواهند آمد که خود را آرایش می کنند و بی حجاب بیرون می آیند و دین ندارند و در فتنه‌ها داخل می شوند و به شهوات مایلند و به سوی [صفحه ۲۴۸] لذات می شتابند و کارهای حرام را حلال می دانند و در جهنم جاویدان خواهند بود. قال علی علیه السلام: ان البهائم همها بطونها ان السباع همها العدوان علی غیرها، و ان النساء همهن زینة الحیاة الدنیا و الفساد فیها، ان المؤمنین مستکینون ان المؤمنین مشفقون ان المؤمنین خائفون. نهج البلاغه ۹۷ حضرت علی علیه السلام فرمود همانا چهارپایان هم آنها شکمشان می باشد و درندگان هم شان دشمنی با غیر خودشان است. و زنان هم شأن صرف زینت و آرایش زندگانی دنیا و تباه شدن عمرشان و فساد در آن زینتها است. همانا مؤمنین در پیشگاه خدا متضرع و از اعمال خود ترسناک و از عظمت پروردگار خائفند. قال رسول الله ص: انی لا اصافح النساء. جامع الصغیر رسول خدا فرمود: من با زنان مصافحه نمی کنم. قال رسول الله ص: ثلاثة لا ینظر الله الیههم یوم القیامة، العاق لوالدیه و امرء المترجلة تشبه بالرجال، والدیوث و ثلاثة لا یدخلون الجنة العاق لوالدیه و المدمن الخمر و المنان بما اعطی. تفسیر القرطبی جلد ۳ [صفحه ۲۴۹] رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: سه دسته هستند که خداوند در روز قیامت به آنها نظر نمی کند. ۱ - عاق والدین. ۲ - زنی که خود را شبیه مردان کند و لباس مردان را بپوشد. ۳ - دیوث، (و سه دسته از مردم داخل بهشت نمی شوند). ۱ - عاق پدر و مادر. ۲ - کسی که هر جا شراب بیابد بخورد. ۳ - کسی که منت بگذارد به آنچه به کسی بخشیده. قال علی علیه السلام: ما من امرءة تسقی زوجها شربة من ماء الا کان خیرا لها من عبادة سنة صیام نهارها و قیام لیلها و ینی الله لها بكل شربة تسقی زوجها مدینة فی الجنة و غفر لها ستین خطیئة. وسائل الشیعه فرمود نیست زنی که به شوهرش یک شربت آب بدهد مگر آن که برای او بهتر است از عبادت یکسال که روزهایش روزه باشد و شب‌هایش را بیدار باشد و نماز بخواند و بنا می کند خدا برای آن زن برای هر دفعه که به شوهرش آب می دهد شهری را در بهشت و می آمرزد برای او شصت گناه را. قال رسول الله ص: ان الیتیم اذا بکی: اهتر لبکائه عرش الرحمن، فیقول الله تعالی لملائکته، یا

ملائکتی، من ذا الذی ابلی هذا الیتیم؟ الذی غیبت اباه فی التراب، فتقول الملائکة ربنا، انت اعلم، فیقول الله تعالی لملائکتک، یا ملائکتی اشهدوا ان من اسکتک وارضاه، ان ارضیه يوم القيامة. تفسیر القربطی جلد ۲۰ [صفحه ۲۵۰] رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا یتیم چون گریه کند برای گریه‌ی او عرش خدا به لرزه درآید پس خدای تعالی می‌فرماید به فرشتگانش ای فرشتگان من چه کسی به گریه درآورد این یتیم را که من پدرش را در خاک پنهان کردم پس ملائکه گویند پروردگارا تو دانا تری پس خدای تعالی بفرماید به فرشتگانش ای فرشتگان من گواه باشید که هر کس او را ساکت و خوشنود نماید من او را روز قیامت خوشنود می‌کنم. الا تا نگرید که عرش عظیم بلرزد همی چون بگرید یتیم قال رسول الله ص: اذ مدح الفاسق غضب الرب و اهتز لذلک العرش. ۲- جامع الصغیر ۱ چون شخص فاسق را مدح کنند و بستانند خدا بخشم درآید و عرش خدا به واسطه‌ی آن می‌لرزد. قال رسول الله ص: تزوجوا و لا تطلقوا، فان الطلاق یهتز منه العرش. وسائل الشیعه - جامع الصغیر ۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ازدواج کنید و طلاق ندهید زیرا از طلاق عرش می‌لرزد. تا توانی پا منه اندر فراق أبغض الشیاء عندی الطلاق قال الصادق علیه السلام: اذا حملت جوانب السریر سریر المیت خرجت من الذنوب کما ولدتک امک. وسائل حضرت صادق (ع) فرمود: [صفحه ۲۵۱] هر گاه اطراف تابوت را بگیری از گناه بیرون می‌آیی مانند روزی که مادر تو را زائیده. قال رسول الله ص: من تطهر فی بینه، ثم مشی الی بیت من بیوت الله لیقضی فریضة من فرائض الله کانت خطوتاه، احدیهما تحط خطیئة و الاخری ترفع درجه. تفسیر القربطی جلد ۱۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس در خانه‌اش تطهیر کند سپس برود بیکی از مساجد برای ادای فریضه‌ای از فرائض خدا می‌باشد دو قدم او یکی از آنها گناهی را محو می‌کند و قدم دیگر برای او درجه‌ای بالا می‌برد. قال الصادق ع: مکتوب فی التورۃ ان بیوتی فی الارض المساجد، فطوبی لعبد تطهر فی بینه ثم زارنی فی بیتی، الا- ان علی المزور کرامة الزائر. وسائل الشیعه حضرت صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته شده است همانا خانه‌های من در زمین مساجد هستند پس خوشا به حال بنده‌ای که در خانه‌اش تطهیر کند سپس مرا در خانه‌ام زیارت کند بدانید که بر میزبان است که زائر خود را اکرام کند. رؤی علی علیه السلام یوما باکیا فقیل له لم تبکی؟ فقال لم یأتنی ضیف منذ سبعة ايام اخاف ان یكون الله قد اهاننی. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید صفحه ۷۳ روزی حضرت علی علیه السلام را دیدند گریه می‌کند گفتند چرا گریه می‌کنی [صفحه ۲۵۲] فرمود مدت یک هفته است که برای من مهمان نیامده می‌ترسم خدا مرا مورد اهانت و بی لطفی خود قرار داده باشد. قال ابو عبد الله ع: من زوج کریمته من شارب الخمر فقد قطع رحمها. وسائل الشیعه حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس دخترش را به شراب‌خوار بدهد با دخترش قطع رحم کرده. عن ابی عبد الله قال قال رسول الله ص: شارب الخمران مرض فلا تعودوه الی ان قال و ان خطب فلا تزوجوه. للحديث وسائل کتاب النکاح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شارب الخمر اگر مریض شد او را عیادت نکنید تا این که فرمود و اگر خواستگاری کرد به او زن ندهید. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ثلاثة لا تقبل لهم صلوة: عبد آبق من موالیه حتی یضع یده فی ایدهم و امرء باتت و زوجها علیها ساخت و رجل ام قوما و هم لها کارهون. وسائل الشیعه کتاب النکاح حضرت صادق علیه السلام فرمود: نماز سه نفر قبول نیست ۱ - بنده‌ای که از مولایش بگریزد تا زمانیکه برگردد ۲ - زمانی که بخوابد و شوهرش بر او خشمگین و ناراضی باشد ۳ - مردی که امام جماعت شود بر جمعی که به امامت او رضایت ندارد. [صفحه ۲۵۳] قال رسول الله ص: ای امرء، تطیبت و خرجت من بیتها فهی تلعن حتی ترجع الی بیتها متی ما رجعت. وسائل الشیعه کتاب النکاح رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر زنی که بوی خوش استعمال کند و از خانه‌اش خارج شود پس او مورد لعنت واقع می‌شود تا وقتی که به خانه‌اش مراجعت کند. ورام بن ابی فراس فی کتابه قال قال علیه السلام: الامرء الصالحة خیر من الف رجل غیر صالح و ایما امرء خدمت زوجها سبعة ايام اغلق الله عنها سبعة ابواب النار و فتح لها ثمانية ابواب الجنة تدخل من ایها شأت. وسائل فرمودند: زن صالحه بهتر است از هزار مرد ناصالح و هر زنی که هفت روز به شوهرش خدمت کند خداوند هفت درب جهنم را به روی او می‌بندد و هشت در بهشت را به روی او می‌گشاید که از هر در بخواهد وارد بهشت شود. بیکی از

دانشمندان گفتند فلانی در مجلسی غیبت تو را می کرد پس آن دانشمند گویا حسن بصری بوده یک طبق خرمای بسیار اعلا برای او فرستاد سپس آن مرد آمد نزد حسن بصری گفت من در فلان مجلس غیبت تو را کردم و تو برای من هدیه فرستادی گفت بلی چون تو حسنات و ثواب هایت را برای من فرستادی من هم خواستم برای عوض آن برای تو هدیه بفرستم. زهر البیع. خنک آن کس که نباشد پی آزار کسی بار بر کس ننهد گر نبرد بار کسی رشک یکسو نهد و پاکدلی پیشه کند نشود سرد دل از گرمی بازار کسی [صفحه ۲۵۴] آنکه را خنده بگفتار و به کردار روا است چه کند خنده بگفتار و به رفتار کسی دل که هست آینه ی غیب خدا عیب بود که شود آینه ی عیب کس و عار کسی عیب خود بنگر و بر عیب کسان خورده مگر که حساب از تو نپرسد ز کردار کسی گر نه در اندک و بسیار کسان طمع است از چه گوئی سخن از اندک و بسیار کسی سعی کن تا نفزائی گره از بی خردی چون بدانش نگشائی گره از کار کسی بگذر از جامه ی نو گر گفت از مایه تهی است زیب اندام مکن جامه و دستار کسی سخن قیمتی و ساده همین است وثوق گر سخن فهم کند خاطر هشیار کسی (وثوق الدوله) سئل النبی ص: ما کفاره الاغتیاب؟ قال: تستغفر الله لمن اغتبه. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: کفاره ی غیبت کردن چیست؟ فرمود از خدا طلب آمرزش کنی برای آنکه غیبت او را کردی وسائل الشیعه فی وصیة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لامیر المؤمنین ع یا علی ثمانیه ان اهینوا فلا یلوموا الا انفسهم. [صفحه ۲۵۵] الذاهب الی مائده لم یدع الیها والمتآمر علی رب البیت و طالب الخیر من اعدائه و طالب الفضل من اللئام و الداخل بین اثنین فی سرلهم لم یدخله فیه و المستخف بالسلطان و الجالس فی مجلس لیس له بأهل و المقبل بالحديث علی من لا یسمع منه. خصال شیخ صدوق صفحه ۳۸۰ از وصایای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علیه السلام یا علی، هشت نفر اگر به آنها اهانت شد فقط خودشان را ملامت کنند. ۱ - کسی که ناخوانده سر سفره ی دیگری برود ۲ - کسی که در امور داخلی دیگران دخالت نموده و دستور بدهد ۳ - آنکه از دشمنان خود طالب و منتظر خیری باشد ۴ - آنکه از مردم لئیم و پست چیزی بخواهد ۵ - آنکه در راز و سری که میان دو نفر هست و او را داخل نکردند دخالت کند. ۶ - آنکه به پادشاهان وقت اهانت کند. ۷ - کسی که در مجلسی که با وی شایستگی ندارد بنشیند. ۸ - کسی که برای کسانی که به حرف وی گوش نمی دهند صحبت کند. قال رسول الله ص: نظر الولد الی والدیه جبا لهما عبادة. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نگاه کردن فرزند با محبت به پدر و مادر عبادت کند. تحف العقول [صفحه ۲۵۶] از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: سخت ترین چیزها چیست؟ فرمود غضب خدا گفتند: چه چیز از غضب خدا جلوگیری می کند فرمود غضب نکردن جاکمان گفته: وسیله رهایی و خلاص شدن از غضب آسان است به این طریق که هنگام غضب صورت خود را در آینه بنگری. مونتسکیو گفته: کار کردن و فرسودن و تمام شدن بهتر است از باقی ماندن و زنگار گرفتن پیری رسید و تن شده بیمار یا کریم افتاده دست و پای من از کار پا کریم مو شد سپید و ضعف پدیدار و قد خمید دیگر نمانده طاقت رفتار یا کریم بد کار و شرمسارم و دانی امیدها است بد کار را به خالق ستار یا کریم کردم جریده پر ز گنه زاتکه یافتم در بین نامه های تو غفار یا کریم دارم دلی شکسته گر از جور روزگار جز تو بکس نمی کنم اظهار یا کریم هستیم جمله با همه کردار ناپسند از دوستان حیدر کرار یا کریم غم نیست گر بیارم از هر طرف بلا آنجا که هست لطف تو غمخوار یا کریم [صفحه ۲۵۷] از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: مردی نزد ابوذر آمد و گفت: ای اباذر سبب چیست که ما مرگ را خوش نداریم؟ گفت زیرا شما دنیای خود را آباد و آخرت خویش را خراب کرده اید، پس خوش ندارید از خانه ی آباد به خانه ی خراب منتقل شوید، آن مرد گفت چگونه می بینی ورود ما را بر خدا (یعنی انتقال ما از عالم دنیا به عالم برزخ چگونه است) ابوذر جواب داد اما نیکو کار از شما مانند مسافر غائبی است که وارد می شود بر اهل و خویشان خود و اما بد کار از شما مانند بنده ای است که از مولای خود گریخته و او را بسوی مولایش برگردانند، آن مرد گفت ای اباذر چگونه می بینی حال ما را نزد پروردگار؟ فرمود: کارهای خود را بر کتاب خدا (قرآن) عرضه بدارید خداوند می فرماید: ان الأبرار لفی نعیم و ان الفحار لفی جحیم. همانا نیکوکاران از نعمت های بهشت برخوردارند و گنهکاران در آتش دوزخ معذبند، آن مرد به

ابوذر گفت پس رحمت پروردگار کجا است؟ جواب داد رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. (ان رحمه الله قریب من المحسنين) طرائف الحكم جلد ۱ ص ۱۴۳ [صفحه ۲۵۸] (۱ - تلقین کلمات فرج و آداب محتضر) حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل شد بر مردی از بنی هاشم که در حال نزع بود و فرمود به او بگو: لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلی العظيم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و ما تحتهن و رب العرش العظيم و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین. پس آن مرد این کلمات را گفت، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود سپاس خدای را که وی را از آتش نجات داد. من لا يحضره الفقيه، احکام الاموات، جلد ۱ ص ۱۳۲ قال رسول الله ص: لقنوا موتاكم (لا اله الا الله) فان من كان اخر كلامه (لا اله الا الله) دخل الجنة. من لا يحضره الفقيه ص ۱۳۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تلقین کنید به مرده‌ها تان (در حال نزع) لا اله الا الله زیرا هر کس آخرین سخنش (لا اله الا الله) باشد داخل بهشت خواهد شد. و مستحب است این دعا را نیز به محتضر تلقین کنند که بگویند: یا من يقبل اليسير و يعفو عن الكثير، اقبل مني اليسير و اعف عني الكثير، انك انت العفو الغفور. عروة الوثقى صفحه ۱۱۸ [صفحه ۲۵۹] و مستحب است این دو بیت را که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر کفن سلمان نوشتند: بر کفن میت بنویسند و فدت علی الکرم بغیر زاد من الحسنات و القلب السليم و حمل الزاد اقبل کل شیء اذا كان الوفود علی الکرم عروة الوثقى ص ۱۳۱ هر که از ما کند به نیکی یاد یادش اندر جهان به نیکی باد چه باشد گر ز رحمت پارسائی کند در حق درویشان دعائی خدایا بذات خداوندیت باوصاف بی مثل و مانندیت بلیک حجاج بیت الحرام بمدفن یثرب علیه السلام بطاعات پیران آراسته بصدق جوانان نو خاسته بپاکان کز الایشم دورداد و گر زلتی رفت معذور دار خدایا بذلت مران از درم که صورت نبندد در دیگرم و راز جهل غایب شدم روز چند چو باز آمدن در برویم مبد فقیرم بجرم گناهیم مگیر غنی را ترحم بود بر فقیر خدایا مقصر بکار آمدم تهی دست و امیدوار آمدم بضاعت نیاوردم الا امید خدایا زعفوم مکن ناامید ندارم بغیر از تو فریادرس تویی عاصیان را خطا بخش و بس [صفحه ۲۶۰] یا طالب الدنيا یغریک وجهها و لتند من اذا رأیت قفاها ابوالعتاهیه جمعوا فما اكلوا الذی جمعوا و بنوا مساکنهم فما سکنوا و کانوا بها ضغنا لما استراحوا ساعة ظعنوا ابوالعتاهیه و ما المال و الا- هلون الا وديعة و لابد یوما أن ترد الودائع حسن بصری ای جان عاریت که بحافظ سپرد دوست روزی رخس بینم و تسلیم وی کنم جرت الريح علی رسوم دیارهم فکانهم کانوا علی میعاد واری النعیم و کلما یلهی به یوما یصیر الی بلی و نفاذ اسود بن یعفر هدی منازل أقوام عهدتهم فی خفض عیش و عز ماله خطر صاحت بهم نائبات الدهر فانقلبوا الی القبور فلا عین و لا- أثر انما الدنيا کرؤیا فرحت من رآها ساعة ثم انقضت نصیبک مما تجمع الدهر کله ردائن تلوی فیهما و حنوط و غایه هدی الدار لذة ساعة و یعقبها الاحزان و الهم و الندم و هاتیک دار الامن و العز و التقی و رحمه رب الناس و الجود و الکرم [صفحه ۲۶۱] أين الجابرة الا کاسرة الاولى کتروا الكنوز فما بقین و لا یقوا ابوالطیب قد یجمع المال غیر آکله و يأکل المال غیر من جمعه و یقطع الثوب غیر لا بسه و یلبس الثوب غیر من قطعه أضبط بن قریع انظر لمن ملک الدنيا بأجمعها هل راح منها بغیر القطن و الکفن الم تر ریب الدهر فی کل ساعة له عارض فیه المنیة تلمع آیا بانی الدنيا لغیرک تبتنی و یا جامع الدنيا لغیرک تجمع اری المرء و ثابا علی کل فرصة و للمرء یوما لا محالة مصرع ابوالعتاهیه الم تر أن الدهر یهدم ما بنی و یسلب ما أعطی و یفسد ما اسدی فمن سره ان لا یری ما یسوء فلا یتخذ شیئا یخاف له فقد عیب الله بن عبدالله طاهر فان کنت لا تدری متى الموت فاعلمن بانک لا تبقى الی آخر الدهر الموت فی کل حین ینشد الکفنا و نحن فی غفلة عما یراد بنا لا ترکن الی الدنيا و زهرتها و ان توشحت من أثوابها الحسنات أين الاحبة و الجیران ما فعلوا أين الذین هم کانوا لها سکنا سقاها الموت کاسا غیر صافیة صیرهم تحت أطباق الثری رهنا أری طالب الدنيا و ان طال عمره و نال من الدنيا سرورا و انعم کبان بنی بنیانه فأقامه فلما استوی ما قد تباه تهدما. [صفحه ۲۶۲] سکندر که بر عالمی حکم داشت در آندم که می رفت عالم گذاشت نبودش مسیر کز او عالمی ستانند و مهلت دهندش دمی منه دل براین سالخورده مکان که گنبد نباید براو گردگان چون دی رفت و فردا نیاید بدست حساب از همین یک نفس کن که هست تفرج کنان

در هوی و هوس گذشتیم بر خاک بسیار کس کسانی که از ما بغیب اندرند بیایند و بر خاک ما بگذرند بسی گل دهد بعد ما بوستان نشینند با یکدیگر دوستان چرا دل بر این کار وانگه نهیم که یاران برفتند و ما در رهیم غنیمت شمار این گرامی نفس که بی مرغ قیمت ندارد قفس یکی خوب کردار و خوشخوی بود که بد سیرتان را نکو گوی بود بخواش کسی دید چون در گذشت بگفتا حکایت کن از سرگذشت دهانرا بخنده چو گل باز کرد چو بلبل بصوت خوش آواز کرد که بر من نکردند سختی بسی که من سخت نگرفتمی بر کسی کسی خسب آسوده در زیر گل که خسبند از او مردم آسوده دل سعدی [صفحه ۲۶۳] شکر کاین نامه بعنوانی رسید گم نشد نقد و با خوانی رسید نردبان آسمانست این کلام هر که از این بر رود آید بیام نه بیام چرخ کان اخضر بود بل بیامی کز فلک برتر بود بام گردون را از او آید نوا گردشش باشد همیشه ز آن هوا رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم، انک انت الاعز و الاجل الاکرم، وانت ارحم الراحمین. کتاب حاضر که متجاوز از پانصد حدیث در آن نگارش یافته صبح چهارشنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۹۴ قمری هجری روز ولادت باسعادت امام حسن عسکری علیه السلام مطابق ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۳ شمسی در شهر طهران به پایان رسید. کتبه العبد المذنب سید کاظم وفائی همدانی ابن حاج سید حسین سولانی غفرالله لهما والحمدلله الذی بنعمته تتم الصالحات پایان

پاورقی

[۱] مجمع الزوائد هیشمی ص ۱۶۴ ج ۱، این کتاب دائره المعارفی است در هفت مجله بسیار نفیس و ارزنده. [۲] مقدمه تفسیر و ترجمه نگارنده ص ۱۵ ج ۱. [۳] (نقل از هفتاد گفتار سید مصطفی سرابی. [۴] وسائل الشیعه. [۵] تفسیر مجمع البیان. [۶] شرح الاربعین النوویه. [۷] المستطرف. [۸] هدایه المرشدین. [۹] نهج البلاغه. [۱۰] معالم الاصول. [۱۱] تفسیر مجمع البیان جلد ۱ صفحه ۴۲۱. [۱۲] معالم الاصول. [۱۳] معالم الاصول. [۱۴] نهج البلاغه. [۱۵] جامع الصغیر. [۱۶] وسائل شیعیه. [۱۷] غوالی اللثالی. [۱۸] طرائف لحکم اشتیانی جلد ۱ ص ۱۴. [۱۹] درس فارسی استاد عبدالعظیم قریب. [۲۰] وسائل شیعیه. [۲۱] فتح المجید. [۲۲] جامع الصغیر. [۲۳] وسائل الشیعه. [۲۴] احیاء العلوم. [۲۵] احیاء العلوم. [۲۶] عروه الوثقی. [۲۷] عروه الوثقی. [۲۸] وسائل شیعیه. [۲۹] اقبال سید بن طاوس ص ۱. [۳۰] عیون اخبار الرضا. [۳۱] وسائل. [۳۲] وسائل الشیعه. [۳۳] وسائل الشیعه. [۳۴] وسائل الشیعه. [۳۵] وسائل الشیعه. [۳۶] وسائل الشیعه. [۳۷] تفسیر مجمع البیان. [۳۸] وسائل الشیعه. [۳۹] مجمع البیان. [۴۰] نهج البلاغه. [۴۱] وسائل الشیعه. [۴۲] وسائل. [۴۳] وسائل الشیعه. [۴۴] وسائل الشیعه. [۴۵] وسائل الشیعه. [۴۶] وسائل الشیعه. [۴۷] وسائل. [۴۸] مهج الدعوات. [۴۹] عیون اخبار الرضا. [۵۰] وسائل الشیعه. [۵۱] وسائل الشیعه. [۵۲] المستطرف. [۵۳] نهج البلاغه. [۵۴] وسائل. [۵۵] وسائل الشیعه. [۵۶] وسائل الشیعه. [۵۷] وسائل. [۵۸] وسائل الشیعه. [۵۹] وسائل الشیعه. [۶۰] وسائل الشیعه. [۶۱] وسائل الشیعه. [۶۲] وسائل الشیعه. [۶۳] وسائل الشیعه. [۶۴] عمشاء زنی است که چشمش ضعیف است و غالباً از چشمش اشک می آید. مجمع البحرین. [۶۵] وسائل الشیعه. [۶۶] وسائل الشیعه. [۶۷] وسائل الشیعه. [۶۸] تفسیر مجمع البیان. [۶۹] تفسیر مجمع البیان. [۷۰] وسائل الشیعه. [۷۱] احیاء العلوم. [۷۲] احیاء العلوم. [۷۳] وسائل الشیعه. [۷۴] طرائف الحکم اشیانی. [۷۵] وسائل الشیعه. [۷۶] وسائل الشیعه. [۷۷] وسائل. [۷۸] اصول کافی. [۷۹] وسائل. [۸۰] وسائل الشیعه. [۸۱] وسائل. [۸۲] وسائل الشیعه. [۸۳] وسائل. [۸۴] عیون اخبار الرضا. [۸۵] وسائل الشیعه. [۸۶] نهج البلاغه. [۸۷] مجموعه ی ورام. [۸۸] مجموع آنها شش چیز شد و در مجموعه ی ورام هفتم نوشته نشده است. [۸۹] وسائل. [۹۰] وسائل. [۹۱] طرائف الحکم. [۹۲] وسائل. [۹۳] وسائل الشیعه. [۹۴] وسائل. [۹۵] وسائل. [۹۶] وسائل الشیعه. [۹۷] وافی. [۹۸] وسائل. [۹۹] وافی. [۱۰۰] وسائل الشیعه. [۱۰۱] وافی. [۱۰۲] وسائل الشیعه. [۱۰۳] امالی صدوق. [۱۰۴] وسائل الشیعه. [۱۰۵] وسائل. [۱۰۶] وسائل الشیعه. [۱۰۷] خصال. [۱۰۸] وسائل. [۱۰۹] وسائل الشیعه. [۱۱۰] خصال شیخ صدوق. [۱۱۱] وافی. [۱۱۲] وافی. [۱۱۳] وسائل. [۱۱۴] وسائل الشیعه. [۱۱۵] وسائل الشیعه. [۱۱۶] وسائل. [۱۱۷] وسائل الشیعه. [۱۱۸] وسائل. [۱۱۹] وسائل. [۱۲۰] خصال.

[۱۲۱] عقاب الاعمال. [۱۲۲] اصول کافی. [۱۲۳] مجموعه‌ی ورام. [۱۲۴] عدة الداعی. [۱۲۵] عدة الداعی. [۱۲۶] وسائل. [۱۲۷] وسائل الشیعه. [۱۲۸] وسائل الشیعه. [۱۲۹] وسائل. [۱۳۰] وسائل. [۱۳۱] جامع الصغیر سیوطی. [۱۳۲] وسائل. [۱۳۳] وسائل. [۱۳۴] وسائل الشیعه. [۱۳۵] وسائل. [۱۳۶] وسائل. [۱۳۷] وسائل الشیعه. [۱۳۸] وسائل الشیعه. [۱۳۹] وسائل الشیعه. [۱۴۰] وسائل. [۱۴۱] نهج البلاغه. [۱۴۲] وسائل کتاب الزکوة. [۱۴۳] طرائف الحکم آشتیانی وسائل. [۱۴۴] وسائل. [۱۴۵] وسائل الشیعه. [۱۴۶] وسائل. [۱۴۷] وسائل. [۱۴۸] وسائل الشیعه. [۱۴۹] وسائل. [۱۵۰] نهج البلاغه. [۱۵۱] وسائل. [۱۵۲] وسائل الشیعه. [۱۵۳] عیون اخبار الرضا. [۱۵۴] وسائل. [۱۵۵] وسائل. [۱۵۶] مجمع البحرین بلغت خریف مراجعه شود. [۱۵۷] وسائل الشیعه. [۱۵۸] وسائل الشیعه. [۱۵۹] وسائل الشیعه. [۱۶۰] وسائل. [۱۶۱] وسائل الشیعه - ثواب الاعمال صدوق. [۱۶۲] وسائل. [۱۶۳] وسائل. [۱۶۴] وافی. [۱۶۵] وسائل. [۱۶۶] وسائل. [۱۶۷] وافی. [۱۶۸] وسائل. [۱۶۹] مجله رساله اسلام. [۱۷۰] کتاب المستطرف ۱۴۲. [۱۷۱] وافی. [۱۷۲] فی الوسائل. [۱۷۳] وافی. [۱۷۴] وسائل. [۱۷۵] وسائل. [۱۷۶] نهج البلاغه. [۱۷۷] عیون اخبار الرضا. [۱۷۸] عیون اخبار الرضا. [۱۷۹] وسائل. [۱۸۰] ثواب الاعمال صدوق. [۱۸۱] وافی وسائل. [۱۸۲] وسائل الشیعه. [۱۸۳] وسائل الشیعه. [۱۸۴] وافی. [۱۸۵] وافی. [۱۸۶] الضراوة - حرص شدید - وافی. [۱۸۷] وسائل. [۱۸۸] وسائل الشیعه. [۱۸۹] وسائل. [۱۹۰] وسائل. [۱۹۱] وسائل. [۱۹۲] وافی. [۱۹۳] وسائل. [۱۹۴] وسائل. [۱۹۵] وسائل. [۱۹۶] وسائل الشیعه. [۱۹۷] وسائل. [۱۹۸] وسائل. [۱۹۹] وسائل. [۲۰۰] (مدمن یعنی کسی که هر وقت شراب به دستش بیاید و آن را بیاید بیاشامد). [۲۰۱] قال الصدوق: یعنی اذا کان مستحلالها. [۲۰۲] وسائل. [۲۰۳] وسائل. [۲۰۴] مجموعه ورام. [۲۰۵] وسائل الشیعه. [۲۰۶] وافی. [۲۰۷] وافی. [۲۰۸] وافی. [۲۰۹] وافی. [۲۱۰] وافی. [۲۱۱] وسائل. [۲۱۲] شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل فرمود، فقهاء در اینجا وجوب را حمل بر استحباب فرموده‌اند. حضرت رضاع فرمود: خدای عز و جل در وضوء گرفتن واجب کرده که زن شروع کند به وضوء و آب ریختن به باطن دو ذراعش و مرد شروع کند به ظاهر دو ذراعش. [۲۱۳] وسائل. [۲۱۴] وسائل. [۲۱۵] وسائل. [۲۱۶] وسائل. [۲۱۷] وسائل. [۲۱۸] وسائل. [۲۱۹] وسائل الشیعه. [۲۲۰] وسائل. [۲۲۱] وسائل الشیعه. [۲۲۲] من لا یحضره الفقیه. [۲۲۳] وسائل. [۲۲۴] وسائل. [۲۲۵] وسائل. [۲۲۶] در قرآن مجید بیش از هفتاد موضع ذکر شده (احیاء العلوم). [۲۲۷] وسائل الشیعه. [۲۲۸] علل الشرایع - عیون الاخبار - وسائل. [۲۲۹] وسائل. [۲۳۰] وسائل ثواب الاعمال صدوق. [۲۳۱] وسائل. [۲۳۲] وسائل. [۲۳۳] من لا یحضره الفقیه. [۲۳۴] وسائل - عدة الداعی ابن فهد. [۲۳۵] وافی. [۲۳۶] وسائل الشیعه. [۲۳۷] وسائل. [۲۳۸] (خصال) وسائل. [۲۳۹] وسائل. [۲۴۰] وسائل. [۲۴۱] وسائل. [۲۴۲] وسائل. [۲۴۳] وسائل. [۲۴۴] عیون الاخبار معانی الاخبار (وسائل). [۲۴۵] عیون الاخبار معانی الاخبار (وسائل). [۲۴۶] وسائل شیعہ. [۲۴۷] احیاء العلوم. [۲۴۸] نهج البلاغه. [۲۴۹] بعضی از اهل ذوق خوانده‌اند حب الدینا راس کل خطینہ. [۲۵۰] وافی. [۲۵۱] وسائل الشیعه. [۲۵۲] وسائل شیعہ. [۲۵۳] در عبارت فوق تعداد فوق گناهان کبیره ۳۳ می‌باشد. [۲۵۴] وسائل. [۲۵۵] این تفسیر ۲۰ جلد است و از بهترین تفاسیر برادران اهل سنت است. [۲۵۶] مؤلف گوید این در صورتی است که مشرک از دنیا برود و چنانچه قبل از مرگ توبه کند قابل آمرزش است. [۲۵۷] تفسیر قرطبی جلد ۵ ص ۱۶۰. [۲۵۸] شاکلته در مجمع البحرین به معنای طریقت و طبیعت و نیت و خلق می‌باشد، یعنی بگو ای پیغمبر هر کس به طریقه و طبیعت خودش عمل می‌نماید. [۲۵۹] نگارنده گوید ترجیح قول علی علیه السلام بر اقوال دیگر واضح و روشن است و محتاج دلیل و تحقیق نیست. [۲۶۰] وسائل الشیعه. [۲۶۱] وسائل الشیعه. [۲۶۲] عیون اخبار الرضا علل الشرایع - وسائل. [۲۶۳] جامع الصغیر سیوطی. [۲۶۴] جامع الصغیر ۳۴۳. [۲۶۵] نهج البلاغه. [۲۶۶] جامع الصغیر. [۲۶۷] ناسخ التواریخ نقل از من لا یحضره الفقیه. [۲۶۸] وسائل الشیعه. [۲۶۹] کمال الجود بذل الموجود. [۲۷۰] وسائل الشیعه. [۲۷۱] وسائل الشیعه. [۲۷۲] وافی. [۲۷۳] تفسیر سوره‌ی یوسف غزالی. [۲۷۴] کتاب محمد المثل الکامل ص ۱۱۳. [۲۷۵] وافی. [۲۷۶] محمد المثل الکامل تالیف جاد المولی. [۲۷۷] تفسیر مجمع البیات سورة الاسراء. [۲۷۸] المستطرف. [۲۷۹] وسائل. [۲۸۰] وسائل الشیعه. [۲۸۱] وسائل الشیعه. [۲۸۲] وسائل الشیعه. [۲۸۳] وسائل. [۲۸۴] اصول کافی. [۲۸۵] وسائل. [۲۸۶] ثواب الاعمال ص ۲۱.

[۲۸۷] وسائل. [۲۸۸] وسائل. [۲۸۹] وسائل. [۲۹۰] وسائل. [۲۹۱] من لا يحضره الفقيه. [۲۹۲] وسائل. [۲۹۳] وسائل. [۲۹۴] وسائل. [۲۹۵] وسائل. [۲۹۶] وسائل. [۲۹۷] وسائل. [۲۹۸] وسائل. [۲۹۹] وسائل. [۳۰۰] وسائل. [۳۰۱] وسائل. [۳۰۲] وافى. [۳۰۳] وسائل. [۳۰۴] وافى. [۳۰۵] وسائل. [۳۰۶] وسائل. [۳۰۷] وافى. [۳۰۸] مهج الدعوات. [۳۰۹] وسائل جلد ۲ کتاب الزکوة. [۳۱۰] تحف العقول. [۳۱۱] مفاتيح الجنان. [۳۱۲] وسائل. [۳۱۳] وسائل. [۳۱۴] وسائل. [۳۱۵] وسائل کتاب الصلوات. [۳۱۶] وسائل. [۳۱۷] كافى - تهذيب. [۳۱۸] وسائل الشيعه كتاب الطهارة. [۳۱۹] وسائل الشيعه كتاب الطهارة. [۳۲۰] وسائل الشيعه كتاب الصلوة. [۳۲۱] اقول هذا محمول على التخيير بينه و بين مامر او على كون الجماعة فى مسجد لما تقدم او مع امام او مع مرجع آخر. (وسائل الشيعه كتاب الصلوة). [۳۲۲] وسائل الشيعه كتاب الصلوة ص ۵۳. [۳۲۳] وسائل الشيعه كتاب الصلاة. [۳۲۴] وسائل كتاب الصلوة ص ۱۲۹. [۳۲۵] وسائل كتاب الصلوة ص ۱۵۲. [۳۲۶] تفسير القرطبى جلد ۱۹. [۳۲۷] تفسير القرطبى جلد ۱۹. [۳۲۸] تفسير القرطبى جلد ۲۰. [۳۲۹] وافى. [۳۳۰] تفسير القرطبى جلد ۲۰. [۳۳۱] مجموعه ورام ص ۲۷۷. [۳۳۲] شرح ابن ابى الحديد جلد ۱. [۳۳۳] مجموعه ورام. [۳۳۴] خصال شيعه صدوق. [۳۳۵] مجموعه ورام صفحه ۱۲۰. [۳۳۶] مجموعه ورام. [۳۳۷] وسائل الشيعه. [۳۳۸] حضرت نوح هزار و چهارصد و پنجاه سال عمر کرد (كتاب المعمرون و الوصايا). [۳۳۹] در مجمع البحرين نينداز معنى کرده به شرابى که از انگور يا خرما و يا جو و غيره مى سازند.